

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه:
۱	- مسئله و موضوع تحقیق
۲	- اهمیت موضوع:
۳	۱- چهارچوب تئوریکی
۳	۱-۱- تعریف و تحدید انحراف:
۵	۱-۲- دورکیم و تئوری آسیب شناسی:
۷	۱-۲-۱- آنومی
۸	۱-۲-۲- فرد گرایی
۹	۱-۲-۳- دین
۱۲	۱-۳- مرتن، ساخت اجتماعی و آنومی
۱۴	۱-۴- کلوارد و اوهلین و تئوری فرصت:
۱۵	۱-۵- آلبرت کوهن و نظریه محرومیت پایگاهی
۱۷	۱-۶- ساترلند و ارتباطات نسبی
۱۹	۱-۷- سایکزومتزا و تکنیکهای خنثی سازی:
۲۲	۱-۸- هیرشی و عناصر علقه اجتماعی
۲۴	۱-۹- نی و روابط خانوادگی
۳۰	۱-۱۰- کلیفورد شاو و هنری مککی و حوزه‌های بزهکاری:
۳۲	۱-۱۱- والترکلس و تئوری خودمنعی
۳۳	۱-۱۲- هاوارد بکرو تئوری بیگانگان
۳۵	۱-۱۳- ادوین لمرت و انحراف اولیه و ثانویه:
۳۶	۱-۳- خلاصه چهارچوب تئوریکی

۳۹	۱-۴- فرضیه‌های تحقیق
۴۳	۲- روش تحقیق
۴۳	۲-۱- تحقیقات مقدماتی
۴۴	۲-۲- تحقیقات اصلی
۴۴	۲-۲-۱- جمعیت تحقیق
۴۴	۲-۲-۲- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری
۴۶	۲-۲-۳- سنجش متغیرها
۴۶	۲-۲-۳-۱- متغیر وابسته
۴۶	۲-۲-۳-۲- متغیرهای مستقل
۴۷	۲-۲-۴- استخراج
۴۷	۲-۲-۵- سطح سنجش متغیرها
۴۷	۲-۲-۶- روشهای آماری
۴۹	۲-۲-۷- روائی
۵۱	۳- نتایج
۵۱	۳-۱- نگاهی به وضعیت زندانها
۵۲	۳-۳- سنجش میزان جرم
۵۳	۳-۲-۱- نوع جرم
۵۴	۳-۲-۲- تعدد جرم
۵۴	۳-۲-۳- دفعات ورود به زندان
۵۵	۳-۲-۴- جرم دفعات قبل
۵۶	۳-۲-۵- میزان محکومیت (شدت مجازات)
۵۷	۳-۲-۶- سن شروع جرم
۵۷	۳-۲-۷- مدت ارتکاب جرم
۶۰	۳-۳- متغیرهای موثر بر جرم
۶۰	۳-۳-۱- مشخصات فردی

- ۶۱ ۱-۱-۳-۳-ارتباط مشخصات فردی با متغیرهای جرم
- ۶۲ ۲-۳-۳-وضعیت اقتصادی
- ۶۶ ۱-۲-۳-۳-ارتباط وضعیت اقتصادی با متغیرهای جرم:
- ۶۸ ۳-۳-۳-تحصیلات
- ۷۰ ۱-۳-۳-۳-ارتباط تحصیلات با متغیرهای جرم
- ۷۰ ۴-۳-۳-وضعیت خانواده
- ۷۷ ۱-۴-۳-۳-ارتباط وضعیت خانواده‌گی با متغیرهای جرم
- ۸۱ ۵-۳-۳-حوزه‌های بزهکاری
- ۸۷ ۱-۵-۳-۳-ارتباط حوزه‌های بزهکاری با متغیرهای جرم
- ۹۲ ۶-۳-۳-آنومی
- ۹۴ ۱-۶-۳-۳-ارتباط آنومی با متغیرهای جرم:
- ۹۵ ۷-۳-۳-فردگرایی
- ۹۶ ۱-۷-۳-۳-ارتباط فردگرایی با متغیرهای جرم
- ۹۷ ۸-۳-۳-اعتقاد به مذهب
- ۹۸ ۱-۸-۳-۳-ارتباط اعتقاد به مذهب با متغیرهای جرم
- ۹۸ ۹-۳-۳-فقدان فرصت
- ۹۹ ۱-۹-۳-۳-ارتباط فقدان فرصت با متغیرهای جرم
- ۱۰۰ ۱۰-۳-۳-تعلق اجتماعی
- ۱۰۱ ۱-۱۰-۳-۳-ارتباط تعلق اجتماعی با متغیرهای جرم
- ۱۰۲ ۱۱-۳-۳-تکنیکهای خنثی‌سازی
- ۱۰۵ ۱-۱۱-۳-۳-ارتباط تکنیکهای خنثی‌سازی با متغیرهای جرم
- ۱۰۶ ۱۲-۳-۳-طرد اجتماعی
- ۱۰۸ ۱-۱۲-۳-۳-ارتباط طرد اجتماعی با انحراف ثانویه
- ۱۰۹ ۱۳-۳-۳-برچسب
- ۱۰۹ ۱-۱۳-۳-۳-ارتباط برچسب با انحراف ثانویه

۱۱۰ ۳-۳-۱۴- تحلیل رگرسیون
۱۱۶ ۳-۳-۱۵- تحلیل مسیر
۱۱۳ ۴- نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۱۹ منابع
۱۲۲ ضمایم

مقدمه

مقدمه:

فعالیت انسانها در جامعه مبتنی بر نظم اجتماعی می باشد و این نظم از طریق افراد و رفتار گروههای اجتماعی باقی می ماند و تداوم پیدا می کند. هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می شوند. این هنجارها و قوانین در طی فرایند جامعه پذیری در درون خانواده درونی می شود و در مراحل بعد از طریق کسب تجربه در طول زندگی حاصل می شود.

هر جامعه از اعضاء خود انتظاراتی دارد که افراد می بایستی آن انتظارات را برآورده سازند. اگر اعضاء جامعه مطابق انتظارات، هنجارها و ارزشهای مورد قبول و پسند جامعه رفتار نمایند واژه «همنوا، بهنجار» در مورد آنان مصداق پیدا می کند و اگر از این هنجارها تخطی کرده و رفتاری مغایر با انتظارات جامعه نشان دهند، افرادی «منحرف و نابهنجار» تلقی می شوند.

در هر جامعه ای بیشتر مردم اکثر اوقات نسبت به هنجارهای اجتماعی همنائی دارند و بهمین لحاظ زندگی اجتماعی الگویی نسبتاً منظم و قابل پیش بینی خواهد داشت، لیکن همانقدر که مردم از هنجارها پیروی می کنند، تخطی و سرپیچی از هنجارها و انتظارات اجتماعی نیز مشاهده می شود. پس تصور یک جامعه هم شامل هنجارشکنیها و هم نمایشگر همنائی با هنجارها می باشد.

مسئله و موضوع تحقیق

مسئولین هر جامعه ای به منظور تحقق بخشیدن به اهداف خود احتیاج به شرایط و زمینه های مساعد و مطلوبی دارند. از جمله شرایط فوق می توان به مسئله نظم و انسجام اجتماعی اشاره نمود. در جامعه ای که هنجارهای مهم اجتماعی شکسته می شوند زندگی اجتماعی غیر قابل پیش بینی گردیده و تضاد و کشمکش بین همنوایان و کجروان بوجود می آید که حاصل اینها ایجاد اختلال در نظم اجتماعی خواهد بود.

در این تحقیق به دنبال شناخت انحرافات و بخصوص علل و عوامل موثر در بروز رفتارهای انحرافی در بین زنان می باشیم که پس از بررسی نظریات متفاوتی که در زمینه انحرافات وجود دارد، انحراف بنا به تعاریفی که از آن بعمل خواهد آمد تا حد زیادی متأثر از ساختار روابط اجتماعی حاکم بر جامعه تلقی می گردد.

اهمیت موضوع:

تبیین انحراف از چند لحاظ حائز اهمیت می باشد.

۱- بعنوان عاملی که در نظم اجتماعی اختلال ایجاد می کند.

۲- صرف هزینه ها و بودجه های بسیار زیاد در جهت فعالیتهای کنترل اجتماعی، در حالیکه می توان منابع را در راههای مثبت و سازنده ای که به حال جامعه نیز مفیدتر باشد، استفاده کرد.

۳- وجود رفتارهای انحرافی موجب مخدوش کردن حس اعتماد و اطمینان عمومی است و اگر این انحرافات بدون مجازات باشد تمایل به همنائی را در مردم از بین می برد.

پس بررسی ریشه ای علل مسئله انحراف و ابعاد آن می تواند در شناخت مسئله و زمینه های

بروز آن به منظور کنترل و پیشگیری از وقوع آن موثر واقع شود.



۱- چارچوب تئوریکى

۱- چهارچوب تئوریکی:

هدف از مطالعه نظریات دانشمندان علوم اجتماعی که در قالب « تئوری » بیان می‌گردد، تبیین واقعیت‌های اجتماعی و بدست آوردن شناخت می‌باشد. با ارائه تعریف تئوری:

تئوری مجموعه‌ای از گفتارهایی است که بر مبنای قواعد منطق با یکدیگر در ارتباط و مبین بخشی از واقعیت هستند (رفیع پور، ۱۳۶۴: ۹۵) درصدد شناخت و تبیین این مسئله می‌باشیم.

۲- ۱- تعریف و تحدید انحراف:

هر چند که واژه انحراف (deviance) بیش از سیصد سال است که مورد استفاده قرار گرفته، اما معنای جامعه شناختی آن جدید و متمایز است. به نظر جامعه شناسان، انحراف صفت ذاتی اشکال خاصی از رفتار نیست (اریکسون، ۱۹۶۲، بکر، ۱۹۶۳، لمرت، ۱۹۷۲)، بلکه صفت عارضی است که معنای اجتماعی به رفتارهایی خاص می‌دهند. (Vander Zanden, 1993: 129) در اصل جامعه شناسان و جرم شناسان انحراف را جهت اطلاق به رفتاری انتخاب کرده‌اند که مردود، مورد نکوهش، لکه‌دار یا قابل کیفر و تنبیه است. اغلب این لغت بعنوان قانون شکنی به تصور می‌آید. این لغت از نظر معنا به مراتب وسیعتر از جرم است، ارتکاب جرم چیزی بیش از نقض نوع خاصی از قانون نیست، لیکن انحراف شامل جرم و مسائل جانبی آن که غیر واضح و دقیق هستند نیز می‌شود. (kuper, 1989 : 199)

ترنر معتقد است که، انحراف رفتاری است که هنجارهای موجود را به طور گسترده‌ای نقض می‌کند و همانطور که جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر و متفاوت‌تر میشوند، نرخ انحراف افزایش می‌یابد. (Turner, 1994 : 195)

دورکیم در تعریف جرم می‌گوید: آن نوع پیوند همبستگی اجتماعی که به حقوق تنبیهی مربوط است پیوندی است که گسستن آن جرم محسوب می‌شود (دورکیم، ۱۳۶۹: ۸۳) جرم به معنای جامعه شناختی کلمه، چیزی نیست جز کرداری که وجدان جمعی آنرا ممنوع می‌داند. (آرون، ۱۳۶۴: ۳۵۲)

جرم بنظر ما هر نوع عملی است که در حد معین خودش موجب واکنش ویژه‌ای برضد عامل عمل می‌شود که نامش مجازات است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۸۳) و مجرم کسی است که در یک جامعه معین از قواعد مدنی آن جامعه سرپیچی کرده است (آرون، ۱۳۶۴: ۳۵۲).

Aggleton به نقل از بکر تعریف زیر را ارائه می‌دهد :

انحراف یک ویژگی (خصوصیت) ساده که در بعضی از انواع رفتار حاضر و در بعضی دیگر از رفتارها غایب باشد نیست [بلکه ویژه گی است که قرارداد] در تعامل بین افرادی که مرتکب اعمال انحرافی می‌شوند و افرادی که در برابر رفتارهای انحرافی واکنش نشان می‌دهند. (Aggleton, 1993:57)

« دوب » انحراف اجتماعی را عبارت از هر نوع وضعیت یا رفتاری می‌داند که اعضای قویتر یک گروه اجتماعی به طور معقول، تخلفی جدی را نسبت به ارزشها یا معیارهای مهم خود مورد توجه قرار می‌دهد. (ستوده، ۱۳۷۲ : ۳۱)

در چند تعریف فوق، متوجه این نکته می‌شویم که تعریف واحد و یکدستی از این واژه وجود ندارد و هر یک از دانشمندان بر حسب وابستگی به مکتب فکری معینی تعریفی مجزا ارائه نموده‌اند.

نتیجه اینکه تعریف انحراف، اطلاق و مصادیق رفتار انحرافی نسبی بوده و با توجه به شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. این که کدام اعمال انحرافی تعریف می‌شوند، از زمانی، از مکانی به مکانی و از گروهی به گروهی به شدت متغیر است. (Vander Zanden, 1993: 129).

پس با توجه به تعاریف انحراف و هدف و محدودیتهای این تحقیق تعریف زیر مناسب بنظر می‌رسد.

انحراف انجام هرگونه رفتاری است که از هنجارها و قواعد ارزشهای جامعه تخطی کرده و موجب مجازات و کیفر می‌شود. و بدلیل گسترگی مصادیق آن در این تحقیق، انحراف کلیه رفتارهایی است که به موجب قانون منع شده و فاعلان این گونه رفتارها مورد مجازات رسمی قرار می‌گیرند.

۲-۱- دورکیم و تئوری آسیب‌شناسی:

(Durkheim and pathological Theory)

امیل دورکیم (۱۸۹۷/۱۹۵۱، ۱۸۹۳/۱۹۶۳) معتقد بود که انحراف برای جامعه کارکرد مثبت دارد. او می‌گفت که انحراف و تنبیه منحرف مرزهای رفتار قابل قبول را مستحکم می‌کند و فرصتی است که مردم تعهد خود را نسبت به نظم اخلاقی جامعه دوباره تصریح می‌کنند. (Vander Zanden, 1993 :136)

تئوری دورکیم درباره جرم و رفتارهای جنائی تا حدودی از پیچیدگی خاصی برخوردار است، اما نفوذ زیادی را در مباحث جرم‌شناسی داشته است. (Vold and Bernard, 1986 : 144)

دورکیم در تعریف جرم می‌گوید: «جرم به معنای جامعه‌شناختی کلمه، چیزی نیست جز کرداری که وجدان جمعی آنرا ممنوع می‌داند. گفتن اینکه کسی از لحاظ جامعه‌شناسی، مجرم است متضمن این نیست که وی نسبت به خدا یا نسبت به طرز تلقی خاص خود ما از عدالت، گناهکار است. مجرم کسی است که در یک جامعه معین از قواعد مدنی آن جامعه سرپیچی کرده است. (آرون، ۱۳۶۴: ۳۵۲).

به نظر دورکیم، در گذار تغییر اجتماعی، همینکه جوامع از یک پایه همبستگی اجتماعی عبور می‌نمایند، ناهنجاری و انفصال فرد از جامعه رخ می‌دهد، بویژه اگر این انفصال شدید باشد، عدم تنظیم و کنترل و انفصال نه تنها موجب نرخ بالای کجروی است بلکه همچنین موجب مشکلاتی در تثبیت نظم اجتماعی است. (ترنر، ۱۳۷۱: ۴۰۴)

از نظر وی جرم در دو جامعه با همبستگی مکانیکی و جوامع با همبستگی ارگانیکی به اشکال مختلفی آشکار می‌گردد تا آن حدی که جامعه در حالت مکانیکی قرار گرفته باشد جرم امری عادی است، به این معنی که اگر جامعه بدون جرم باشد بطور نامعقولی بیش از حد مورد کنترل واقع شده است. از سوی دیگر همانگونه که جامعه به سمت ارگانیک در حال گام نهادن است، وضعیت نابهنجار (Pathological) برای این نوع جامعه امری محتمل است، که دورکیم آنرا آنومی (Anomie) نام نهاده است، بروز آنومی انواع مختلف نابهنجاریهای اجتماعی از جمله جرم را ایجاد می‌کند. (Vold and Bernard, 1986 : 146)

در جوامع مکانیکی همانندی در نحوه زندگی، اعتقادات و باورهای اعضای جامعه وجود دارد و همبستگی ناشی از همانندی، زمانی به اوج خود می‌رسد که وجدان فردی یکایک اعضای

جامعه منطبق با وجدان جمعی (Collective conscience) پرورش یابد و از هر نظر با آن یکی شود. در این نوع جوامع وجدان جمعی نه تنها بزرگترین بخش هستی فردی را دربر می‌گیرد، بلکه از نیروی عظیمی برخوردار است که از طریق شدت کیفرهایی که به افراد خاطی داده میشود میتوان به اهمیت آن پی برد. (دورکیم، ۱۳۶۸: ۹۳)

هر قدر وجدان جمعی قوی تر باشد خشم [عمومی] بر ضد جرم، یعنی بر ضد تخطی از فرامین اجتماعی، حادث تر است. (دورکیم، ۱۳۶۴: ۳۴۹).

بنابر این منشأ همبستگی در یک جامعه مکانیکی همین اعمال فشار توسط وجدان جمعی برای همانندی در برابر این اختلافها و تنوعات است. این اجبارها به اشکال و درجات مختلفی اعمال می‌گردد، از شدیدترین شکل یعنی مجازاتهای سنگین تا خفیف‌ترین نوع یعنی خندیدن و دوری گزیدن و اخم کردن. (دورکیم، ۱۳۶۸: ۲۶)

دورکیم بعنوان یک کارکردگرا بر این اعتقاد است که جرم و انحراف یا عکس العمل به آن (تنبیه) باعث انسجام اجتماعی و ایجاد یک مسئولیت مشترک در ساختار اجتماعی می‌گردد که نهایتاً منجر به کاهش جنایت می‌گردد. (Warner and Liska, 1991: 1441)

دورکیم در بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸ در زمینه بهنجار و کارکردی بودن جرم در زندگی اجتماعی مقالاتی به رشته تحریر درآورد. بحث او در این زمینه بود که اگرچه توزیع رفتارها در اطراف یک توزیع نرمال اجتماعی می‌باشد ولی بعضی از نسبت‌های توزیع ممکن است در هر جامعه‌ای واکنشی باشد به تعریف جرم یا انحراف و این نسبت ها در طول زمان ثابت خواهد بود. (Warner and Liska, 1991: 1442) چنانکه امیل دورکیم توضیح داده است، هرگاه اعضای گروهی اعمالی را به مثابه انحراف محکوم کنند [در واقع] حدود و ثغور هنجارها را برجسته و روشن می‌سازند. واکنشهای منفی آنها به دقت روشن می‌سازد که وجدان جمعی چه رفتاری را مردود می‌داند. (Vander Zanden, 1993: 134)

دورکیم در ادامه بحث تحول جوامع با همبستگی مکانیکی به جوامع با همبستگی ارگانیکی مطرح می‌کند که:

در واحدهای بزرگ اجتماعی با وجدان جمعی ضعیف فرد می‌تواند دنبال علائق شخصی خود برود و هر چه را که می‌خواهد بدست آورد (ریترز، ۱۳۷۳: ۸۴) در این مرحله نابسامانی نشانگر تنظیم ناکافی دستوری برای فعالیتهای افراد است با این نتیجه که آنان این احساس را ندارند که به یک جمعی متصلند. نابسامانی اجتناب ناپذیر می‌شود وقتی که انتقال جوامع از

همبستگی اجتماعی مکانیکی به همبستگی اجتماعی ارگانیکی سریع است و منجر به کلیت یا تضعیف ارزشها می شود. با این کلیت ارزشی، اتصال افراد به این ارزشها و تنظیم توسط این ارزشها کاهش می یابد. نتایج این موقعیت نابسامانی متعدد است. یک نتیجه این است که افراد احساس از خود بیگانگی می نمایند چونکه تنها اتصالشان به ثبات و برنامه خورد کننده ای است که توسط ماشینهای عصر صنعت دیکته میشود. نتیجه دیگر بایأسهای شدید و احساس محرومیتی است که توسط سیرفزاینده شورش که در اثر حالت تنظیم ناکافی بروز می نماید ظاهر می شود. (ترنر، ۱۳۷۳: ۳۹۰)

۱-۲-۱- آنومی (Anomie)

بطور کلی میتوان گفت که تئوری آنومی دورکیم دارای دو بعد است، بدین معنا که، دورکیم آنومی را بعنوان بی سازمانی اجتماعی، که از طریق شهرنشینی و به تحلیل رفتن جامعه سنتی بوقوع می پیوندد، تعریف کرده است و مشخصه آن بی هنجاری و نامتناهی بودن آرزوهاست. (Warrner, 1977:318)

بواسطه اهمیت این بحث در جرم شناسی و جامعه شناسی این تئوری در عبارت زیر مطرح می شود.

حیات و زندگی در صورتی برای انسان امکان پذیر است که نیازهای او بقدر کفایت برآورده شود. انسان هر چه که بیشتر داشته باشد بیشتر هم میخواهد و برآورده شدن هر نیازی به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیازهای تازه ای را هم بر می انگیزد. از این سیری ناپذیری طبیعی نوع بشر چنین بر می آید که آرزوهای انسان را تنها میتوان با نظارت خارجی یعنی با نظارت اجتماعی مهار کرد. در جوامع خوب تنظیم شده نظارت اجتماعی برگرایشهای فردی یک رشته محدودیتها می نهد، چندان که هر فردی در محدوده خودش کم و بیش تشخیص می دهد که تا چه حدی می تواند به بلند پروازیهایش میدان دهد.

اما هرگاه جامعه از طریق بحرانهای ناخوشایند (رکود اقتصادی) و بحرانهای خوشایند (رونق اقتصادی) به گونه ای تند و سریع دچار آشفتگی گردد، لحظه به لحظه اعمال نفوذ در این جامعه کاسته می گردد و در نتیجه حرکتها ناگهانی در منحنی خودکشی مشاهده می گردد.

هنگامیکه شرایط زندگی دگرگون شود معیارهای که نیازها را تنظیم می کردند بهمان ترتیب قبل

قرار ندهد و به هم می‌خورند. اما معیارهای جدید نیز نمی‌توانند به سرعت ساخته شوند زیرا برای بازنگری مجدد آنها زمان مورد نیاز است. در این حالت قدرتهای تنظیم‌کننده جامعه از هم گسیخته و منفک می‌شوند و کنترل کمی بر روی افراد وجود دارد. نفوذ نظارت‌کننده جامعه برگرایشده‌ی فردی دیگر کارایی‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. دورکیم چنین وضعیتی را بی‌هنجاری یا آنومی می‌خواند. در این موقعیت آرزوهای فردی دیگر باهنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه افراد بدون راهنمای اخلاقی می‌مانند و هر کس تنها هدفهای شخصی‌اش را دنبال می‌کند. نتیجه آنکه در حالت آنومی همه تنظیم‌کننده‌های هنجاری بخش از هم گسیخته می‌گردند و زمینه را برای بروز رفتارهای جنائی و جرم فراهم می‌کند. (Vold and Bernard, 1988 : 151-155)

۲-۱-۲- فردگرایی

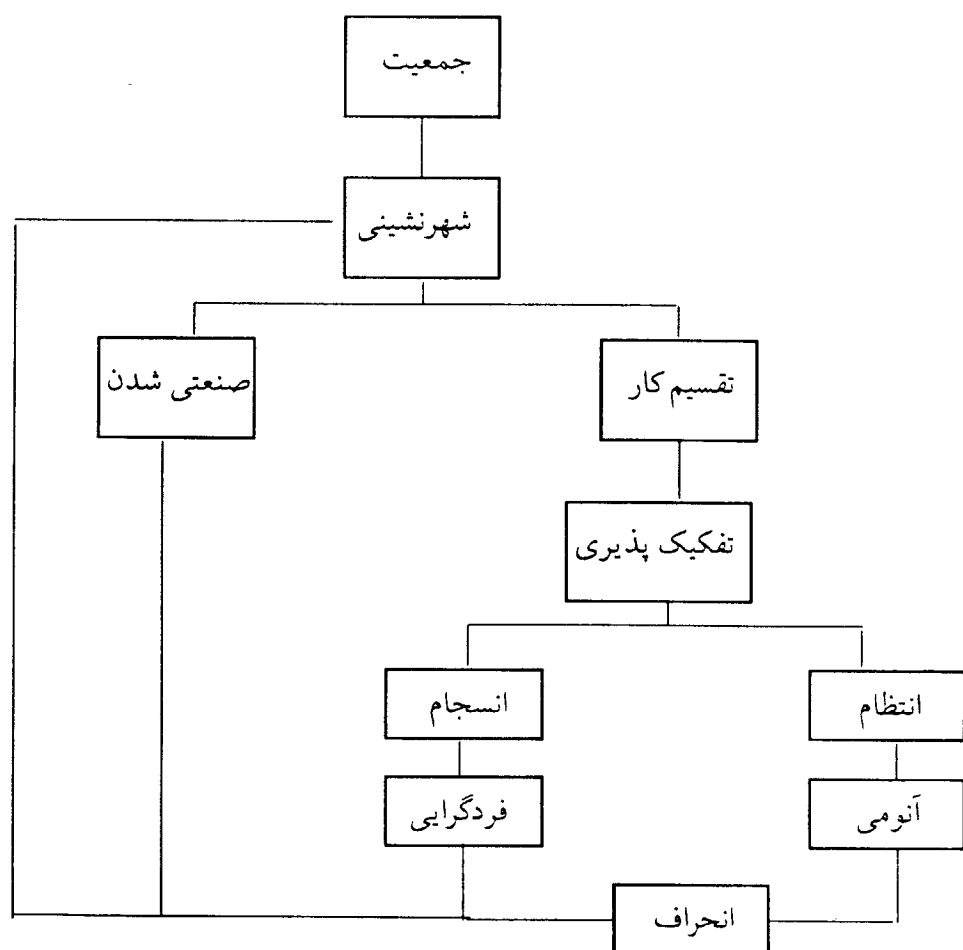
دورکیم در تبیین جرم علاوه بر آنومی با استفاده از مفهوم فردگرایی سعی کرده است در عین حال که نوعی خودکشی را با آن توضیح دهد آنرا به عنوان عاملی در جهت ایجاد تغییرات در میزان رفتارهای جنائی تلقی نماید. همانطور که در قبل نیز گفته شد از نظر دورکیم، انسانها دارای نیازها و نمایانی اجتماعی بالقوه نامحدودی هستند قوه تعقل انسان را قادر می‌سازد که در زندگی همواره شرایط بهتر و مطلوبتری را برای خود در نظر بگیرند. از آنجایی که آمال و آرزوهای نامحدود ارضاتشدنی هستند و فرد با این امیال بی‌پایان که احساس می‌کند ممکن است به حال خود رها شود و به دنبال علائق شخصی خود برود و هر چه را که می‌خواهد بدست آورد. چنین خودمحوری موجب نارضایتی فرد میشود چرا که تمامی نیازها تأمین نمی‌شود و آن نیازهایی هم که تأمین میشود موجب بروز نیازهای جدیدتری می‌شود در این حالت جامعه دچار مشکلات فردگرایانه شده است زیرا فرهنگ جامعه اعضای خود را به فردگرایی تشویق می‌کند و فرهنگ فردگرایی در افراد درونی می‌گردد.

این وضعیت در شرایطی رخ میدهد که در نظام تقسیم کار، نقشها در جهت کارکردهای تخصصی به گونه‌ای شکل می‌گیرند که افراد به شکلی نامحدود برای دستیابی به امیال و آرزوهای فردی تلاش می‌کند و در نتیجه شخص اهداف مشخص خود را بر اهداف اجتماعی مقدم می‌شمارد و هر چه در تقدم منابع تسریع شود گروههایی که فرد به آنها تعلق دارد، تضعیف می‌شوند تا جایی که رابطه هنجاری فرد و گروه گسسته شده و قواعد اخلاقی کنار می‌رود و افراد

هیچ قانون واصل رفتاری جدا از اصولی که براساس علائق شخصی باشند را درک نمی‌کنند. نتیجه آنکه هرگاه انسان از جامعه اش برکنار افتد و به امیال شخصی اش واگذار شود و پیوندهایی که پیش از این او را به همگانش وابسته می‌ساختند سست تر گردد، آسیب‌های فردگرایانه یا خودگرایانه بیشتر اتفاق می‌افتد.

بطور خلاصه میتوان گفت در این حالت میزان انسجام (همبستگی) فرد به گروه خودی در حد نامعتولی پایین می‌آید و در نتیجه منجر به آسیبهای فردگرایانه میشود در صورتیکه در حالت آنومی عمدتاً تنظیم‌های هنجاری بخش (انتظام) رفتار فردی سست می‌شوند و از همین روی نمی‌توانند تمایلات انسانها را مهار و راهنمایی کنند و در نتیجه منجر به آسیبهای آنومیک می‌شود.

(Vold and Bernard, 1986 و کوزر، ۱۳۷۰ و ریتز، ۱۳۷۳)



۱- دیاگرام متغیرها و روابط علی تئوری آسیب شناسی (دورکیم)

۳-۲-۱- دین

یکی دیگر از نظریه‌های دورکیم درباره دین و مذهب میباشد. بنظر دورکیم دین یک نیروی

جند سعی محسوب می‌شود که به صورت تعهدات اخلاقی، رفتار و کردار فرد را کنترل و هدایت می‌کند.

دورکیم مذهب را چنین تعریف نمود:

یک نظام متحدالشکلی از عقاید و اعمال مربوط به چیزهای مقدس، بعبارت دیگر، چیزهای جدا و ممنوع، عقید و اعمالی که در یک جماعت اخلاقی واحدی به اسم کلیسا تمام معتقدین را متحد می‌سازد. (ترنر، ۱۳۷۱: ۴۰۶) کارکردهای مذهب عبارتند از:

الف) تنظیم و کنترل احتیاجات و فعالیت‌های انسانی از طریق اعتقادات درباره امر مقدس
ب) اتصال مردم از طریق فعالیت‌های نیایشی (مراسم) در پرستشگاهها به سوی جمع به علت درونی شدنشان.

دورکیم کارکردهای مراسم مذهبی را در: الف) یگانگی تعهد فردی، ب) ثبوت و ظهور مجدد عقاید و ارزشها و ج) انسجام بخشیدن به افراد در جمع، می‌داند. (ترنر، ۱۳۷۱: ۴۰۸-۴۰۹). محققین بسیاری سعی داشته‌اند تا بابتکارگیری داده‌های محیطی، مفاهیم انسجام و تنظیم اجتماعی را تعریف عملیاتی نموده و آنها را شاخص سازی نمایند در این زمینه از جمله تحقیقاتی که اخیراً انجام شده می‌توان به مطالعه Conklin و Simpson اشاره کرد. در این مطالعه آنها سعی دارند تا با استفاده از مفاهیم دورکیم، تئوری انسجام مذهبی دورکیم را مجدداً در بوته آزمون قرار دهند. به اعتقاد آنها دورکیم تئوری انسجام مذهبی خود را صرفاً با توجه به مسیحیت (کاتولیک - پروتستان) و یهودیان مورد سنجش قرار داد، حال آنکه، امروزه اسلام به عنوان یک دین جهانی، پیروانش از انسجام بالایی برخوردارند. این محققین با تحلیل انسجام مذهبی و میزان خودکشی در ۷۱ کشور جهان، نشان می‌دهند که اسلام دارای تأثیر مستقلی در پایین بودن سطح خودکشی در کشورهای اسلامی دارد. از این رو، این فرضیه دورکیم را تأیید می‌کنند که مذهب - فی نفسه - یک عامل مستقل در مطالعه خودکشی محسوب می‌شود. (Simpson and Conklin, 1989: 950) در همین زمینه، نظریه فونکسیونالیستی و نظریه مارکسیستی اظهار می‌کنند که مذهب هنجارهای اخلاقی رایج را تقویت می‌کند و پذیرش توأم با اطاعت آنها را تقویت می‌کند. Tittle and Welch عقیده‌ای مخالف آن دارند. نقش مذهب در ممانعت از انحراف آزمون اساسی نظریه‌هایی را طرح کرده که فرض می‌کنند رفتار بشری بواسطه ارزش های اجتماعی یا مفهوم هویت فردی محدود می‌شود.

فونکسیونالیسم و تعامل گرایی نمادی نیز از چنین مفروضاتی تشکیل شده‌اند.

Bainbridge در یک مقاله سعی کرده است رابطه بین چهار نوع انحراف و مذهب را بازشناسد :
خودکشی، جرم، همجنس‌خواهی و فرقه‌گرایی. او از داده‌های زیست محیطی (ecological dataset) استفاده کرده که براساس تجربه‌ای یک دست شده (unified) اجازه می‌دهد ارتباطات آماری که اشکال انحراف را با میزان عضویت در کلیسا و با سایر متغیرهای مهم نظری پیوند دهد، مورد بررسی قرار دهد.

مطالعات SMSAS در سال ۱۹۷۱ و در شهرها در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۱۶ و ۱۹۲۶ رابطه منفی بین عضویت در کلیسا و خودکشی را نشان می‌دهد. تحقیق زیست محیطی قبلی که از داده‌های سال ۱۹۲۶ استفاده کرده، رابطه‌ای بین آدم‌کشی (قتل) و عضویت در کلیسا نشان نمی‌دهد. Stark (۱۹۸۴) می‌گوید ما نباید انتظار داشته باشیم که مذهب بر یک جرمی که باهیجان زیاد همراه است تأثیر گذارد.

نویسنده در انتهای مقاله خود به این نتیجه می‌رسد که اگر چه، جرم و فرقه‌گرایی مستقیماً به وسیله مذهب محدود می‌شوند، تأثیر مذهب بر خودکشی و همجنس‌خواهی بطور غیر مستقیم ظاهر می‌شود. در حقیقت ما تنوع زیادی در تأثیر مذهب در بین انواع گوناگون انحراف می‌یابیم، و مطرح کردن یک نظریه منحصر بفرد که بتواند این پیچیدگی را روشن کند، مشکل است. مذهب ابعاد مختلفی دارد و تمام تغییرات مذهبی به یک سرعت مشابه صورت نمی‌گیرد. سال‌ها پیش دکترین کلیسائی قویاً اظهار می‌کرد که خودکشی گناه بسیار بزرگی است و فردی که خودکشی کرده نمی‌تواند در زمین مقدس دفن شود. اما دیگر چنین عقیده‌ای وجود ندارد.

(Bainbridge, 1989 : 288-294)

۳-۱- مرتن، ساخت اجتماعی و آنومی

(Merton, social structure, and anomie)

رابرت کی مرتن (۱۹۶۸)، نظریه پرداز کارکردگرا، مدتها قبل نظریه « فشار ساختاری » (Structural strain) - بیشتر مصطلح به نظریه آنومی (بی هنجاری) - را در تبیین انحراف مطرح ساخت. (Turner, 1994 : 195)

وی استدلال خود را با معیار توافق جمعی درباره ارزشها آغاز می کند و معتقد است که تمام اعضای جامعه در ارزشهای مشترک سهیم اند. اما از آنجائی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیتهای مختلفی قرار می گیرند، برای درک ارزشهای مشترک از فرصتهای مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود. به بیان مرتن ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رفتار منحرف اجتماعی مردمی که در جایگاههای مختلف قرار گرفته اند ایجاد فشار می کند. (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۳)

تئوری مرتن توضیحاتی را درباره نرخهای متفاوت انحرافات که توسط موقعیتهای متفاوت افراد در درون یک ساخت فرصتی اشغال کرده اند میدهد. به دلیل شکافهای ساختی اجتماعی بین آرزوها (اهداف مشترک) و دستیابی واقعی (دسترسی به ابزار اجتماع برای رسیدن به آن اهداف). قدرت هنجارهای اجتماعی مسلط (که گرداننده اهداف فرهنگی هستند) به منظور کنترل بعضی حوزه های کلیدی رفتار اجتماعی طبقه بندی شده و آنومی در نظام اجتماعی هجوم آورده است. (Farnworth and Leiber, 1989:263, Homilton, 1987 : 120-121)

مرتن ایالات متحده امریکا را مورد مثال قرار داده و تئوری خود را به شرح زیر طراحی می کند. (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۳)

تاکید خاص در امریکا به تبلیغ اهداف است بدون توجه یکسان به حصول ابزار برای بدست آوردن این اهداف، جامعه امریکا به طور تاریخی و از طریق فرهنگی بیشترین موقعیت را برای ایجاد فشار ساختاری دارد. مرتن به رواج اهداف فرهنگی امریکایی مسلط استناد می کند و سپس مقاله تند و تیز و نافذی را ارائه میدهد. او اشاره می کند محدوده ای که در آنجا پول به عنوان عامل موفقیت سنجیده میشود و شیوه ای که در آن ایدئولوژی مسلط هر نوع انتقادی از ساخت اجتماعی را در مقصر دانستن قربانیان ناموفق تغییر جهت میدهد، میزان متفاوتی از انحراف بین افراد در موقعیتهای اجتماعی متفاوت دیده میشود که در جای خود از این موقعیتهای منشاء گرفته اند.

ساخت فرصت، شامل موقعیتهای اجتماعی متعدد دیگری می شود که بر حسب پذیرش ابزار در رسیدن به اهداف متفاوتند. این موقعیتهای در سه دسته همنو، منحرف و ناهمنو سازمان یافته اند که به تفصیل عبارتند از :

- همنوایان (Conformists) پذیرش اهداف و ابزار رسیدن به آن
- نوآوران (innovators) پذیرش اهداف ولی رد کردن ابزار رسیدن به آن
- شعائرگرایان (ritualists) رد اهداف اما ادامه دنبال کردن از ابزار
- انزواطلبان (retreatists) رد اهداف و ابزار رسیدن به آن
- طغیانگران (rebels) رد اهداف و ابزار رسیدن به آن و جانشین کردن شیوه های جدید به آنها.

(Figueira - McDonough, 1993:263, Turner, 1994 : 195-196, Hamilton, 1987 : 121)

مرتن عقیده دارد که اعضای فشرهای پایین اجتماعی جهت رسیدن به موفقیت دومین شیوه (نوآوری) را پذیرفته و به روشهای انحرافی بویژه به تبهکاری متمایل میشوند. این اقشار با احتمال زیاد نمی توانند از راههای عادی موفق شوند، از این رو با فشاری که بر آنها وارد می آید به انحراف گرایش می یابند. معمولاً این افراد از تحصیلات کافی و شغل مناسب برخوردار نمی شوند. به بیان مرتن، آنان برای کسب موفقیت به وسایل و راههای پذیرفته شده و قانونی، دسترسی ناچیزی دارند. از آنجائی که راه موفقیت برای آنها مسدود است، بدعت گذاری می کنند و به تبهکاری که بیش از راههای صحیح به آنها پاداش می دهد، روی می آورند. (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۳).

به طور خلاصه، مرتن در تحلیل خود نشان میدهد که چگونه فرهنگ و ساختار جامعه موجه انحراف میشود. تاکید بیش از حد بر هدهای فرهنگی در جامعه امریکایی که به قیمت زیر پا گذاشتن راههای متعارف کسب موفقیت تمام می شود، تمایل به بی هنجاری را ایجاد می کند. این تمایل برای ایجاد انحراف فشار وارد می سازد، فشاری که با توجه به پایگاه شخص در ساختار اجتماعی متفاوت است. همچنین شیوه واکنش شخص در مقابل این فشار به پایگاه او در طبقه اجتماعی بستگی خواهد داشت.

(صفوی، ۱۳۷۰: ۲۴).

۴-۱- کلوار دو اوهلین و تئوری فرصت:

(Delinquency and opportunity)

اساس تئوری فرصت (۱۹۶۰) از ساخت تئوری مرتن نشأت می‌گیرد. (Quay, 1965:15) کلوار دو اوهلین معتقدند که مرتن فقط یک سوی سکه را دیده است. زیرا وی انحراف را برحسب «ساختار فرصت قانونی» (Legitimate opportunity structure) تبیین کرده اما «ساختار فرصت غیر قانونی» را مورد ملاحظه قرار نداده است (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۶) از نقطه نظر آنان، بزهکاری نتیجه تلاشهای ناموفق در رسیدن به اهداف برحق در یک جامعه است (بخصوص آن دسته از اهداف که در ارتباط با پول و قدرت هستند)، در نتیجه باعث میشود که افراد به راههای غیر قانونی متوسل شوند تا ثروت‌های مادی و پایگاه اجتماعی بدست آورند و نتیجه آن دزدی و یا جزو گروه تجاوزکاران شدن. یا کناره‌گیری کردن از مشارکت اجتماعی و معتاد شدن است. در این تئوری، تحقیقات بسوی ارزیابی اهداف اجتماعی هدایت میشود، راههایی بسوی اهداف باز می‌شود، و به گروههای مختلف فرصت داده میشود تا از این راهها عبور کنند، راههای دیگر در جلوی پای افراد گذاشته میشود، از روشهایی استفاده میشود تا دستیابی را آسان کند، یا از روشهایی برای اصلاح کردن جاه طلبی‌ها به سمت اهداف قابل دسترس و تلقین کردن ارزشها در هر راهی که باز است، استفاده میشود. عملکرد شامل تبیین ساختار اجتماعی برای بدست آوردن فرصت‌های مناسب در جهت اهداف و رسیدن به آن می‌شود. (Quay, 1965:15)

آنها معتقدند که همواره بر اعضای طبقه کارگر فشار بیشتری برای انحراف وارد میشود، زیرا برای نیل به موفقیت از راههای قانونی، فرصت کمتری دارند. آنها عقیده دارند که واکنشهای افراد طبقه کارگر به ایجاد سه نوع خرده فرهنگ منتهی میشود. خرده فرهنگ جنایی، خرده فرهنگ ستیزه جو و خرده فرهنگ انزواطلب. پیدایش این واکنشها در افراد جوان به دسترسی آنها به فرصتی که برای دست زدن به اعمال خلاف دارند، بستگی دارد. (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۷)

۵-۱- آلبرت کوهن و نظریه محرومیت پایگاهی

(Cohen and theory of status deprivation)

کوهن استدلال میکند که بزهکاری یک واکنش جمعی است تافردی و به پیوستن افراد به یکدیگر، در یک واکنش جمعی اعتقاد دارد. (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۴)

آلبرت کوهن جامعه آمریکا را بعنوان جامعه‌ای که توسط مجموعه‌ای حاکم بر ارزشهای طبقه متوسط مشخص شده است می‌بیند که شامل جاه طلبی، مسئولیت فردی، احیاء و توسعه مهارتها، آمادگی و توانایی به تعویق انداختن، رضایت، عقلانیت، جذابیت شخصیتی، کنترل پرخاشگری و خشونت فیزیکی، تفریحات سالم و احترام به حق مالکیت می‌شوند. در مقابل کوهن طبقه کارگر را بعنوان طبقه‌ای که توسط مجموعه‌ای از خصوصیات نسبتاً متفاوت مشخص شده است می‌نگرد: وابستگی به گروه‌های اولیه (نخستین)، عدم حمایت عاطفی، آزادی عمل بیشتر در پرخاشگری، کاهش احتمالی ارزش دادن به «ظاهر خوب» و «شخصیت» که در دنیای طبقه متوسط ضروری بنظر میرسد. (Quay, 1965 : 15-16, Hagan, 1985 : 188)

این امر زمانی است که کودک طبقه کارگر وارد مدرسه «طبقه بندی شده براساس طبقه متوسط» میشود که در آنجا ارزشهای طبقه متوسط و کارگر در تضاد معناداری با یکدیگر قرار می‌گیرد. (Hagan, 1987: 188)

بنظر کوهن پسران طبقه پایین کارگر آرمانهای موفقیت فرهنگ کلی جامعه را با خود دارند، اما عمدتاً به علت شکست تحصیلی و در نتیجه، بدست آوردن مشاغل بدون ارتقاء که ناشی از آن است، فرصت ناچیزی برای دست یابی به اهداف خود می‌یابند. بسیاری از پسران طبقه پایین کارگری به دلیل اینکه راههای موفقیت برای آنها مسدود است، از «فقدان منزلت اجتماعی» رنج می‌برند. آنها از پایین بودن پایگاه خود در جامعه دچار حرمان و نارضایتی میشوند. و در نتیجه با پذیرفتن آرمانهای موفقیت که در کل جامعه دنبال میشود این محرومیت را جبران میکنند. آنها آرمانهای موفقیت متداول در کل جامعه را باهنجارها و ارزشهای دیگری که بتوانند از طریق آنها موفقیت و وجهه کسب کنند، جایگزین می‌سازند. نتیجه این عمل به یک فرهنگ فرعی بزهکاری منتهی میشود. به بیان کوهن، فرهنگ فرعی بزهکاری هنجارهای خود را از فرهنگ کلی دریافت می‌کند اما آنها را در خلاف جهت، تغییر میدهد. به این ترتیب ارزش والایی برای اعمالی از قبیل سرقت، ویرانگری، ولگردی و سایر اعمالی که در کل جامعه محکوم است قائل میشود. کوهن فرهنگ فرعی بزهکاری را اینگونه توصیف میکند، «این فرهنگ کلا» چهره‌ای زشت دارد، از

ناراحت کردن دیگران لذت میبرد دو حفظ خود را در بی اعتنائی مقبول نبودن به کارهای زشت و حرام می جوید « هم چنین این فرهنگ به بزهکاران پاداش مثبت میدهد. آنهایی که طبق ارزشهای بزهکاری به اعمال موفقیت آمیز دست میزنند، نزد همسالان بزهکار خود، شهرت و وجهه کسب میکنند. از اینرو به نظر کوهن، سرقت وسیله‌ای نیست که به موفقیت در دست یابی آرمانهای کل جامعه منجر شود، بلکه عمل با ارزشی است که با افتخار، دلاوری و ارضای عمیق فرد بزهکار همراه است (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۵)

۶-۱- ساترلند و ارتباطات نسبی

(Sutherland and Differential Association)

ادوین ساترلند (۱۹۲۴) بیشتر کار خود را پیرامون مفهوم « ارتباطات نسبی » سازمان داد. (Akers, 1992:5) کانون توجه او نه تنها بر ارتباطات میان افراد، بدانگونه که این عبارت بر آن دلالت می‌کند بود، بلکه بر پیوندهای افکار مربوط به رفتار نیز می‌باشد. تز اصلی ساترلند این بود که افراد تنها زمانی رفتار جنایت‌آمیز دارند که چنین رفتاری را قابل پذیرش تعبیر می‌کنند. (Hagan, 1985 : 157)

طبق نظریه ساترلند رفتار جنایی، مثل رفتار غیر جنایی در تعامل با افراد دیگر یاد گرفته میشود. «فرد به خاطر افزونی تعاریف مطلوب درباره تخلف از قانون مجرم میشود». (Rowe and Osgood, 1984 : 527, Laub and Sampson, 1991:1418) نتیجه اینکه، این افراد مستعد ارتکاب اعمال انحرافی می‌شوند، بویژه هنگامی که آنها در سالهای اولیه زندگی با موقعیتهای انحرافی مواجه میشوند و با کسانی که رفتارهای انحرافی را تحسین می‌کنند و بدان تمایل دارند، تعاملی طولانی مدت دارند. (Turner, 1994: 197) همچنین ساترلند به شدت بر فرهنگ در تحلیلش از جنایت تاکید می‌کند، با این بحث که جامعه شامل یک تعداد از گروههای گوناگون با فرهنگهای متفاوت است و درواری پدیده رفتار جنایی اصل تضاد فرهنگی است که به ارتباطات نسبی منتهی میشود، که در نتیجه به سوی رفتارهای جنایی هدایت میشود. (Laub and Sampson, 1991:1418)

ساترلند در پایان فصل چهارم اثرش تئوری ارتباطات نسبی را با نه وجه امتیاز بدین شرح معرفی کرد.

- ۱- رفتار جنایی اکتسابی است.
- ۲- رفتار جنایی در اثر کنش متقابل با دیگران، بر اثر فرایند ارتباطی کسب میشود.
- ۳- بخش عمده یادگیری رفتار جنایی در درون گروههای شخصی و خودمانی (intimate personal groups) آموخته میشود و وسایل ارتباط غیر شخصی مانند سینما یا روزنامه‌ها در تکوین جنایی نقش بالنسبه کم اهمیت ایفا می‌کنند.
- ۴- شکل گیری رفتار جنایی از راه اکتساب مشتمل است بر الف) فنون ارتکاب به جرم که بعضی مواقع خیلی پیچیده و بعضی مواقع خیلی ساده

هستند.

ب) جهت‌یابی خاص انگیزه‌ها، تمایلات، محرک استدلالات و نگرشها

۵- جهت‌یابی انگیزه‌ها و تمایلات محرک تبعی است از تعبیر مساعد یا نامساعد مقررات قانونی در بعضی از جوامع (گروههای اجتماعی) فرد خود را در بین اشخاصی می‌یابد که اطاعت از قانون و رعایت مقررات قانونی را امری لازم می‌شمارند و تعبیرهای آنها درباره قانون به طوری کلی بر محور احترام به قانون و الزام اجرای آن دور می‌زند و حال آنکه در جوامع دیگر (گروههای اجتماعی) فرد خود را در میان اشخاصی می‌یابد که تخلف از مقررات قانونی را مطلوب می‌انگارند.

۶- فرد هنگامی بزهکار می‌شود که تعبیرهای نامساعد درباره اعتبار و احترام قانون بر تعبیرهای مساعد فائق آید. این اصل ارتباطات نسبی است.

۷- ارتباطات نسبی بر حسب فراوانی، طول زمان، قدمت و شدت می‌توانند تغییر یابند این بدان معناست که ارتباطات با رفتار جنائی و همچنین با رفتار غیر جنائی بر حسب اینها در تغییرند.

۸- فرایند یادگیری رفتار جنائی از طریق پیوند الگوهای جنائی همه آن مکانیزمهایی را دربر می‌گیرد که در سایر یادگیریها مشاهده میشود.

۹- در حالی که رفتار غیر جنائی نیز مبین همین نیازها و ارزشهاست. و دزدان بطور کلی دست به سرقت می‌زنند برای اینکه پولدار شوند اما به خاطر پول و کسب مال است که کارگران شریف به کار می‌پردازند. (Vold and Bernard, 1986 : 211 و گیدنز، ۱۳۷۳ : ۱۴۰).

سرانجام ساترلند نتیجه می‌گیرد که هیچ کس با دانشها، فنون و توجهاتی که در دسترس کجروان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای است از مادر متولد نشده و اینگونه مهارتها مثل سایر عناصر فرهنگی باید از شخصی یا گروهی به دیگر اشخاص و یا گروهها انتقال یابد، یعنی مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون شکنان دارند، کجرو می‌شوند و عوامل شدت، تعداد، تواتر، دوره و نسبت تماس‌ها و سن افراد تماس‌گیرنده در این کار موثرند (صدیق، ۱۳۶۷ : ۶۲).

۷-۱- سایکرومتزا و تکنیکهای خنثی سازی:

(Sykes, Matza and the techniques of neutralization)

گرچه بسیاری از تئوریهای انحراف اینگونه فرض میشوند که منحرف، بخصوص مجرم طبقه پائین تفاوت قابل ملاحظه‌ی « از بقیه ما » (The rest of us) دارد، سایکرومتزا (۱۹۶۱، ۱۹۷۵) اظهار می‌دارند که در واقع شباهتها بیش از تفاوتها میباشند. بخشی از بحث آنها بر پایه این مشاهدات است که مجرمین معمولاً "گناه یا شرمندگی خود را زمانی ظاهر می‌سازند که قانون شکنی می‌کنند، و اینکه آنها مکرراً مصوبات را به سمت هم‌نوایی معین تطبیق می‌دهند، و اینکه اغلب میان اهداف مناسب و نامناسب جهت انحراف تمایز قائل می‌شوند. سایکرومتزا می‌گویند (۱۹۵۷، ۶۶۷) مجرم یک « فرد ناکام پشیمان » (apolog etic failure) است که به روش زندگی منحرف از خلال یک فرایند ظریف توجیه‌کشانده میشود « ما این توجیهات تکنیکهای رفتاری منحرف را تکنیکهای خنثی سازی می‌نامیم و معتقدیم که این تکنیکها ترکیب قاطعی از تعاریف مطنوب ساترلند به سمت نقض قانون را تشکیل می‌دهد. (Hagan, 1985 : 159)

سایکرومتزا اظهار می‌دارند که پنج تکنیک در مورد خنثی سازی موجود میباشد.

- سلب مسئولیت (Denial of responsibility)

در اینجا مجرمین خود را بعنوان عوامل درمانده نیروهای اجتماعی به تصویر می‌کشند (بعنوان مثال، والدین نامحبوب، هم نشینان بد یا همسایگی کثیف). (Hagan, 1985 : 160)

تکنیک خنثی سازی سلب مسئولیت را بیشتر از این ادعا که اعمال انحرافی یک (تصادف) یا انکار مشابه پاسخگویی فرد است گسترش میدهد. از دیدگاه محرکات و انگیزه‌های فکری این جهت یابی به سوی اعمال خود فرد ممکن است بیگانگی عمیقی نسبت به خود را ارائه دهد. جرم را علیرغم ارتکاب کم و بیش آن به منظور بهره‌گیری از هم‌نوایی تبیین کنیم با آن مواجه می‌شویم. کلید اساسی پیشنهادی این حقیقت اینست که قوانین و هنجارهای اجتماعی که رفتار ارزشمند را ایجاب می‌کند ندرتاً همواره شکل اموری جزئی و لازم الاجراء را بخود می‌گیرند. البته، ارزشها یا هنجارها بنظر راهنماهایی شایسته برای اعمال میرسند که در قابلیت اجزایشان بر حسب، زمان، مکان، اشخاص و پیشامدهای اجتماعی محدود میشوند.

(Muncie and Mclaughin and Langan, 1996:209)

- انکار آسیب (Denial of injury)

دومین تکنیک اصلی خنثی سازی برآسیب یا ضرر ناشی از عمل مجرم تمرکز دارد. در اینجا مجرمین اینگونه بحث می کنند که رفتارشان در واقع سبب هیچگونه آسیب جدی نمی شود. در نتیجه وحشیگری را بعنوان « شرارت » دزدی بالنظره بعنوان « قرض گرفتن » و درگیری گروههای کانگستری بعنوان « دعوی خصوصی » دیده میشود. (Hagan, 1985 : 160)

بحث ما اینستکه مجرم مکرراً و با شیوه های مبهم احساس می کند رفتارش واقعاً سبب هیچ زیان بزرگی نمی شود علیرغم این حقیقت که رفتار وی بر خلاف قانون می باشد. (muncie and mclaughin and langan, 1996 : 210)

- انکار قربانی (Denial of the victim)

در اینجا مجرمین خود را بعنوان انتقام جوین تصور می کنند، درحالیکه قربانیان را بعنوان خاطیان جلوه می دهند. (Hagan, 1985: 160). وحشیگری بعنوان انتقام از یک معلم غیر منصف یا مدیر مدرسه، دزدی از صاحب متقلب یک فروشگاه، تماماً ممکن است از نظر مجرم صدماتی وارده بربیک متخلف باشد. پس با انکار وجود قربانی، با تغییر شکل اوبه فردی مستحق آسیب، مشکل فوق العاده ای از یک پدیده بوجود می آید. که قبلاً آنرا متذکر شده ایم، یعنی شناخت مجرم از اهداف مناسب و نامناسب جهت اعمال مجرمانه اش. اما علاوه بر این ممکن است وجود قربانی از نظر مجرم با مفهومی نسبتاً متفاوت با توجه به شرایط عمل مجرم انکار شود. (Muncie and Mclauhlin and langan, 1996 : 210)

- محکومیت محکوم کنندگان (Condemnation of the condemners)

در اینجا مجرمین اینگونه دلیل می آورند که دستگیر کنندگانشان یا - ریاکاران، منحرفین در جامعه مبدل و یا اشخاصی هستند که با غرض شخصی بدین کار واداشته شده اند. تأثیر این نظریه قصد « تغییر موضوع » مورد توجه را، با جایگزین کردن این امر در کانون توجه به جای آوردن دلیل برای سوء اعمال دیگران را دارد (Hagan, 1985: 160). در نتیجه مجرم موضوع مورد بحث در گفتگوی میان محرکهای انحرافی خود و واکنشهای دیگران را تغییر داده است، و یا حمله به دیگران، خطای رفتار خود را به سهولت از موضوع بحث خارج می کند.

- اظهار وفاداری بیشتر (Appeal to higher loyalties)

پنجمین، و آخرین کنترلهای اجتماعی درونی و بیرونی ممکن است با فدا کردن توقعات جامعه

بزرگتر به منظور تأمین توقعات گروههای کوچکتر که مجرم متعلق به آن است مانند گروه همسالان، گانگسترها و یادوستن خلافکار (friendship clique) خنثی گردد. قابل ذکر است که مجرم ضرورتاً الزام نظام هنجاری حاکم را، علیرغم شکست او در پیروی از آنها انکار نمی‌کند، بلکه توجیحاً مجرم ممکن است خودش را درگیر مسئله غامضی ببیند که باید حل کند و متأسفانه، به بهای نقض قانون «منظوری نداشتم» «واقعاً به کسی کاری نداشتم» «آنها باعث شدند اینگونه بشود».

«همه تقصیرها را گردن من می‌اندازند» «بخاطر خودم این کار را نکردم» این تکیه کلامها یا متغیرهایشان که ما فرض کرده‌ایم جوان را برای اعمال مجرمانه مهیا می‌سازد.

(Muncie and Mclaughlin and Iangan, 1996:211)

۸-۱- هیرشی و عناصر علقه اجتماعی

(Hirschi and the elements of the social bond)

اگر علقه اجتماعی بازدارنده مردم از انحراف باشد، پس مانیا مندا این هستیم که بدانیم چه چیز این علقه را شکل میدهد و نبودن این عامل بازدارندگی چگونه با انحراف مرتبط میباشد.

(Hagan, 1985 : 164)

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نقش متغیرهای مربوط به فرایندهای خانوادگی را به روشنی اظهار میدارد. (Smith and Kroh, 1995: 70) وی تئوری جامع کنترل را بدین صورت بیان می‌کند. کسی که علقه اجتماعی محکمی به گروههای اجتماعی نظیر خانواده، مدرسه و گروه همالان دارد با احتمال کمتری، اعمال بزهکارانه را مرتکب خواهد شد.

تراوس هیرشی (۱۹۶۹) چهار عنصر علقه اجتماعی را که عبارتند از:

۱) وابستگی (attachment)

۲) تعهد (Commitment)

۳) مشغولیت (Involvement)

۴) باور و عقیده (belief)

را پیشنهاد می‌نماید که هر یک از این چهار عنصر در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت.

(Hagan, 1985 : 165)

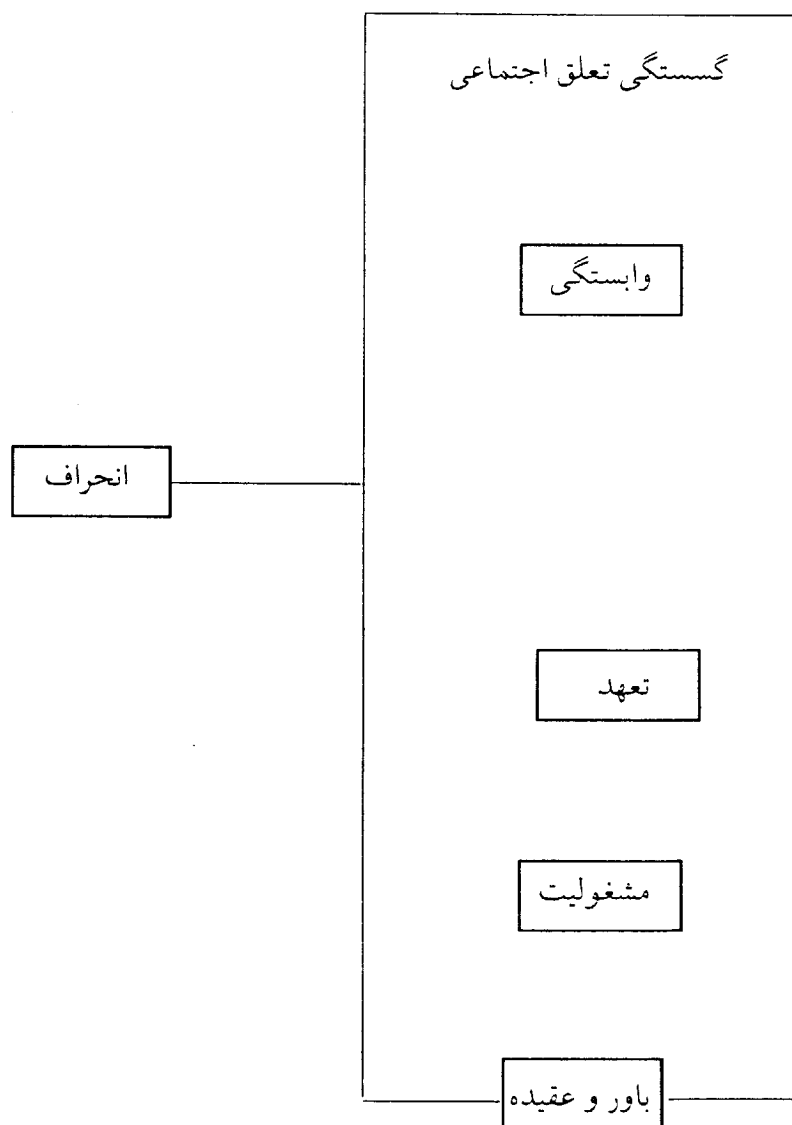
۱- وابستگی: درجه وابستگی فرد به خانواده‌اش، به محیط به نهادهایش اهمیت بیشتری دارد و در نتیجه شخص کمتر خود را مشغول به اعمال جنائی می‌کند. مثلاً "هر وقت وابستگی بین والدین و فرزند تزلزل و ضعیف گردد شدت بزهکاری نوجوان نیز بیشتر است.

۲- تعهد: احساس وظیفه و تعهد و پذیرفتن هدفهای قراردادی کل جامعه، هرچه احساس وظیفه فرد در مقابل جامعه بیشتر باشد (از طریق اشتغال به شغلی خاص، مدرسه رفتن، مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و...) سهم بیشتری از زندگی اجتماعی می‌برد و احتمال ارتکاب جرم بوسیله چنین شخصی کمتر می‌شود چون تعهدات اجتماعی مانع کجروی او میشود.

۳- مشغولیت و یا دخالت شرکت در فعالیتهای اجتماعی: هر چه مشغولیت شخصی در فعالیتهای اجتماعی اقتصادی جامعه زیادتر باشد وقت و فرصت کمتری برای کجروی برایش باقی می‌ماند. مثلاً "کسانی که مشغول خانواده خود و بزرگ کردن فرزند هستند. کسانی که سخت کار می‌کنند تا در محل کار خود ارتقاء مقام بگیرند کمتر فرصت ارتکاب جرم را پیدا می‌کنند.

۴- باور و عقیده: (اعتقاد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی): افرادی که معتقدند بایستی به قواعد و اصول اخلاقی وفادار و از آنها فرمانبرداری کرد، نسبت به کسانی که وفاداری ضعیفی به اصول اخلاقی دارند با احتمال کمتری از قانون تخطی می‌کنند.

(Hagan,1985:165-166,vold and bernard,1986: 243)



۲- دیاگرام متغیرها و روابط علی تئوری علقه‌های اجتماعی (هیرشی)

۹-۱- نی و روابط خانوادگی (Nye and family relationships)

نی بحث می‌کند که خانواده در ایجاد علقه اجتماعی به چهار صریح شرکت دارد. از طریق تدارک:

۱- کنترل‌های درونی شده (Internalized controls)

۲- کنترل‌های غیر مستقیم (Indirect controls)

۳- کنترل‌های مستقیم (direct controls)

۴- ارضاء نیاز (Need satisfaction)

کنترل‌های درونی شده تصور میشود که از طریق ذهن خودآگاه کودک عمل می‌کنند. این قبیل کنترل‌ها اساساً از قواعد و ارزش‌های درونی شده برخوردارند، که قدرت پیوند آنها مبنی بر احساس‌های اضطراب و گناه میباشد که از طریق پاداشها و تنبیه‌های والدین حالت گرفته است. کنترل‌های غیر مستقیم اساساً متشکل از میل به آسیب نرساندن خانواده شخص بواسطه عمل نمودن در برابر (برخلاف) میل آنهاست. پس این نوع کنترل به محرک احساسات و تعلق به خانواده بستگی دارد.

از طرف دیگر، کنترل‌های مستقیم بیشتر به محدودیتها و تنبیه‌ها مربوط است. مثالهای اینجا شامل قوانینی درباره وقت‌گذرانی دور از خانه، انتخاب دوستان و انواع فعالیتها میشود. نهایتاً نقش خانواده در ارضاء نیاز در آماده سازی کودک برای «موفقیت» را دربر می‌گیرد، در مدرسه با دوستان و اغلب دریافتن کار توان بهتر انجام دادن همه اینها توسط برخی خانواده‌ها، بعنوان یک عامل تأثیرگذار در تضمین تطبیق و اجتناب از بزهکاری و جنایت پیشنهاد می‌گردد.

جالب توجه است که نی و دیگران (Gibbons and Griswold 1957; Toby, 1957a)

مشاهده کردند که خانواده نفوذ بیشتری در پیش‌گیری از بزهکاری دختران نسبت به پسران دارند. این مورد در مفاهیمی از نقش بزرگتر که مختص والدین میباشد توضیح داده میشود. در جامعه ما محدود ساختن فعالیت دختران به والدین واگذار شده است. همچنین بین کنترل‌های مستقیم و انحراف یک رابطه «شکل وجود دارد». بعبارت دیگر همانگونه که دورکیم مطرح کرده است رفتار بزهکارانه در جائیکه میزان کنترل مستقیم اعمال می‌شود به حداقل می‌رسد. توضیح این مورد بدین صورت است که وقتی کنترل مستقیم بیش از حد باشد برای جوانان عملکردن بعنوان اعضای عادی گروه سنی خودشان غیر ممکن میشود.

سرانجام نی (۱۹۵۸، ۵۱) گزارش میدهد که خانواده‌ای که به طور قانونی از هم پاشیده چندان اهمیت ندارد بلکه خوشبختی در خانواده است که در احتمال بروز رفتارهای انحرافی

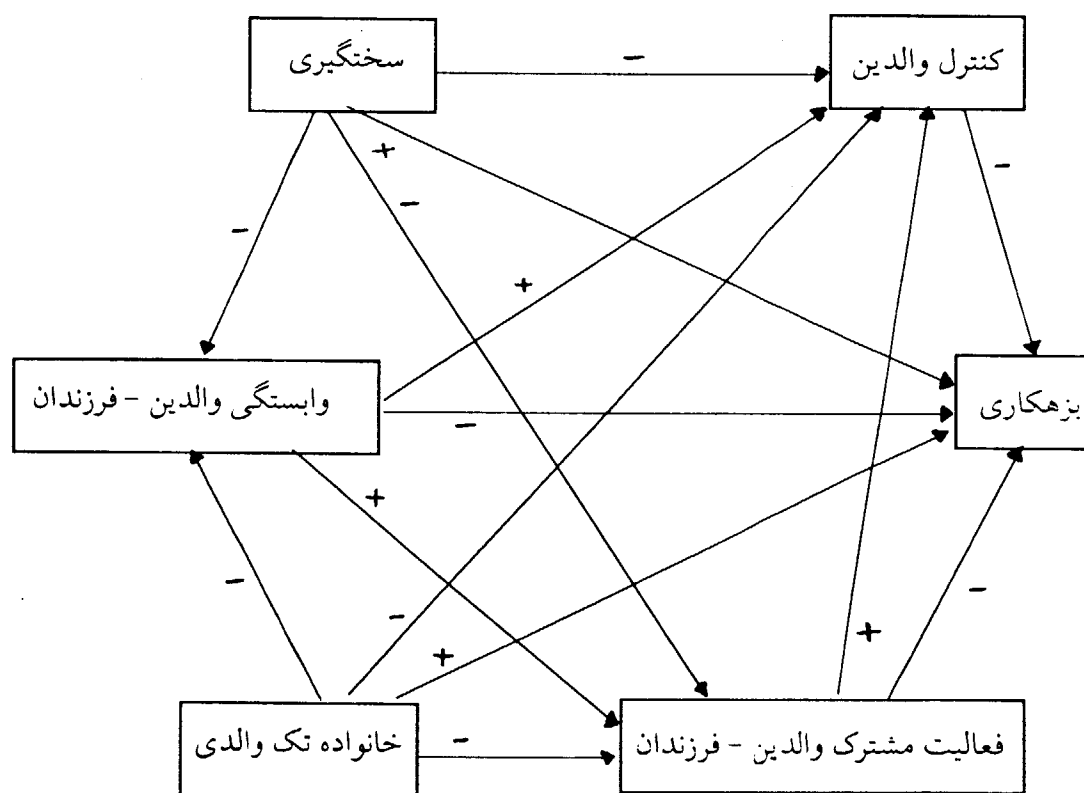
اسسیت وکرن (smith and krohn) طی مقاله‌ای ارتباط بزهکاری و زندگی خانوادگی را اینگونه شرح می‌دهند. در حالیکه متغیرهای خانوادگی مختلف بسیاری با انحراف ارتباط دارند، تصور میشود که متغیرهای مرتبط با فرایندهای خانوادگی (family processes) برای مثال وابستگی و نظارت، از اهمیت اصلی برخوردارند. جوانانی که به شدت به والدینشان وابسته‌اند، به دفعات زیادی در فعالیتهای مشترک شرکت می‌کنند، از نظارت (پندو اندرز) دقیق والدینشان برخوردارند و همینطور هم احتمال ارتکاب به بزهکاری از همسالانشان کمتر است.

از این دیدگاه کلی الگویی مفهومی استنتاج میشود که متغیرهای مربوط به زمینه خانوادگی [سختی (hardship)، خانواده تک‌والدی (single-parent family)] را مقدم بر متغیرهای مربوط به فرایندهای خانوادگی و وابستگی (attachment)، کنترل (control) و کارمشارکت (involvement) مطرح می‌سازد. الگوی به‌نمایش درآمده در شکل شماره یک با تصدیق این مسئله که خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی وضع نامساعدی دارند، برای تولید مثل با تردیدهای خاصی مواجه‌اند (voydanoff, 1990) مدارکی در حال گردآوری است مبنی بر اینکه در وضعیت بد اقتصادی ممکن است خاصیت (سودمندی) پدر و مادر را در حوزه‌هایی چند کاهش دهد. برای مثال، سختی ممکن است تنشهایی در خانواده بوجود آورد که سطح وابستگی خانوادگی را کاهش دهد یا اختلال حواس و تنشهایی ایجاد کند که والدین را از نظرات موثر بر فرزندانشان یا پرداختن به فعالیتهایشان بازدارد. (Patterson, 1982; Conger et al., 1992)

همچنین بچه‌ها در خانه‌های فاقد پدر و مادر طبیعی (هر دو) احتمال بیشتری برای بزهکار شدن دارند. پژوهشهای مربوط به خانواده مطرح می‌سازند که وقتی فقط یکی از والدین در خانه حضور دارد، در صورت تساوی سایر چیزها، ظرفیتهای سرپرستی زیاد مصرف می‌شود. غیبت پدر یا دیگر حامیان بزرگسال با مشکلاتی در کنترل بر روی نوجوان و نیز با تندمزاجی و مشغله زیاد آنها (پدر یا مادر یا ...) مرتبط است. بنابراین، فرض بر اینست که زندگی تک‌والدی (زندگی با یکی از والدین) از طریق تأثیرش در کاهش وابستگی، کارمشارکت و کنترل بر بزهکاری موثر است و همچنین می‌تواند به طور مستقیم بر بزهکاری اثر بگذارد.

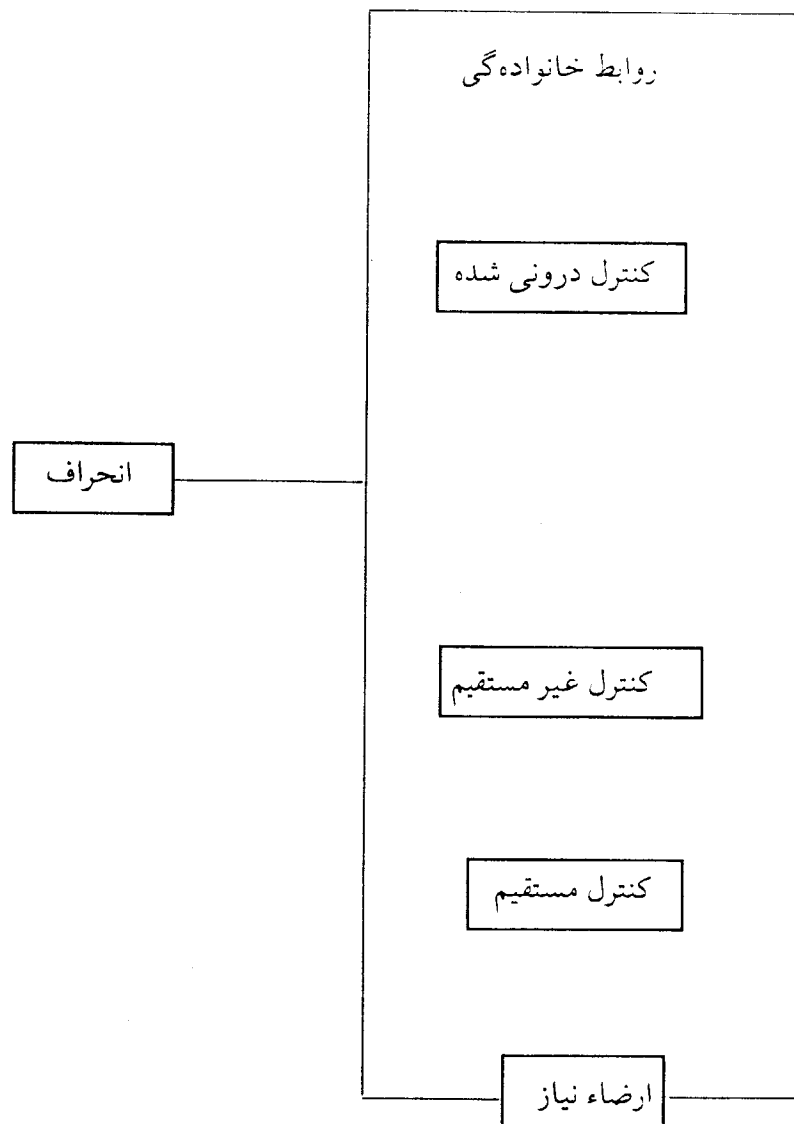
مشارکت والدین در فعالیتهای فرزندانشان هم پیوند والد - فرزندی را مستحکمتر می‌سازد و هم به والدین امکان کنترل دقیقتری را بر رفتار فرزندانشان می‌بخشد. بنابراین، پیش‌بینی میشود که این متغیر با بزهکاری را بطه مستقیم دارد و از طریق ارتباطش با نظارت والدین بر آن اثر می‌نهد.

همچنین، پیش بینی میشود که نظارت موثر والدین نیز با بزهکاری ارتباط مستقیمی داشته باشد. سرپرستی صمیمانه و مشارکت آمیز و نظارت مناسب نظیر رسیدگی دقیق و نظم ثابت در بررسیهای تجربی با بزهکاری رابطه همبستگی کمی را نشان داده اند. برعکس، خانواده های افراد بزهکار با والدین غیر صمیمی، بدون مشارکت و غیر وابسته و سرپرستی و اعمال کنترل ضعیف مشخص میشوند. (Smith and Krohn, 1995 : 71-73)



شکل ۱: مدل روابط بین زمینه خانوادگی، فرآیندهای خانوادگی و بزهکاری

Source: Smith and Kroh, 1995: 71



۳- دیاگرام روابط علی تئوری روابط خانواده‌گی (نی)

در مورد تأثیرات خانواده و همسالان مجرم بر روی انحراف جوانان warr طی مقاله‌ای اظهار می‌دارد:

محرکهای بالقوه جرم (تئوری ارتباطات نسبی) و والدین بعنوان موانع بالقوه بر سر راه جرم (تئوری کنترل) مورد بررسی قرار می‌گیرند، پرسش قاطع پیش می‌آید: آیا توانایی نفوذ والدین در عمل متقابل تحت تأثیر همسالان مجرم میباشد؟ تحلیل داده‌های مرکز ملی بررسی جوانان معلوم می‌دارد که هرچقدر میزان ساعاتی را که فرد در خانواده می‌گذراند بیشتر باشد، احتمال حذف و یا کاهش نفوذ همسالان افزایش می‌یابد.

جوانان در ایالت متحده زندگی روزمره خود را در دو دنیای اجتماعی با دو سرپرست (master) متفاوت می‌گذارند. که یکی در مدرسه و دیگری در فعالیتهای خارج از مدرسه می‌باشد جوانان به فرهنگ گروه همسالان خود در قالب موسیقی، صحبت کردن، رفتار، جذابیت های جسمانی و موفقیت ورزشی، ارج نهاده و در آن شرکت می‌کنند. از طریق این فرهنگ آنها بطور منظم به طرف محیط خانه و خانواده، که ممکن است مکمل یا در تعارض با آن مدرسه یا همسالان باشد سیر می‌کنند.

برطبق تئوری ارتباطات نسبی و تئوری کنترل، همسالان بعنوان محرکهای بالقوه جرم و والدین بعنوان موانع بالقوه مورد توجه قرار می‌گیرند، بنظر می‌رسد والدین تقریباً نوعی تقبیح عام و فراگیر نسبت به رفتار مجرمانه از خود بروز می‌دهند، حتی والدینی که خود آشکارا قانون را نقض می‌کنند چنین رفتاری را در میان فرزندانشان مورد گذشت قرار نداده و تشویق نمی‌کنند. در مقابل، فرهنگ همسالان نوعی میزبانی جهت مدل‌های مجرمانه برای جوانان و محیط بسیار مستعدتری را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد.

چنانچه والدین و همسالان بعنوان رقیبان بالقوه در زندگانی جوانان نگرسته شوند طبیعتاً پرسشی پیش می‌آید: آیا توانایی نفوذ والدین در عمل متقابل همانند نفوذ همسالان است؟ یا عبارت دیگر، آیا انگیزش بسوی جرم که توسط یک محیط اجتماعی (فرهنگ همسالان) تصمیم گرفته شود می‌تواند بوسیله دیگری (خانواده) خنثی شود؟ فکر کنید پاسخ مثبت است. مکانیسم یا فرآیندی که توسط آن این امر رخ می‌دهد، چیست؟

سه روش یا طریقه اولیه وجود دارد که بدان طرق نفوذ والدین ممکن است نفوذ همسالان را در زندگانی روزمره جوانان خنثی سازد. دوروش از این طرق ممکن است بعنوان موانع قابل دسترس توصیف گردند، بدین معنا که آنها جوانان را از دسترس همسالان مجرم قرار گرفتن محدود می‌سازند. راه اول درکار ساترلند (۱۹۴۷) و هیرشی (۱۹۶۹) بچشم می‌خورد که هر دوی آنها اهمیت « زمان » را در تبیین جرم متذکر شده‌اند. به زبان ساده‌تر، والدینی که زمان را با فرزندان خود سپری می‌کنند ممکن است احتمال رفتار مجرمانه را هم با کاهش فرصتهای انجام جرم (زمانی که با خانواده صرف می‌شود همان زمانی است که میتوانست در خارج با همسالان مجرم صرف شود) وهم با افزایش تأثیرات آنها بعنوان الگوهای نقشی مثبت، کاهش دهند.

دومین مکانیزم از شکل دوستی های مجرمانه بحث می‌کند. یعنی جوانانی که بسیار وابسته به والدین خود هستند ممکن است کمتر تمایل به جرم داشته باشند تا دیگران که دوستان مجرم

برای خود پیدا می‌کنند. امکان این امر وجود دارد زیرا این جوانان آگاهانه یا ناآگاهانه همسالان غیر مجرم را به منظور اجتناب از عدم پذیرش والدین جستجو می‌کنند.

دلایلی مبنی بر این اعتقاد وجود دارد که نفوذ والدین در مواردی ممکن است در مقابل رقابت مستقیم همسالان مقاومت کند. در میان جوانان باقید و بندهای بسیار نسبت به والدینشان، تأثیر والدین ممکن است جهت بر حذر داشتن جوانان از ارتکاب به جرم حتی زمانی که فشار همسالان تشدید می‌شود کافی باشد. بهمین ترتیب جوانانی که به والدین خود نزدیک می‌باشند ممکن است جهت بر حذر داشتن جوانان از ارتکاب به جرم حتی زمانی که فشار همسالان تشدید می‌شود کافی باشد. بهمین ترتیب جوانانی که به والدین خود نزدیک می‌باشند ممکن است بیش از دیگران در معرض درونی ساختن قرار گرفته و نسبت به مخالفت‌های اخلاقی والدین در مقابل جرم با ایجاد مانعی در مقابل نفوذ همسالان عمل نمایند. (Warr, 1993 : 247-249)

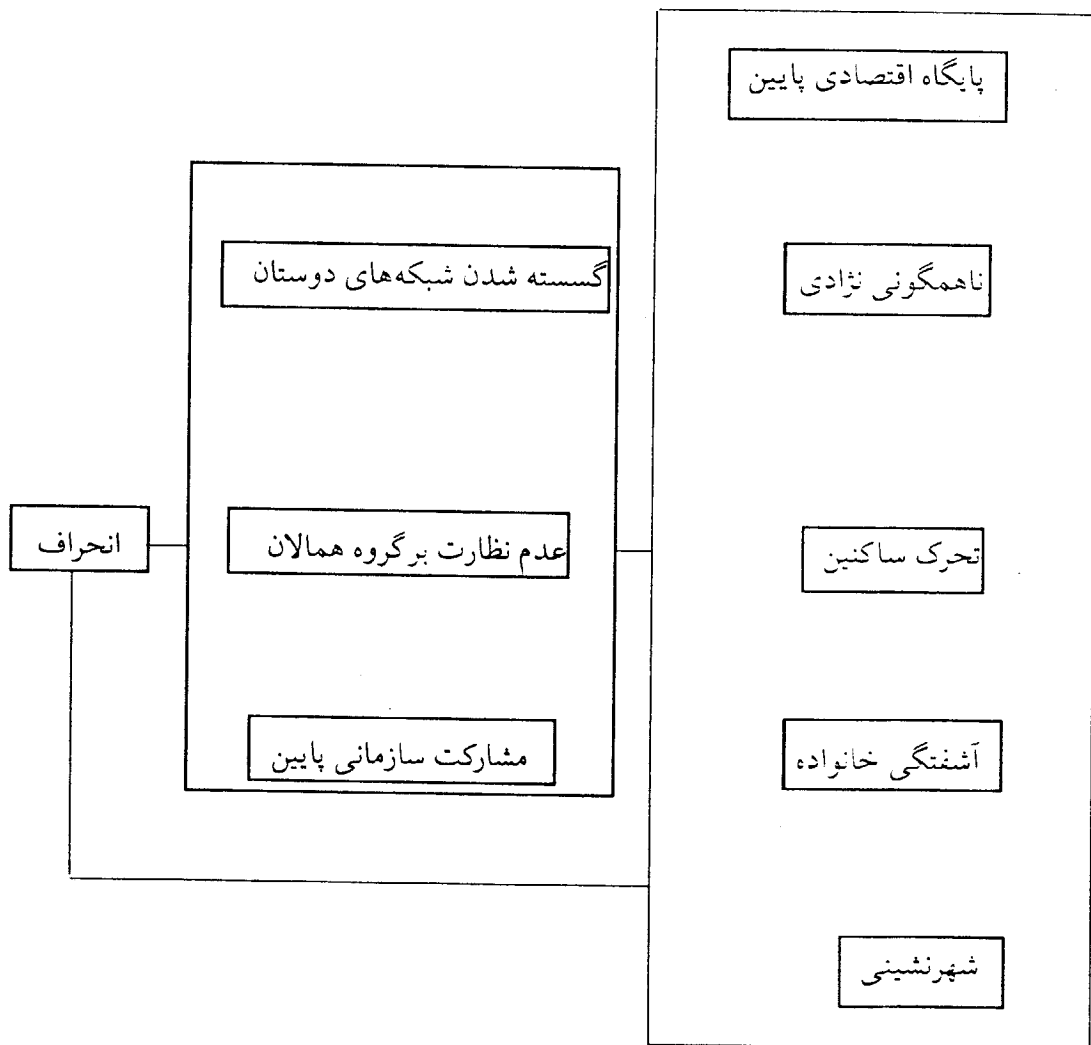
۱۰-۱- کلیفورد شاو و هنری مک‌کی و حوزه‌های بزهکاری:

(Clifford Shaw and Henry Mckay and Delinquency areas)

شاو و مک‌کی (۱۹۶۹، ۱۹۴۲، ۱۹۳۱) سلسله مطالعاتی را که در اواخر دهه (۱۹۲۰) در شیکاگو شروع شده بود را هدایت می‌کردند و در جستجوی شناسایی مناطق بی سازمان اجتماعی و فرایندهایی که آنها را مشخص می‌سازد بودند (Hagan, 1987:152) بر اساس رویکرد بی سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی حوزه‌هایی که دارای ساکنین غیر ثابت، خانوارهایی با سطح پایین درآمد، و اقوام ناهمگن هستند میزان بیشتری از مبادرت به جرائم را دارند تا انواع دیگری از مناطق جغرافیایی (Miethe and Mcdowall, 1993 : 742) آنچه آنها دریافتند تنوعی از معیارهای بی‌نظمی، پرسه زنی، مرض سل، مرگ و میر نوزادان، بی‌نظمی روانی، وابستگی اقتصادی، جنایت جوانان، و جرم جوانان بود که عموماً رخ میداد. بطور کلی این نسبتها در محله‌های کثیف نزدیک مرکز شهر بالاتر بودند و این نسبتها با حرکت از مرکز به سمت بیرون کاهش می‌یافتند. (Hagan, 1987 : 152)

آنها شهر شیکاگو را به پنج ناحیه تقسیم کردند که این نواحی در داخل دایره‌های متحدالمرکزی با اختلاف شعاع دومیل از مرکز تجاری شهر به خارج از آن قرار داشتند. در حقیقت استراتژی کلی این دو در مطالعه شهر شیکاگو فرایند گسیختگی میثاق گروهی بوده و به همین منظور این دو با استفاده از آمار بزهکاری دریافتند که میزان بزهکاری به ترتیب از ناحیه یک که مرکز تجاری است به سمت ناحیه پنج که در حاشیه خارجی شهر قرار دارد کاهش می‌یابد. آنها نتایج بدست آمده را اینگونه شرح میدهند. ناحیه یک محل تردد و جابجایی زیاد جمعیت است. دو دلیل عمده در این باره وجود دارد تحت اینکه مهاجرانی که از روستا به شهر می‌آیند چون اغلب پول کافی ندارند و مخارج زندگی در ناحیه یک کمتر است معمولاً زندگی شهری خود را از این ناحیه آغاز می‌کنند. دومین دلیل گسترش مرکزیت تجاری در این ناحیه از شهر می‌باشد در حقیقت هجوم به منطقه تجاری از مناطقی که قبلاً مسکونی بوده‌اند جابجایی جمعیت را دامن می‌زند و این ناحیه انتقال جمعیت تمرکز جنایت و بزهکاری را بوجود می‌آورد. جابجایی جمعیت در حد زیاد مانع از شکل‌گیری جامعه‌ای با ثبات می‌گردد و فقدان ثبات در این معنا به بی‌سازمانی اجتماعی منتهی میشود. بی‌سازمانی اجتماعی که نشانه‌های آن بزهکاری، فحشا، قمار بازی مصرف غیر قانونی داروهای مخدر، خشونت و خانواده‌های از هم گسیخته است به دلیل کنترل اجتماعی ضعیف نظیر افکار عمومی، نظارت همگانی و کنترل خانوادگی روی میدهد.

پس میتوان گفت حوزه‌های بزهکاری عبارتند از مناطق شهری که در آنها بزهکاری به میزان زیادی وجود دارد و علاوه بر آن دارای شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی نامساعدی می‌باشند و همچنین دچار نوعی بی‌سازمانی اجتماعی هستند (Vold and Bernard, 1986:200 و کی‌نیا، ۱۳۵۷: ۲۶۶ و گسن، ۱۳۷۰: ۱۵۰-۱۴۹).



۴- دیاگرام روابط علی و متغیرهای تئوری حوزه‌های بزهکاری (شاو و مک‌کی)

۱-۱۱- والتر رکلس و تئوری خودمنعی

(Walter C.Reckless and Containment theory)

و اعتقاد دارد که همه افراد به نحوی از نیروهای متنوع تحریک کننده در جهت جرم و بزهکاری و همچنین از نیروهای متنوع دیگری بعنوان بازدارنده از جرم و کجروی متأثر میشوند. نیروهای تحریک کننده به جرم و کجروی یعنی آنچه که رکلس آنها را « فشارهای اجتماعی» (Social pressures) نامیده شامل شرایط زندگی مغایر، تعارضات خانوادگی، منزلت گروهی، اقلیت و فقدان فرصتها هستند. نیروهایی که شخص را از زندگی مطابق هنجارهای مورد قبول جامعه باز می دارند، یعنی آنچه که رکلس آنها را «جاذبه اجتماعی» (Social pulls) نامیده شامل همنشینی بد، خرده فرهنگ جنائی یا بزهکار، گروههای منحرف، وسایل ارتباط جمعی و نظایر آن میباشد. همچنین درون افراد فشارهای (Puhes) زیستی و روانشناختی وجود دارد که هر کدام به نوعی سبب متمایل شدن فرد به جرم و کجروی می گردد و مثل نارضایتی، تنش های درونی، خصومت و بدگمانی، نیاز به امیال آنی و زودگذر و نظایر آن، در برابر این نیروها صنفی از نیروهای متضاد قرار دارد که تعهد به باز دارندگی از درون و بیرون را برعهده دارند و مانع از حرکت فرد به سمت بزهکاری می گردند. خودمنعی بیرونی (external containment) شامل تأثیر زندگی خانوادگی، حمایت گروهی و همچنین شامل عباراتی در مواجهه اخلاقی، تعریف نهادی هنجارها و انتظارات مورد قبول نظارت و انضباط موثر پرورش احساس تعلق و همانند آن است. خود منعی درونی (inner containment) محصول فرایند درونی کردن است که شامل کنترل خود (self control) خود قوی، خود برتر، تحمل محرومیت، احساس مسئولیت و توانایی دربر آورده کردن نیازهای ضروری و مانند آن است. رکلس در ادامه بیان می کند که تئوری تعهد به سبب عام بودنش نسبت به سایر تئوریهایی که فقط به یکی از انواع فشارها یا تعهدها تاکید می کنند بهتر می تواند جرم و کجروی را توصیف و تبیین نماید. (Vold and Bernard, 1986:230 و صدیق، ۱۳۶۷ : ۶۱).

۱۲-۱- هاوارد بکر و تئوری بیگانگان

(Howard Becker and theory outsiders)

هاوارد بکر در کتب خود بنام بیگانگان متذکر میشود که جامعه « بیگانگان » را با وضع قوانینی که جنایت و دیگر انواع انحراف را تعریف میکنند، ایجاد می نماید. (Hagan, 1986: 204) دیدگاه برچسب زنی به ویژه با قضایایی که مدعی ارتباط بین مجازاتهای اجتماعی منفی در پاسخ به رفتار انحرافی و تداوم یا افزایش تدریجی این رفتار است، نشان داده می شود (Kaplan and Johnson, 1991:98)

از این دیدگاه انحراف کیفیت عملی نیست که شخص مرتکب میشود، بلکه نتیجه ای از کاربرد قانون و مجوزهایی است که بر علیه یک مجرم اعمال میشود. (صنوی، ۱۳۷۰: ۵۸)

سئوایی که بطور اجتناب ناپذیر از این تمایز ایجاد میشود این است که « چه کسی قوانین را وضع میکند؟ » پاسخ بکر - « آن گروه های که موقعیت اجتماعی اشان بدانها سلاح و قدرت میدهد».

بکر چنین استدلال میکند که انحراف، کیفیتی نیست که در خود رفتار نهفته باشد، بلکه در تعامل بین شخص مرتکب شونده و کسانی که با آن عمل واکنش نشان میدهند قرار دارد. از این دیدگاه انحراف از طریق فرایندی از تعامل بین منحرف بالقوه و عوامل کنترل اجتماعی بوجود می آید. پس تأثیر برچسب، به چگونگی تفسیر عمل توسط دیگران بستگی خواهد داشت.

بکر سپس اثرات ممکن بر فردی که عموماً به او برچسب انحراف زده میشود را مورد بررسی قرار میدهد. یک برچسب در بردارنده ارزیابی از شخصی است که به او برچسب زده شده است. این برچسب تمام موقعیتهایی را که فرد داشته می پوشاند. چنانچه به فردی برچسب تبهکار، بیمار روانی یا همجنس باز زده شود، این برچسبها عمدتاً موفقیت او را بعنوان پدر، کارگر، همسایه و دوست تحت الشعاع قرار میدهد. سایرین او را طبق برچسبی که به وی زده شده ملاحظه میکنند و در مقابل او واکنش نشان میدهند در نتیجه فرد خود را همانگونه می پندارد که بروی برچسب زده شده است.

این برچسب ممکن است به طرد او از گروه های اجتماعی منجر شود. برچسب های انحرافی ممکن است وی را از خانواده و دوستان بگسلد سبب شود که شغلش را از دست بدهد و از محل سکونتش اخراج گردد. این جریانها ممکن است سبب انحراف بیشتری شوند. همچنین بکر بر این

باور است که برخورد قانونی با منحرفین مانع از آن میشود که آنان به شیوه معمول زندگی عادی خود را ادامه دهند. به همین دلیل، فرد منحرف الزاماً به کارهای غیرقانونی دست میزند. پیشه فرد منحرف هنگامی کامل میشود که وی به یک گروه سازمان یافته منحرف بپیوندد. در این گروه وی هویت انحرافی خود را تأیید میکند و می پذیرد. در اینجا وی با کسانی سروکار دارد که از موقعیت مشابهی برخوردارند و از وی حمایت میکنند و با او تفاهم دارند. در داخل این گروه یک خرده فرهنگ بوجود می آید، که هویت فعالیتهای انحرافی را عقلایی می سازند، آنها را موجه می دانند و از آنها حمایت می کنند. (صفوی، ۱۳۷۰ : ۵۹ و Hagan, 1986 : 205, Matsueda, 1992 : 1589)

۱۳-۱- ادوین لمرت و انحراف اولیه و ثانویه:

(Edwin Lemert and primary and secondary Deviance)

رفتار انحرافی در اصل چطور آغاز میشود و از چه خاستگاههایی سرچشمه میگیرد؟ اعمال انحرافی چطور از لحاظ نمادین به اشخاص نسبت داده میشوند و عواقب موثر چنین انتسابی برای ارتکاب انحراف بعدی از جانب شخص از چه قرار است؟

انحراف اولیه را قائلیم که از انواع وسیعی از شرایط اجتماعی، فرهنگی، روانی سرچشمه میگیرد (ورسلی، ۱۳۷۳: ۵۳۵) در این مرحله افراد از قوانین اجتماعی سرمی تابند ولی برجسب نمی خورند و خود را منحرف نمی انگارند (ستوده، ۱۳۷۲: ۱۴۴) این فقره به تجدید سازمان نمادین در سطح رفتار و نگرش های ناظر به اعتماد بر نفس و نقش های اجتماعی منجر نمی شود (ورسلی، ۱۳۷۳: ۵۳۵)

انحراف ثانوی، عبارت است از رفتار منحرف و یانقش های اجتماعی مبتنی بر آن، که تبدیل میشود به وسیله ای برای دفاع، حمله یا سازگاری در برابر مسائل نمایان یا نهفته ای که بر اثر واکنش اجتماعی در مقابل انحراف اولیه ایجاد شده اند. (ورسلی، ۱۳۷۳: ۵۳۶) در این مرحله ظاهراً بر چسب به قد و بالای آنان برازنده است. شخص اقرار میکند که مرتکب جرم شده است.

چرا انحراف اولیه به انحراف ثانویه منجر میشود؟ ادوین لمرت (۱۹۵۱) گفته است که بین شخص و نیروهای متعدد کنترل اجتماعی نوعی کنش متقابل وجود دارد. انحراف اولیه مجازات اجتماعی را به دنبال دارد. پس از آن دوباره انحراف رخ میدهد که طبعاً مجازاتها و طرد شدنهای شدیدتری را در پی دارد. نظریه برجسب زنی این نگرش را تقویت می کند که تنبیه اغلب احتمال ارتکب جرم افراد را به دلیل ساختار کنش متقابلی دگرگون شده، فرصتهای قانونی سلب شده و «انحراف ثانویه» را بیشتر می کند (Kaplan and Johnson, 1991: 99) اینک جامعه به صورت رسمی عمل میکند. شخص را منحرف می خواند یا به او برجسب منحرف می زند و سرانجام شخص نقش انحرافی را می پذیرد و آگاهی منحرف بودن در نزد او درونی میشود. در این مرحله است که انحراف ثانویه تحقق می یابد (ستوده، ۱۳۷۲: ۱۴۵ و گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۳)

۳-۱- خلاصه چهارچوب تئوریکی

همانگونه که قبلاً نیز مطرح شد، انحراف به مجموعه اعمالی اطلاق می‌شود که با هنجارهای پذیرفته شده یک گروه یا جامعه مطابقت نداشته و موجب بروز واکنشهایی علیه آن می‌شود. این واکنشها برحسب اهمیت رفتار می‌تواند یک عمل ساده اخم کردن، طرد نمودن و یا واکنشهای رسمی از قبیل مجازات و کیفر باشد.

دورکیم با طرح بهنجار بودن انحراف و کارکردی بودن آن افق جدیدی را در زمینه جامعه شناسی انحرافات گشود. آسیب شناسی جامعه شناختی دورکیم عمدتاً دو حالت دارد: گاه ممکن است سیستم و نظام اجتماعی دچار مشکل شود و گاه افراد و گروههای کوچک داخل اجتماع دچار مشکل شوند (تنهایی، ۱۳۷۱: ۱۴۱) به نظر دورکیم، جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم شدنش، تسلط کمتری بر فرد دارد، و در نتیجه، دیگر بخوبی گذشته قادر نیست گرایشهای متباینی را که پیدا می‌شود مهار کند.

در شهرهای بزرگ، فرد خیلی بیشتر از قید عمومی آزاد است، این امری است که در تجربه ثابت می‌شود و در اعتبار آن نمی‌توان تردیدی داشت. دلیلش این است که نظارت عمومی کمتر است و افراد با سهولت بیشتری می‌توانند راه خود را دنبال کنند. (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۱۹).

به دنبال تقسیم کار اجتماعی و افزایش تخصصها، انسجام بین افراد نیز کاهش یافته و در نتیجه فرد بعد از این بیشتر به دنبال آرزوها و امیال و نیازهای ارضاء نشده خود می‌رود، در این حالت فرد برای رسیدن به منافع خود حتی ممکن است منافع گروهی را نیز زیر پا گذاشته و در نتیجه فرد گرایشی شدید حاکم می‌شود. از سوی دیگر در جامعه‌ای که تقسیم کار در آن بوقوع پیوسته، تفکیک و تمایز اجتماعی بیشتر شده و در این حالت قدرتهای تنظیم کننده جامعه از هم گسیخته و منفک می‌شوند و کنترل کمی بر روی افراد وجود دارد که در نهایت به آنومی و سپس انحراف ختم می‌شود.

در ادامه کار دورکیم، مرتن به مسائل فرهنگی توجه بیشتری نمود و آنومی را ناشی از عدم تعادل بین اهداف فرهنگی و ابزار رسیدن به آن می‌داند که در نتیجه بر افرادی که در موقعیت‌های مختلف قرار دارند، فشار وارد نموده و بدین ترتیب منجر به اشکال مختلف انحراف می‌گردد.

کلوارد و اوهلین با عنوان نمودن ساختار فرصت غیر قانونی ابعاد تئوری مرتن را گسترش داده و معتقدند که راههای دیگری برای رسیدن به موفقیت در جلوی پای افراد گشوده می‌شود که وی

ز آن تحت عنوان ساختار فرصت غیر قانونی نام می‌برد.

کوهن در نظریه محرومیت پایگاهی اشاره می‌کند که طبقه پایین اجتماعی، آرمانهای موفقیت فرهنگی کمی جامعه را با خود دارند و اغلب بدلیل شکست تحصیلی و نداشتن شغل مناسب جهت ارتقاء اجتماعی دچار نارضایتی شده و در نتیجه به گروههای بزهکار می‌پیوندند که در این گروهها به منظور جبران محرومیت، هنجارها و ارزشهای دیگری که برای آنها وجهه و افتخار را به همراه دارد جایگزین می‌کنند.

ساترلند معتقد است که رفتارهای جنائی همانند رفتارهای غیر جنائی در تعامل با یکدیگر، بخصوص افراد نزدیک شخص از قبیل والدین، دوستان بر اثر فرایند ارتباطی کسب می‌شود. و هر چه این تماسها بیشتر، شدیدتر، طولانی تر باشد احتمال بروز انحراف افزایش پیدا می‌کند. سایکر، و متزا در تئوری خود با ارائه پنج تکنیک در مورد خنثی سازی به فرایند هدایت و رانده شدن فرد به زمره منحرفان اشاره می‌کنند.

مراد از تکنیکهای خنثی سازی توجیهاتی درباره نقص قانون کیفری است. به این ترتیب که اثر بز دارنده‌های ناشی از تعهد در زندگی اجتماعی را خنثی می‌سازند (گسن، ۱۳۷: ۱۶۳). هیرشی به نقش علقه‌های اجتماعی اشاره نموده و چهار عنصر را مورد بحث قرار می‌دهد. وابستگی، تعهد، مشغولیت و باور و عقیده.

در همین راستا، نی به تأثیر خانواده بر روی انحراف اشاره نموده و معتقد است که خانواده از طریق کنترل‌های خود می‌تواند در بروز یا عدم بروز انحراف نقش مهمی داشته باشد. در رویکرد بی سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی به اثبات وجود همبستگی بین محیط و تشکیل شخصیت بزهکار پرداختند. (گسن، ۱۳۷۰: ۱۵۰) براساس تئوری آنها حوزه‌هایی که دارای ساکنین غیر ثابت و خانوارهایی با سطح پایین در آمد و عدم تجانس باشند از میزان انحراف بیشتری برخوردارند.

والتر رکلز در تئوری خود به تقابل بین فشارها و جاذبه‌های اجتماعی از یک سو و خود منعی از سوی دیگر اشاره می‌کند و با تاکید بر خود منعی، جرم و کجروی را تبیین می‌نماید.

در رویکرد واکنش اجتماعی‌ها وارد بکر به نقش تعامل بین شخص منحرف و دیگر اعضای جامعه بخصوص قانون‌گذاران دارد و معتقد است با تعریف کجرو و برجسب زدن منحرف، شخص خود را همانگونه می‌پندارد که بروی برجسب زده‌اند و در تکرار جرم عامل مهمی می‌باشد. همینطور برجسب منحرف زدن باعث تنزل مقام و اعتبار فرد می‌شود که نتیجه آن

خدا شده وارد ساختن به نیاز به احترام و عزت نفس می شود و در این حالت فرد با پیوستن به خرده فرهنگ منحرف فعالیت‌های انحرافی خود را عقلانی می سازد.

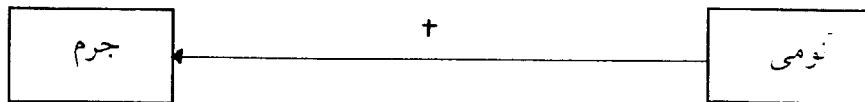
لحرت با طرح نظریه انحراف اولیه و ثانویه فرایند بزهکار حرفه‌ای شدن را شرح می دهد. او معتقد است در شرایط انحراف اولیه فرد برچسب نمی خورد و خود را منحرف نمی انگارد. ولی پس از واکنش اجتماعی و مجازات اجتماعی انحراف ثانویه رخ می دهد و با مجازات‌های شدید جامعه فرد را منحرف می خواند و سرانجام شخص نقش انحرافی را می پذیرد و درونی می کند.

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

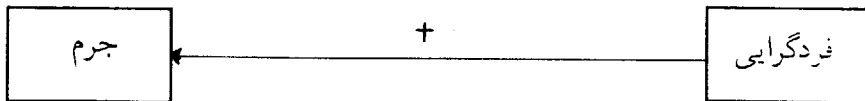
بر اساس نظریات مطرح شده در چارچوب تئوریک فرضیه‌های زیر قابل طرح می‌باشند:

از تئوری آسیب شناسی دورکیم می‌توان فرضیات زیر را استنتاج نمود.

۱- میزان آنومی (در سطح فردی، در سطح اجتماعی) با جرم و میزان آن رابطه دارد.



۲- فردگرایی که نتیجه کاهش انسجام می‌باشد با جرم و میزان آن رابطه دارد.



۳- اعتقادات مذهبی و باور به باورندگی مذهب با جرم رابطه منفی دارد.

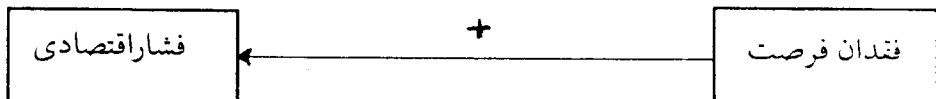


از تنبیه سه تئوری مرتن و کلوارد و اوهلین و کوهن که به ترتیب نظریه فشار ساختاری، فرصت

و محرومیت پایگاهی را ارائه داده‌اند فرضیات زیر استنتاج می‌شود.

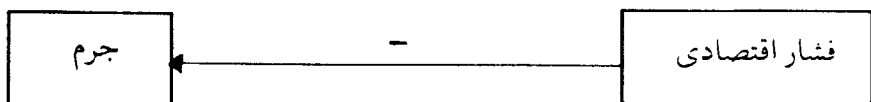
۴- هرچه افراد امکانات و فرصتهای کمتری برای رسیدن به اهداف اجتماعی داشته باشند،

بیشتر در معرض فشارهای اقتصادی می‌باشند.



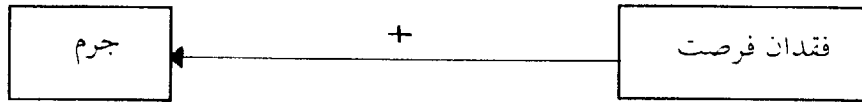
۵- هرچه افراد بیشتر تحت فشار اقتصادی می‌باشند احتمال بروز جرم و جنایت نیز بیشتر

می‌شود.



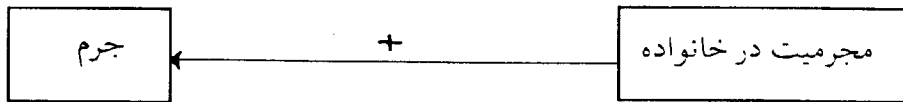
ز نتایج فرضیات بالا می‌توان این فرضیه را استنتاج نمود.

۶- هرچه امکانات و فرصتهای رسیدن به اهداف اجتماعی محدودتر باشد، احتمال بروز جرم و جنایت بیشتر می‌شود.



از تئوری ارتباط نسبی ساترلند که معتقد به اثر همنشینی و یادگیری رفتار جنایی می‌باشد فرضیه زیر استنتاج می‌شود.

۷- وجود جرم و جنایت در بین اعضاء خانواده تاثیر مثبتی بر جرم دیگر اعضاء دارد.



از تئوری تکنیکهای خنثی سازی سایکز و متزاکه معتقد بودند مجرم به روش زندگی منحرف از خلال یک فرایند ظرایف توجیه‌کشانده می‌شوند فرضیه زیر استنتاج می‌شود.

۸- هرچه افراد رفتارهای مغایر با هنجارهای اجتماعی را توجیه کند و در واقع موانع ذهنی را از سر راه خود بردارند، بیشتر به رفتارهای جرم و جنایت سوق داده می‌شوند.



از تلفیق تئوریهای هبرشی ونی و اسمیت و کران که به ارتباط علقه‌های اجتماعی و همچنین ارتباط جرم و زندگی خانوادگی معتقداند، فرضیه‌های زیر استنتاج می‌شود.

۹- درجه وابستگی شخص به خانواده با جرم رابطه منفی دارد.



۱۰- کنترل و نظارت والدین با جرم رابطه منفی دارد.



۱۱- میزان انسجام زوجین با جرم رابطه منفی دارد.

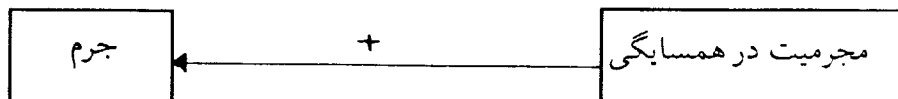


از تئوری شاو و مک کی که به عوامل حوزه‌های بزهکاری پرداخته‌اند فرضیات زیر استنتاج می‌شود.

۱۲- منطقه سکونت با جرم رابطه دارد.

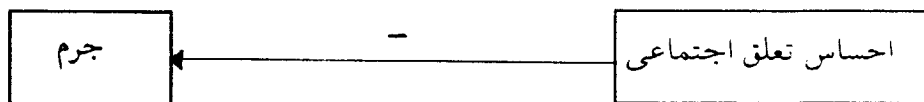


۱۳- وجود مجرمیت در همسایگی و تعامل با آنان با جرم رابطه دارد.



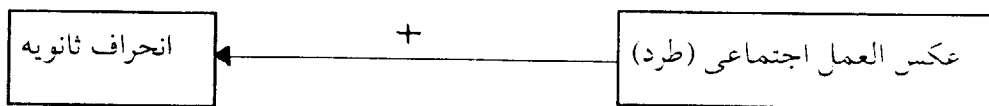
از تئوری خودمنعی رکلس فرضیه زیر استنتاج شده است.

۱۴- میزان احساس تعلق اجتماعی فرد به جامعه با جرم رابطه دارد.



از تئوری بکر و لمرت فرضیات زیر استنتاج شده است.

۱۵- عکس العمل اطرافیان (ضرد) با انحراف ثانویه رابطه دارد.



۱۶- برجسب با انحراف ثانویه رابطه مثبت دارد.



٢- روش تحقیق

۲- روش تحقیق

این فصل به مباحث روش، جامعه آماری، نمونه گیری، واحد تحلیل، سنجش متغیرها و... می پردازد از آنجا که هدف تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم می باشد واحد تحلیل فرد است و به منظور سنجش متغیرها از روش مصاحبه با پرسشنامه استفاده گردید. پرسشنامه شامل ۱۱۷ سؤال و گویه می باشد که با استفاده از سئوالات باز، سئوالات طبقه بندی شده و طیف لیکرت و برش قطبین ساخته شده اند به منظور جمع آوری داده ها، پرسشنامه در دو مرحله مورد آزمون قرار گرفت بدین ترتیب که بعد از تحقیقات مقدماتی، تعدادی از گویه های مبهم و نامناسب حذف شدند و پرسشنامه نهایی با ۱۵۴ نفر زندانی زن مورد آزمون قرار گرفت. پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات حاصل کدگذاری شده و داده ها به کامپیوتر منتقل شد. پس از ورود داده ها به کامپیوتر، مرحله اصلاح داده ها انجام گرفت و سپس فراوانی هر متغیر محاسبه و در نهایت شاخصها و متغیرهای ترکیبی ساخته شد و با استفاده از آزمون روائی، معرفهای نامناسب هر شاخص حذف گردید و با توجه به سطح سنجش متغیرها و شاخصهای جدید از انواع دستورات همبستگی، رگرسیون چند متغیری، تحلیل مسیر و آزمونهای F و T استفاده شد.

۱-۲- تحقیقات مقدماتی

به منظور بررسی مقدماتی مسئله، یک پرسشنامه با تعداد ۱۳۰ سؤال و گویه تنظیم شد پرسشنامه مذکور در تاریخهای ۱۸ و ۱۹ فروردین ۱۳۷۶ با ۵ نفر زندانی آزمون شد که نفرات انتخابی از بین جرایم مختلف بودند از محاسن این محاسبه ها به چند نکته زیر می توان اشاره کرد:

۱- تعدادی از سئوالات که گویا نبودند حذف شدند

۲- سئوالاتی که برمسائل حاشیه ای می پرداختند حذف شدند

۳- متن بعضی از سئوالات تغییر یافت

همچنین در هنگام مصاحبه با پرسشنامه مقدماتی به مسائل دیگری نیز از جمله نحوه معرفی محدودیت زمان آن، لحن سخن گفتن، نحوه یاد دادن طیف به پاسخگو مورد توجه قرار گرفت و با عنایت به این مسائل تحقیقات اصلی آغاز شد. میانگین مدت زمان مصاحبه از یک ساعت به ۴۵ دقیقه در تحقیقات اصلی کاهش یافت.

۲-۲-تحقیقات اصلی

پس از حذف سئوالات و گویه‌های نامناسب و تغییر متن برخی از سئوالات، پرسشنامه نهائی آماده شد جهت انجام مرحله نهایی ضروری به نظر می‌رسید تا جمعیت تحقیق، جامعه آماری، روش سنجش و نمونه‌گیری و ... مشخص شود.

۲-۲-۱- جمعیت تحقیق

باتوجه به اینکه تحقیق حاضر فقط در میان زنان زندانی صورت گرفته است، لذا جمعیت تحقیق شامل کلیه زنان زندانی می‌باشد و با در نظر گرفتن امکانات مالی، بودجه زمانی و ... به ناچار مجبور شدیم تا فقط در شهر تهران و زندانهای آن پژوهش حاضر را انجام دهیم. در شهر تهران نیز تنها زندانی که بند نسوان با تعداد بسیار زیاد زندانی داشت، زندان اوین بود که تحقیقات اصلی و مقدماتی در آن مکان صورت گرفت.

۲-۲-۲- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان زندانی با هر نوع جرمی را تشکیل می‌دهد. چون جمعیت زندانی بر حسب نوع جرم متفاوت بود، لذا از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و اتفاقی سیستماتیک استفاده نموده و براین اساس نمونه‌گیری به عمل آمد. روش فوق را با شرح بیشتری این‌گونه می‌توان توضیح داد که:

ابتدا از روی لیست دفتر زندان تعداد زندانیان بر حسب نوع جرم مشخص شدند و براین اساس حجم نمونه از هر جرم مشخص شد و سپس با روش نمونه‌گیری احتمالی، پاسخگویان از هر جرم انتخاب شدند.

و بالاخره از تاریخ ۷۶/۱/۳۱ تا ۷۶/۳/۸ جمع‌آوری اطلاعات به طول انجامید جدول ۱-۲ نشاندهنده جامعه آماری مورد بررسی می‌باشد.

جدول ۱-۲- جامعه آماری به تفکیک نوع جرم

نوع جرم	فراوانی	
	مطلق	درصد
مواد مخدر	۶۴	۳۴
رابطه	۶۸	۳۶
سرقت	۱۹	۱۰
قتل	۱۷	۹
کلاهبرداری	۱۳	۷
جعل سند	۲	۱
جرایم دیگر	۶	۳
جمع	۱۸۹*	۱۰۰

* چون تعدادی از مجرمین بیش از یک جرم داشتند بنابراین در جدول فوق جمع تعداد جرایم ۱۸۹ مورد بوده است در توضیح جدول بالا متذکر می شویم که طبقه بندی جدول فوق به صورت زیر انجام گرفته است.

در طبقه اول که مواد مخدر می باشد کلیه جرایم مربوط به مواد مخدر که شامل افراد مصرف کننده، حمل کننده، قاچاق فروش، نگهدارنده، خرده فروش (دانه ای، بسته ای) و کلان را شامل می شود.

در طبقه دوم که جرم رابطه می باشد قوادی، خانم رئیسی، زنای محصنه، معاونت در قوادی، دایر کننده خانه فحشاء را شامل می شود.

در طبقه سوم که جرم سرقت می باشد انواع سرقت از قبیل کیف زنی، جیب بری، کف زنی، و مشارکت در سرقت را شامل می شود.

در طبقه چهارم، قتل عمد، قتل شبه عمد و معاونت در قتل را شامل می شود.

در طبقه پنجم، کلاهبرداری، چک بلامحل، خیانت در امانت، معاونت در کلاهبرداری را شامل می شود.

در طبقه ششم، جعل سند و کلیه افعالی که منجر به تهیه و تنظیم اسناد جعلی از قبیل جعل امضاء مهر، آرم سازمانها و نهادها و ... را شامل می شود.

در ضبته هفتم جرائمی دیگر از قبیل آدم ربائی، اهانت به مامور، تهدید به قتل، فرار از دادسرا و ... را شامل می شود.

۳-۲-۲- سنجش متغیرها

متغیرهای مورد بررسی تحقیق حاضر شامل متغیرهای مستقل، متغیر وابسته و متغیرهای بینابینی است که هریک به روش خاصی سنجیده شده اند که به ترتیب در ذیل به آن اشاره می شود.

۱-۳-۲-۲- متغیر وابسته

در این بررسی متغیر وابسته (جرم) از چند بعد سنجیده شده است.

۱- نوع جرم

۲- تعداد دفعات ورود به زندان

۳- تعداد جرایم (فعلی)

۴- میزان مجازات تعیین شده (میزان حبس)

۵- نوع جرم قبلی

۶- سن ارتکاب جرم

۷- طول مدت ارتکاب جرم

هریک از ابغاد فوق بوسیله سنوال باز سنجیده شده است که در سطح سنجش فاصله ای می باشند و تنها نوع جرم در سطح سنجش اسمی سنجیده شده است.

۲-۳-۲-۲- متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل به چند دسته اساسی تقسیم می شوند. دسته اول متغیرهای است که وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده را مورد بررسی قرار داده است. دسته دوم وضعیت مجرمیت در خانواده و در همسایگی و دسته سوم متغیرهایی در سطح کلان مانند آنومی، طرد اجتماعی، بر چسب و ... را بررسی می کند و بالاخره متغیرهای زمینه ای از قبیل سن، تحصیلات و ...

۴-۲-۲- استخراج

پس از انجام کلیه مصاحبه‌ها و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات موجود به صورت کدهای عددی وارد برگه‌های پیش نویس شد. در مرحله بعدی داده‌های مندرج در برگه‌های پیش نویس به کامپیوتر منتقل شد. پس از ورود کلیه اطلاعات، نوبت به اصلاح داده‌ها می‌رسید که با گرفتن یک پرینت از کلیه داده‌ها و مقایسه آن با برگه‌های پیش نویس اصلاحات لازم انجام شد و به منظور جلوگیری از هرگونه اشتباهی با استفاده از دستور فراوانی هر متغیر مشخص شد تا اگر کدی بصورت اشتباه وارد شده یا در کدهای تعیین شده وجود نداشت اصلاح گردد.

۵-۲-۲- سطح سنجش متغیرها

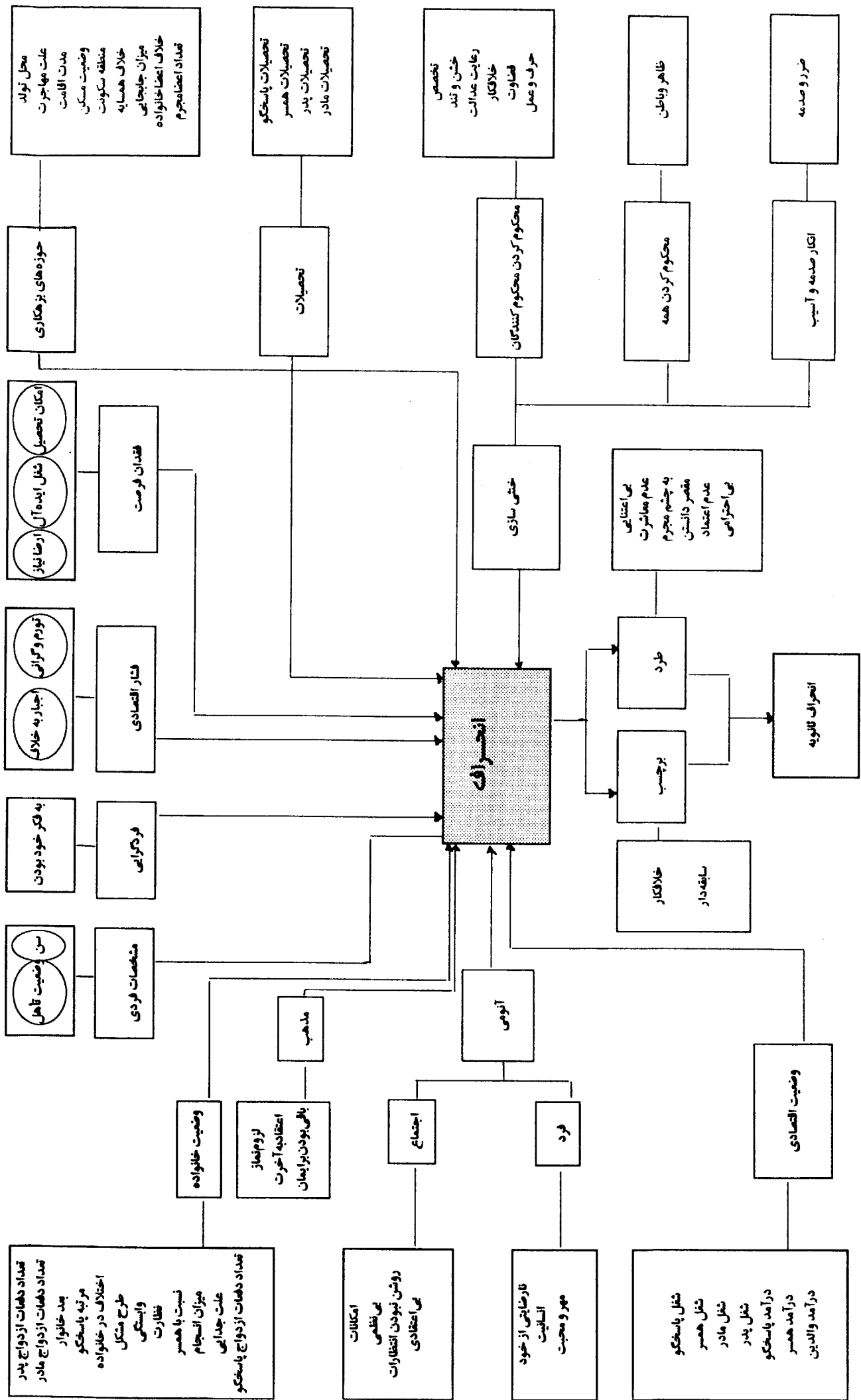
متغیرهای وابسته و مستقل به تناسب در سطوح سنجش فاصله‌ای - ترتیبی - اسمی سنجیده شده‌اند متغیر وابسته (جرم) به ابعاد چندگانه تقسیم و به جزء نوع جرم، بقیه در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند متغیرهای مستقل که در این تحقیق وزن بیشتری دارند و تاکید اساسی روی آنها می‌باشد در سطوح سنجش متفاوتی سنجیده شده‌اند متغیرهای مستقل از قبیل میزان انسجام زوجین، وابستگی خانوادگی (والدین - فرزندان) با استفاده از سؤال سنجیده شده است. متغیرهای آنومی، تعلق اجتماعی، اعتقاد مذهبی با استفاده از گویه مورد سنجش قرار گرفته‌اند. هرچند طیف مذکور در سطح سنجش ترتیبی است اما تسامحاً مجموع امتیازات را می‌توان در سطح سنجش فاصله‌ای بکار برد.

متغیرهای نوع شغل، علت مهاجرت، محل تولد، محل سکونت و مجرمیت در خانواده در سطح سنجش اسمی قرار دارند. (تصویر ۱-۲).

۶-۲-۲- روشهای آماری

پس از انجام کلیه اصلاحات بر روی داده‌ها، از برنامه کامپیوتری spss به منظور انجام محاسبات آماری استفاده شد با در نظر گرفتن سطح سنجش هر متغیر، روشها و محاسبات آماری مناسب با سطوح سنجش انتخاب گردید که در ذیل به آن اشاره میشود.

۱- جهت سنجش همبستگی متغیرهای مستقل اسمی دوگانه با متغیرهای در سطح فاصله‌ای از آزمون T-test استفاده شده است.



تصویر ۲-۱ متغیرهای موثر بر انحراف

۲- جهت سنجش متغیرهای اسمی چندگانه با متغیرهای فاصله‌ای از تحلیل واریانس استفاده گردید.

۳- برای سنجش همبستگی متغیرهای ترتیبی با فاصله‌ای از روشهای سنجش ترتیبی استفاده گردید.

۴- جهت سنجش اثرگذاری همزمان متغیرهای مستقل و تحلیل مسیر از رگرسیون چند متغیری استفاده شده است.

۷-۲-۲-روائی

آزمون روائی جهت حذف گویه‌های نامناسب انجام می‌شود. از آنجا که چند متغیر مستقل یعنی آنومی، طرد اجتماعی، تعلق اجتماعی... بر مبنای طیف تجمعی لیکرت سنجیده شده است، جهت حذف گویه‌های نامناسب آن انجام روائی ضروری می‌باشد.

طیف لیکرت (Likret -Scale) یا طیف مجموع نمرات مبتنی بر جمع امتیازات پاسخهای افراد نسبت به هر گویه است. مجموع نمره‌ای را که هر پاسخگو بر روی طیف بدست آورده بیانگر وضعیت فرد در آن شاخص و در مقایسه با سایر پاسخگویان می‌باشد.

به منظور ساختن طیف لیکرت محقق گویه‌ها را تهیه می‌کند بدین ترتیب که او جملاتی را که حدس می‌زند با موضوع مورد مطالعه در رابطه‌اند و آنرا می‌سنجند بر می‌گزیند. (رفیع پور: ۱۳۶۰، ۱۴۱) امتیاز فرد نسبت به هر گویه بر روی پیوستار ۵ درجه‌ای مشخص می‌شود و در انتها با هم جهت کردن گویه‌ها مجموع امتیازات هر فرد محاسبه می‌شود.

با محاسبه ضرایب روائی هر یک از خرده طیف‌ها برخی گویه‌ها حذف گردید ضریب روائی هر یک از متغیرهای مستقل در جدول ۲-۲ مشخص گردیده است.

جدول ۲-۲ ضرایب روانی متغیرهای مستقل

متغیر	شماره گویه‌ها	تعداد گویه‌ها	دامنه امتیازات	ضریب روانی
آنومی (اجتماعی)	۷۲-۷۳-۷۵-۷۶	۴	۴-۲۰	۰/۶۸
آنومی (فردی)	۶۹-۷۰-۷۱	۳	۳-۱۵	۰/۵۴
تعلق اجتماعی	۷۸-۷۹-۸۰-۸۱	۴	۴-۲۰	۰/۶۲
انسجام زوجین	۴۳-۴۴-۴۵-۵۱	۴	۴-۲۰	۰/۹۵
طرد	۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸	۶	۶-۳۰	۰/۹۱
وابستگی خانوادگی	۲۱-۲۲-۲۷-۲۸	۴	۴-۲۰	۰/۸۲
نظارت و کنترل خانوادگی	۲۳-۲۴-۲۵	۳	۳-۱۵	۰/۶۹
برچسب	۸۶-۸۷	۲	۳-۱۵	۰/۶۷
فقدان فرصت	۶۲-۶۳-۷۷	۳	۳-۱۵	۰/۵۳

۳- نتایج

۳- نتایج

۳-۱- نگاهی به وضعیت زندانها

براساس آمار سال ۱۳۷۴ تعداد کل زندانها در کشور ۲۱۰ عدد بود که از این تعداد در ۱۹۲ زندان، زندانی نگهداری می‌کردند. تعداد کل کارکنان ۱۶۵۵ نفر و میانگین زندانیان ۱۰۳۳۰۹ نفر بوده است که حدود ۴/۵ درصد آنان را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند.

قابل توجه است که بیشترین تعداد زندانیان در بهمن ماه بالغ بر ۱۱۲۲۵۳ نفر و کمترین تعداد در فروردین بالغ بر ۸۹۵۷۸ نفر بوده است.

از مجموع آمار کارکنان ۶۰۰۰ نفر کارمند رسمی و قراردادی و مامور بوده و مابقی را نیروهای وظیفه تشکیل می‌دهند با توجه به روند افزایش آمار زندانیان تنها آمار نیروهای وظیفه افزایش یافته و در این سال تعداد ۲۹۰۲۵۹ نفر زندانی به صورت جدیدالورود وارد زندان گردیده و ۲۳۷۰۱۰ نفر زندانی از زندان آزاد کرده‌اند. (معاونت تحقیقات سازمان زندانها، ۱۳۷۴، ۱).

از تعداد زندانیان در این سال ۵/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند طیف سنی زندانیان حاکی از حضور ۶/۴ درصد نوجوانان زیر ۱۸ سال می‌باشد (همان منبع، ۵) جدول شماره ۱-۳ گویای تعداد زندانیان بر حسب نوع جرم در سال ۱۳۷۴ می‌باشد.

جدول ۱-۳ تعداد زندانیان بر حسب نوع جرم (۱۳۷۴)

فراوانی		نوع جرم
درصد	مطلق	
۴۱/۴	۵۱۳۲۹۳	قاچاق مواد مخدر
۱۱	۱۳۵۲۹۷	اعتیاد
۱/۵	۱۸۷۵۷	سرقت مسلحانه
۱۳/۴	۱۶۶۸۵۳	سرقت
۴/۳	۵۴۱۴۱	منکرات
۴	۵۱۹۱۳	قتل عمد
۱/۲	۱۵۱۶۸	قتل غیر عمد
۲/۴	۳۰۷۸۶	جعل
۵	۶۲۰۷۲	شرارت و اخلال
۰/۳	۴۱۹۷	تخریب
۱/۶	۲۰۹۳۰	قاچاق کالا
۳/۶	۴۵۶۶۹	نظامی و انتظامی
۷	۸۸۰۸۲	مالی
۰/۲	۲۸۷۷	تصرف
۰/۳	۳۹۶۶	رانندگی
۰/۳	۳۸۲۲	خانوادگی
۰/۶	۷۶۴۰	عبور غیر مجاز از مرز
۱/۱	۱۴۳۵۱	امنیتی
۱۰۰	۱۲۳۹۸۱۴	جمع

منبع: گزارش عملکرد سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور (۱۳۷۴)

۳-۳- سنجش میزان جرم

به منظور سنجش متغیر میزان جرم از سؤال باز استفاده شده است که بدین ترتیب بوده است.

- چه طور شد که شما را به اینجا آوردند؟ (نوع جرم)
- جرمهای دیگری چه بوده؟
- این دفعه چندمت است که به زندان آمدی؟
- دفعه قبل به چه جرمی آمدی؟
- این دفعه جتدر برایت زندانی بریده‌اند؟
- اولین بار که دست به خلاف زدی چندسالت بود؟
- چندوقت به این کار مشغول بودی؟

۱-۲-۳- نوع جرم

نوع جرم پاسخگویان در جدول شماره ۲-۳ دیده می‌شود. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود ۳۴/۴ درصد پاسخگویان در ارتباط با مواد مخدر و قاچاق و اعتیاد در زندان بسر می‌برند. ۳۸/۳ درصد پاسخگویان به جرم رابطه دستگیر شده‌اند و ۸/۴ درصد به جرم سرقت و ۱۰/۴ درصد پاسخگویان به جرم قتل عمد و یا معاونت در قتل و ۷/۱ درصد به جرم کلاهبرداری، خیانت در امانت، چک بلامحل و ۱/۲ درصد پاسخگویان به جرم جعل سند و جرائم دیگر در زندان به سر می‌برند.

جدول ۲-۳ نوع جرم پاسخگویان

فراوانی		نوع جرم
درصد	مطلق	
۳۴/۴	۵۳	مواد
۳۸/۳	۵۹	رابطه
۸/۴	۱۳	سرقت
۱۰/۴	۱۶	قتل
۷/۱	۱۱	کلاهبرداری
۰/۶	۱	جعل سند
۰/۶	۱	جرائم دیگر
۱۰۰	۱۵۴	جمع

باید یادآور شویم که درجدول فوق جرمی را که بیشترین مجازات برای آن تعیین شده یا در واقع جرم اصلی پاسخگو می باشد منظور شده است و در جدول شماره ۱-۲ کلیه جرائم هر پاسخگو قید شده است.

۲-۲-۳- تعدد جرم

سئوال بعدی در مورد جرائم دیگر پاسخگو بوده است که پاسخگویی که بیش از یک نوع جرم داشته اند در جدول ۳-۳ مشاهده می شود.

همانطور که درجدول مشاهده می شود ۸۳/۱ درصد پاسخگویان با یک نوع جرم وارد زندان شده اند و ۱۳ درصد با دو نوع جرم وارد زندان شده اند و ۳/۲ درصد پاسخگویان با سه نوع جرم و ۰/۶ درصد پاسخگویان با ۴ نوع جرم به زندان آمده اند.

جدول ۳-۳ تعدد جرم پاسخگویان (جرم فعلی)

فراوانی		تعداد جرم
درصد	مطلق	
۸۳/۱	۱۲۸	۱
۱۳	۲۰	۲
۳/۲	۵	۳
۰/۶	۱	۴
۱۰۰	۱۵۴	جمع

در میان پاسخگویی که با بیش از یک جرم وارد زندان شده اند می توان به فراوانی زندانیانی اشاره کرد که با دو نوع جرم مواد و رابطه و جرم قتل و سرقت در زندان به سر می برند.

۳-۲-۳- دفعات ورود به زندان

از بین پاسخگویان ۶۶/۲ درصد برای اولین بار به زندان وارد شده اند و ۳۳/۸ درصد پاسخگویان بیش از ۲ بار سابقه تحمل کیفری داشته اند درجدول ۳-۴ تعداد سابقه پاسخگویان را مشاهده می کنیم.

جدول ۴-۳ تعداد سابقه پاسخگویان

فراوانی		تعداد سابقه
درصد	مطلق	
۶۶/۲	۱۰۲	یکبار
۲۰/۷	۳۲	۲-۳
۵/۱	۸	۴-۵
۳/۲	۵	۶-۷
۱/۳	۲	۸-۹
۳/۲	۵	۱۰ و بیشتر
۱۰۰	۱۵۴	جمع

۴-۲-۳- جرم دفعات قبل

از بین پاسخگویانی که بیش از یکبار سابقه دستگیری و حبس داشته‌اند ۵۷/۷ درصد مربوط به جرم مواد می‌باشد. ۳۴/۷ درصد مربوط به جرم رابطه و ۳/۸ درصد به جرم سرقت و ۱/۹ درصد به جرم قتل و ۱/۹ درصد به دلیل جرائم دیگر وارد زندان شده بودند.

جدول ۵-۳ نوع جرم قبلی پاسخگویان

فراوانی		نوع جرم
درصد	مطلق	
۵۷/۷	۳۰	مواد
۳۴/۷	۱۸	رابطه
۳/۸	۲	سرقت
۱/۹	۱	قتل
۱/۹	۱	جرائم دیگر
۱۰۰	۵۲	جمع

۵-۲-۳- میزان محکومیت (شدت مجازات)

مطابق قانون مجازات اسلامی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود (حجتی اشرفی، ۱۳۷۵، ۱) مجازات به نسبت تعدد جرم و تکرار جرم تعیین و مشخص می شود.

در جدول ۳-۶ میزان مجازات حبس پاسخگویان مشاهده می شود مطابق جدول شماره ۳-۶، ۱۸/۲ درصد زندانیان به حبس کمتر از یکسال محکوم شده اند و ۲۹/۹ درصد به حبس ۲ تا ۵ (پنج) سال و ۱/۳ درصد پاسخگویان ۶ تا ۹ سال و ۲۹/۲ درصد پاسخگویان به ۱۰ تا ۱۳ سال و ۳/۹ درصد پاسخگویان به ۱۴ تا ۱۷ سال و ۷/۸ درصد پاسخگویان به ۱۸ تا ۲۱ سال و ۱/۹ درصد پاسخگویان به حبس ۲۲ الی ۲۵ سال و ۷/۸ درصد به بیش از ۲۶ سال محکوم شده اند.

جدول ۳-۶ میزان محکومیت پاسخگویان

فراوانی		میزان حبس
درصد	مطلق	
۱۸/۲	۲۸	کمتر از یکسال
۲۹/۹	۴۶	۲-۵ سال
۱/۳	۲	۶-۹
۲۹/۲	۴۵	۱۰-۱۳
۳/۹	۶	۱۴-۱۷
۷/۸	۱۲	۱۸-۲۱
۱/۹	۳	۲۲-۲۵
۷/۸	۱۲	۲۶ و بیشتر
۱۰۰	۱۵۴	جمع

میزان محکومیت که در واقع شدت جرم با آن سنجیده می شود یکی از متغیرهای مهم در این تحقیق می باشد که بیشترین همبستگی ها با متغیر فوق در نظر گرفته شده است در میان پاسخگویانی که به حبسهای سنگین محکوم شده اند می توان به موارد قتل و قاچاق مواد مخدر

۶-۲-۳- سن شروع جرم

سن شروع جرم: پاسخگویان در جدول شماره ۷-۳ مشاهده می شود دامنه تغییرات سن شروع جرم بین ۵۷-۱۰ سال در نوسان است ولی آنچه که قابل توجه است اینکه ۵۵/۹ درصد پاسخگویان از سن ۱۰ تا ۲۵ سالگی شروع به فعالیتهای انحرافی نموده اند و خود این مسئله گویای مسائل خاص نوجوانان و جوانان می باشد.

جدول ۷-۳ سن شروع جرم

فراوانی		سن شروع جرم
درصد	مطلق	
۱۱/۷	۱۸	۱۵-۱۰
۴۴/۲	۶۸	۲۵-۱۶
۲۵/۳	۳۹	۳۵-۲۶
۱۴/۳	۲۲	۴۵-۳۶
۴/۵	۷	۵۷-۴۶
۱۰۰	۱۵۴	جمع

میانگین سن در زمان شروع جرم ۲۵ سال می باشد.

۷-۲-۳- مدت ارتکاب جرم

مدت ارتکاب جرم بر حسب نوع جرم در جدول شماره ۸-۳ منعکس می باشد. برحسب فراوانیهای درصدی جرم مواد مخدر ۳۹/۶ درصد پاسخگویان بین یکماه تا یکسال مشغول فعالیت این جرم بوده اند و سپس بیشترین فراوانی مربوط به مدت ارتکاب جرم مواد در مدت یازده سال و بیشتر می باشد. لازم به توضیح است که بین مجرمین این طبقه افراد معتاد و مصرف کننده معمولاً مدت زمان ارتکاب جرم بیشتری را نسبت به فروشنده گان و قاچاقچیان مواد مخدر داشته اند و در مورد جرم رابطه بیشترین فراوانی درصدی مربوط به طبقه مدت ارتکاب جرم بین

یکماه تا یکسال - ۶۶/۱ درصد می باشد. و همچنین در این جرم ۲۰/۳ درصد پاسخگویان بین دو تا چهار سال مرتکب اعمال انحرافی شده اند.

بیشترین فراوانی درصدی جرم، سرقت با ۳۰/۸ درصد در طبقه مدت یکماه تا یکسال می باشد و سپس طبقه دو تا چهارسال با ۲۳/۱ درصد و ۵ تا ۷ سال با ۲۳/۱ درصد می باشد. در مورد جرم قتل، شاید مدت ارتکاب جرم منتهی نداشتن باشد، ولی لازم به توضیح است که، از زمان طرح ریزی نقشه قتل و به اجراء درآوردن آن تا زمان کشف جرم می تواند به عنوان مدت ارتکاب جرم قتل محسوب شود. مطابق جدول ۸-۳، ۸۷/۵ درصد جرم قتل بین یکماه تا یکسال کشف و مشخص شده است.

جدول ۸-۳ مدت ارتکاب جرم بر حسب نوع جرم

جمع	جمل سند / جرائم دیگر	کلاهبرداری	قتل	سرفت	رابطه	مواد	نوع جرم / مدت ارتکاب
۹۰ 58.4	۲ 100	۱۰ 90.9	۱۴ 87.5	۴ 30.8	۳۹ 66.1	۲۱ 39.6	یکماه تا یکسال
۲۳ 14.9		۱ 9.1		۳ 23.1	۱۲ 20.3	۷ 13.2	۲-۴ سال
۱۶ 10.4			۱ 6.3	۳ 23.1	۷ 11.9	۵ 9.4	۵-۷
۷ 4.5				۱ 1.7	۱ 1.7	۵ 9.4	۸-۱۰
۱۸ 11.7			۱ 6.3	۱ 15.2		۱۵ 22.3	۱۱- بیشتر
۱۵۴ 100	۲ 1.3	۱۱ 7.1	۱۶ 10.4	۱۳ 8.4	۵۹ 38.3	۵۳ 34.4	جمع

$$X^2 = 60/05$$

$$\text{sig} = 0/00010$$

میانگین مدت ارتکاب جرم تقریباً چهارسال می باشد. از مقایسه میانگینهای متغیرهای جرمی (سن شروع جرم، تعداد دفعات ورود به زندان [سابقه]، میزان محکومیت و مدت ارتکاب جرم) نسبت به نوع جرم فعلی اطلاعات ذیل بدست آمده است.

- میانگین سن شروع جرم قتل ۳۲ سال و کلاهبرداری ۲۹ سال و مواد و رابطه ۲۵ سال می باشد.
- میانگین تعداد دفعات ورود به زندان به ترتیب برای جرم مواد با سه بار سابقه و سرقت با دوبار سابقه و بقیه جرائم با ۱ سابقه تعیین شده است.

- میانگین میزان محکومیت (شدت مجازات) برای جرم قتل ۱۹ سال و مواد و جرائم دیگر ۱۰ سال و رابطه ۷ سال و سرقت ۴ سال و کلاهبرداری ۲ سال تعیین شده است.

- میانگین مدت ارتکاب جرم به ترتیب برای مواد ۷ سال و سرقت ۵ سال و رابطه ۲ سال و کلاهبرداری ۱ سال می باشد.

جدول شماره ۹-۳ حاوی اطلاعات فوق می باشد.

جدول ۹-۲ مقایسه میانگینهای متغیرهای جرم بر حسب نوع جرم

مدت ارتکاب جرم (سال)	میزان حبس (سال)	تعداد دفعات زندانی	سن شروع جرم (سال)	متغیرهای جرمی
				نوع جرم
۷/۰۱۹	۱۰/۰۵۷	۳/۰۳۸	۲۵/۳۹۶	مواد
۲/۰۱۷	۷/۷۴۶	۱/۵۰۸	۲۵/۰۳۴	رابطه
۵/۶۱۵	۴/۰۷۷	۲/۲۳۱	۲۲/۶۱۵	سرق
۲	۱۹/۶۸۸	۱/۴۳۸	۳۲/۳۷۵	قتل
۱/۰۹۱	۲/۹۰۹	۱	۲۹/۲۳۷	کلاهبرداری
۱	۱۰	۱	۱۹	جرایم دیگر

۳-۳- متغیرهای موثر بر جرم

۳-۳-۱- مشخصات فردی

سن: میانگین سنی پاسخگویان ۳۲ سال و نما ۳۸ سال می باشد. ۲۶/۶ درصد تا ۲۴ سال سن داشته اند و ۳۱/۲ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال سن داشته اند و ۲۶/۶ درصد بین سنین ۳۵ تا ۴۴ سال و ۹/۷ درصد بین ۴۵ تا ۵۴ سال و ۵/۸ درصد بین ۵۵ تا ۶۶ سال داشته اند. جدول شماره ۱۰-۳ حاوی اطلاعات سن پاسخگویان می باشند.

جدول ۱۰-۳ سن پاسخگویان

فراوانی		سن
درصد	مطلق	
۲۶/۶	۴۱	۲۴-۱۵
۳۱/۲	۴۸	۳۴-۲۵
۲۶/۶	۴۱	۴۴-۳۵
۹/۷	۱۵	۵۴-۴۵
۵/۸	۹	۵۵ و بیشتر
۱۰۰	۱۵۴	جمع

وضعیت تأهل: ۱۶/۲ درصد پاسخگویان مجرد و ۸۳/۸ درصد پاسخگویان حداقل یکبار ازدواج نموده‌اند (جدول ۱۱-۳).

جدول ۱۱-۳ وضعیت تأهل

فراوانی		وضعیت تأهل
درصد	مطلق	
۱۶/۲	۲۵	مجرد
۸۳/۸	۱۲۹	متاهل
۱۰۰	۱۵۴	جمع

۱-۱-۳-۳- ارتباط مشخصات فردی با متغیرهای جرم

سن: سن با متغیرهای میزان محکومیت (شدت مجازات) و مدت ارتکاب جرم و سن شروع جرم رابطه معناداری را بیان می‌کند. بدین معنا که افراد مسن‌تر جرائم سنگین‌تری را مرتکب شده‌اند که در نتیجه میزان محکومیت بیشتری را تحمل می‌کنند. و این افراد مدت زمان بیشتری را در فعالیتهای انحرافی گذرانده‌اند (جدول ۱۲-۳)

جدول ۱۲-۳ همبستگی بین سن و متغیرهای جرم

معناداری	سن	سئوالات
۰/۰۰۱	۰/۲۸۰۴	میزان محکومیت
۰/۰۰۳	۰/۳۲۶۷	مدت ارتکاب جرم
۰/۰۰۱	۰/۷۶۹۴	سن شروع جرم

همچنین رابطه معناداری بین سن پاسخگویان با تعداد دفعات ورود به زندان (سابقه) و تعداد جرائم فعلی وجود نداشت.

تاهل: براساس اطلاعات مندرج در جدول ۱۳-۳ به جزء متغیر تعداد جرم فعلی در بقیه متغیرهای جرمی بین متاهلین و مجردین تفاوت معناداری ملاحظه می‌شود.

مطابق جدول میانگین میزان محکومیت مجردین ۵/۹ سال و میانگین میزان محکومیت

متاهلین ۹/۷ سال می باشد که خود بیانگر نوع جرم ارتكبی نیز می باشد. یعنی متاهلین جرائم با مجازات شدیدتری را در مقایسه با مجردین مرتکب شده اند. همچنین میانگین مدت ارتكاب جرم مجردین ۱/۸ سال در مقابل میانگین مدت ارتكاب جرم متاهلین که ۴/۳ سال می باشد. میانگین سن شروع جرم در مجردین تقریباً ۱۷ سال و در بین متاهلین تقریباً ۲۷ سال در سطح معناداری بالای ۹۹/۹ درصد می باشد. از نتایج فوق اینگونه می توان نتیجه گرفت که تأهل باعث به تأخیر افتادن سن شروع جرم می شود. و در آخرین ستون از مقایسه میانگین تعداد دفعات ورود به زندان در می یابیم که متاهلین تعداد دفعات بیشتری را در زندان سپری کرده اند. این مسئله بدلیل بالاتر بودن سن متاهلین می باشد.

جدول ۱۳-۳ رابطه وضعیت تاهل با متغیرهای جرم

معناداری	T	میانگین	تعداد موارد	مقولات	سوالات
۰/۰۲۷	-۲/۲۴	۵/۹۶۰۰	۱۲۹	مجرد	میزان محکومیت
		۹/۷۷۵۲	۲۵	متاهل	
۰/۰۳۳	-۲/۱۵	۱/۸۰۰۰	۱۲۹	مجرد	مدت ارتكاب جرم
		۴/۳۷۹۸	۲۵	متاهل	
۰/۰۰۱	-۴/۶۰	۱۷/۹۲۰۰	۱۲۹	مجرد	سن شروع جرم
		۲۷/۴۹۶۱	۲۵	متاهل	
۰/۲۷۱	۱/۱۰	۱/۳۲۰۰	۱۲۹	مجرد	تعداد جرم فعلی
		۱/۱۹۳۸	۲۵	متاهل	
۰/۰۹۹	-۱/۶۶	۱/۳۶۰۰	۱۲۹	مجرد	تعداد دفعات زندان
		۲/۱۷۸۳	۲۵	متاهل	

۲-۳-۳- وضعیت اقتصادی

این متغیر بوسیله شغل فرد، همسر، پدر و مادر و درآمد آنها مورد سنجش قرار گرفته است. شغل پاسخگو: همانطور که در جدول ۱۴-۳ دیده می شود ۵۵/۲ درصد پاسخگویان خانه دار بوده و تنها ۴۳/۵ درصد پاسخگویان قبل از ورود به زندان دارای شغل بوده اند که از این مقدار ۱۳ درصد در مشاغل کارگری و کشاورزی اشتغال داشته و ۳۰/۵ درصد در مشاغل خدماتی فعالیت

جدول ۱۴-۳ شغل پاسخگو

فراوانی		نوع شغل
درصد	مطلق	
۵۵/۲	۸۵	خانه‌دار
۱۳	۲۰	کارگر، کشاورز
۳۰/۵	۴۷	خدماتی
۱/۳	۲	بی‌جواب
۱۰۰	۱۵۴	جمع

شغل همسر: در میان شغل همسر بیشترین طبقه مربوط به مشاغل کارمندی و مغازه‌داری می‌باشد که در مجموع ۳۲/۴ درصد را به خود اختصاص می‌دهد و سپس شغل رانندگی که ۹/۷ درصد شغل همسران را به خود اختصاص داده است. (جدول ۱۵-۳).

جدول ۱۵-۳ شغل همسر

فراوانی		نوع شغل
درصد	مطلق	
۹/۷	۱۵	راننده
۲۷	۱۷/۵	کارگرفنی
۱۶/۲	۲۵	کارمند
۱۶/۲	۲۵	مغازه‌دار
۷/۸	۱۲	کارگر ساده، کشاورز، دامداری
۵/۲	۸	مدیریت بالا
۶/۵	۱۰	بیکار
۴/۵	۷	غیره
۱۶/۲	۲۵	بی‌ربط
۱۰۰	۱۵۴	جمع

شغل مادر: مطابق جدول شماره ۱۶-۳ تنها ۱۴/۹ درصد مادران شاغل بوده و ۸۵/۱ درصد مادران خانه‌دار بوده‌اند.

جدول ۱۶-۳ شغل مادر

فراوانی		نوع شغل
درصد	مطلق	
۸۵/۱	۱۳۱	خانه‌دار
۹/۱	۱۴	کارگر، کشاورز
۵/۸	۹	خدماتی
۱۰۰	۱۵۴	جمع

شغل پدر: شغل پدر پاسخگویان مطابق جدول شماره ۱۷-۳ طبقه‌بندی شده است. ۱۷/۵ درصد مشاغل پدران اختصاص به طبقه مشاغل پایین دارد. ۱۵/۶ درصد در مشاغل خواربار فروشی و خرده فروشی و ۱۴/۳ درصد در شغل کارمندی مشغول به فعالیت بودند.

جدول ۱۷-۳ شغل پدر

فراوانی		نوع شغل
درصد	مطلق	
۱۳/۶	۲۱	کشاورزی
۱۷/۵	۲۷	مشاغل پایین
۱۴/۳	۲۲	کارمند
۷/۱	۱۱	نظامی
۷/۸	۱۲	مشاغل فنی
۳/۹	۶	راننده
۱۵/۶	۲۴	فروشنده‌گی جزء
۵/۲	۸	پیمانکار ساختمان
۶/۵	۱۰	مدیریت، کارخانه‌دار
۲/۶	۴	امام جماعت
۵/۸	۹	بیکار
۱۰۰	۱۵۴	جمع

درآمد پاسخگو: از بین پاسخگویان شاغل ۳۵/۸ درصد بین ۴ تا ۲۰ هزار تومان در ماه درآمد

داشتند. و ۳۴/۳ درصد درآمدی مابین ۲۱ تا ۵۰ هزار تومان در ماه و ۱۰/۴ درصد درآمدی بین ۶۰ تا ۹۹ هزار تومان در ماه ۷/۵ درصد درآمدی بین ۱۲ تا ۳۰۰ هزار تومان در ماه و ۱۱/۹ درصد درآمدی بالاتر از ۱ میلیون تومان در ماه داشتند جدول شماره ۱۸-۳ حاوی اطلاعات درآمد پاسخگویان می باشد.

جدول ۱۸-۳ درآمد پاسخگویان

فراوانی		طبقات جواب ۱۰۰۰ تومان
درصد	مطلق	
۳۵/۸	۲۴	۲۰-۴
۳۴/۳	۲۳	۵۰-۲۱
۱۰/۴	۷	۹۹-۶۰
۷/۵	۵	۳۰۰-۱۲۰
۱۱/۹	۸	۱۰۰۰ و بیشتر
۱۰۰	۶۷	جمع

درآمد همسر: کمترین درآمد همسر ۲۰ هزار تومان در ماه و بیشترین درآمد ۹ میلیون تومان بوده است. بیشترین فراوانی درآمد همسر با ۳۷/۱ درصد مربوط به طبقه ۲۱ الی ۵۰ هزار تومان در ماه می باشد و ۱۵/۷ درصد درآمدی بیش از ۲۰۱ هزار تومان در ماه داشتند (جدول ۱۹-۳)

جدول ۱۹-۳ درآمد همسر پاسخگویان

فراوانی		طبقات جواب ۱۰۰۰ تومان
درصد	مطلق	
۱۲/۹	۹	کمتر از ۲۰
۳۷/۱	۲۶	۵۰-۲۱
۱۲/۹	۹	۸۰-۵۱
۵/۷	۴	۱۱۰-۸۱
۱۵/۷	۱۱	۲۰۰-۱۱۱
۷/۱	۵	۵۰۰-۲۰۱
۸/۶	۶	۵۰۱ و بیشتر
۱۰۰	۷۰	جمع

آنچه که در جمع ستون فراوانی مطلق این جدول باید یادآوری کنیم این است که پاسخگویان

مناهلی که درآمد همسر خود را نمی دانستند و همچنین مجردین از کل پاسخگویان (N=۱۵۴) کنار گذاشته شده اند.

درآمد والدین: بدلیل عدم اطلاع دقیق و صحیح پاسخگویان از درآمد والدین (پدر - مادر) این متغیر در سطح سنجش ترتیبی سنجیده شده است.

مطابق جدول شماره ۲۰-۳ بیشترین درصد درآمد والدین در سطح متوسط با ۴۲/۲ درصد می باشد سپس درآمد بالا با ۱۵/۶ و درآمد پایین با ۱۵/۶ و درآمد خیلی پایین با ۱۴/۹ درصد و درآمد خیلی زیاد با ۱۱/۷ درصد بیانگر وضعیت اقتصادی والدین می باشد.

جدول ۲۰-۳ درآمد والدین

فراوانی		وضعیت درآمد
درصد	مطلق	
۱۴/۹	۲۳	خیلی پایین
۱۵/۶	۲۴	پایین
۴۲/۲	۶۵	متوسط
۱۵/۶	۲۴	بالا
۱۱/۷	۱۸	خیلی بالا
۱۰۰	۱۵۴	جمع

۱-۲-۳-۳- ارتباط وضعیت اقتصادی با متغیرهای جرم:

براساس نتایج بدست آمده از روابط دو متغیری مندرج در جدول شماره ۲۱-۳ تنها روابط همبستگی بین شغل پاسخگو با نوع جرم و شغل پدر با نوع جرم در سطح معناداری قابل قبول بدست آمد و بقیه متغیرها رابطه معناداری را بیان نمی کنند. پاسخگویانی که در مشاغل خدماتی مشغول کار بوده اند، بیشترین جرمشان در طبقه جرم رابطه فرار می گیرد.

و در مورد شغل پدر پاسخگویان نیز، به رابطه بین مشاغل پایین مثل دست فروشی، رانندگی، و کارگری و جرم مواد می توان اشاره نمود.

جدول ۲۱-۳ همبستگی بین شغل با متغیرهای جرم

سطح معناداری	شغل مادر	سطح معناداری	شغل پدر	سطح معناداری	شغل همسر	سطح معناداری	شغل پاسخگو	سطح
۰/۱۲۱	۱۰/۰۸۰	۰/۹۹۳	۱۴/۳۰۱	۰/۳۹۵	۲۵/۱۸۶	۰/۵۵۰	۴/۹۴۹	تعداد جرم فعلی
۰/۰۶۲	۲۰/۲۶۳	۰/۰۴۳	۷۹/۹۵۸	۰/۱۶۱	۵۷/۶۱۶	۰/۰۲۰	۲۳/۹۴۹	نوع جرم فعلی
۰/۳۷۰	۱/۹۸۳	۰/۷۰۰	۷/۲۶۶	۰/۲۱۱	۱۰/۸۳۳	۰/۳۲۰	۲/۲۷۴	مدت ارتکاب جرم
۰/۳۸۵	۱۹/۵۴۶	۰/۸۶۳	۷۵/۴۸۲	۰/۸۳۹	۶۰/۱۴۴	۰/۳۰۱	۲۰۵۵۷	تعداد دفعات زندان

متغیر شغل در سطح سنجش اسمی سنجیده شده و لذا آزمون همبستگی χ^2 استفاده شده است.

روابط دو متغیری میزان درآمد پاسخگو و همسر و والدین رابطه معنی داری را با متغیرهای جرم نشان نمی دهد. جدول شماره ۲۲-۳ حاوی اطلاعات فوق می باشد.

جدول ۲۲-۳ همبستگی بین درآمد و متغیرهای جرم

سطح معناداری	درآمد والدین	سطح معناداری	درآمد همسر	سطح معناداری	درآمد پاسخگو	سوالات
۰/۵۴۰	۲۶/۵۱۳	۰/۲۳۸	-۰/۱۴۳۰	۰/۰۶	۰/۲۲۶	میزان محکومیت
۰/۰۶	۴۹/۶۵۲	۰/۶۳۰	۰/۰۵۸	۰/۱۲۲	-۰/۱۹۰	مدت ارتکاب جرم
۰/۴۷	۱۵/۶۶	۰/۰۸۴	۰/۰۲۳	۰/۰۸۵	۰/۲۱۱۹	سن شروع جرم
۰/۲۸	۱۴/۲۸	۰/۵۴۹	-۰/۰۷۲	۰/۳۰۲	-۰/۱۲۷	تعداد جرم فعلی
۰/۰۶	۴۹/۶۵	۰/۴۳۶	۰/۰۹۴	۰/۳۳۷	-۰/۱۱۹	تعداد دفعات زندان
۰/۶۲۲	۲۱/۲۸۱	۰/۲۰۵	۳۳/۸۶۵	۰/۲۹۷	۳۹/۹۸۲	نوع جرم

درآمد والدین در سطح سنجش ترتیبی سنجیده شده و لذا از آزمون همبستگی X^2 استفاده شده است. تعداد موارد در متغیر درآمد پاسخگو $N=67$ و در مورد درآمد همسر $N=70$ می باشد و به دلیل کوچک بودن نمونه محاسبه شده در همبستگی رابطه معناداری بین این دو متغیر با متغیرهای جرمی وجود ندارد.

۳-۳-۳- تحصيلات

میزان تحصيلات یکی از عوامل تعیین کننده در جرم است و برحسب وضعیت تحصيلات افراد در موقعیتهای متفاوت اجتماعی و طبعاً جرمی قرار می گیرند. در این تحقیق سطح تحصيلات پاسخگو، همسر پدر و مادر و ارتباط آن با متغیرهای جرمی سنجیده شده است.

تحصيلات پاسخگو: براساس جدول شماره ۲۳-۳ بیشترین میزان تحصيلات پاسخگویان با ۳۲/۵ درصد در سطح راهنمایی و در مرتبه بعد با ۲۴/۷ درصد در سطح دیپلم و ۲۰/۱ درصد پاسخگویان بی سواد بودند.

جدول ۲۳-۳ میزان تحصيلات پاسخگویان

فراوانی		تحصيلات
درصد	مطلق	
۲۰/۱	۳۱	بی سواد
۱۶/۲	۲۵	۵-۱
۲۳/۵	۵۰	۸-۶
۲۴/۷	۳۸	۱۲-۹
۵/۸	۹	۱۶-۱۳
۰/۶	۱	۲۱-۱۷
۱۰۰	۱۵۴	جمع

میانگین سطح تحصيلات پاسخگویان ۶ کلاس می باشد.

تحصيلات همسر: ۳۸ درصد میزان تحصيلات همسر پاسخگویان در حد دبیرستان و ۱۹/۴

درصد در حد راهنمایی و ۱۴/۷ درصد بی سواد بودند. میانگین تحصیلات همسر ۷ کلاس می باشد. (جدول ۲۴-۳)

جدول ۲۴-۳ میزان تحصیلات همسر

فراوانی		تحصیلات همسر
درصد	مطلق	
۱۴/۷	۱۹	بی سواد
۱۹/۴	۲۵	۵-۱
۱۶/۳	۲۱	۸-۶
۳۸	۴۹	۱۲-۹
۱۱/۶	۱۵	۱۶-۱۳
۱۰۰	۱۲۹	جمع

تحصیلات پدر و مادر: بیشترین فراوانی میزان تحصیلات پدر مربوط به طبقه بی سواد با ۴۱/۶ درصد و در مرتبه دوم ۱۸/۸ درصد در حد ابتدایی و ۱۸/۲ درصد در حد راهنمایی می باشد. همچنین بیشترین فراوانی میزان تحصیلات مادر در طبقه بی سواد با ۵۶/۵ درصد می باشد و در درجه بعدی تحصیلات ابتدایی با ۲۲/۱ درصد و در اولویت سوم تحصیلاتی در حد راهنمایی با ۱۱ درصد بیشترین فراوانیهای تحصیلات مادر را به خود اختصاص می دهد. (جدول ۲۵-۳)

جدول ۲۵-۳ میزان تحصیلات پدر و مادر

مادر		پدر		تحصیلات
درصد	مطلق	درصد	مطلق	
۵۶/۵	۸۷	۴۱/۶	۶۴	بی سواد
۲۲/۱	۳۴	۱۸/۸	۲۹	۵-۱
۱۱	۱۷	۱۸/۲	۲۸	۸-۶
۷/۱	۱۱	۱۶/۲	۲۵	۱۲-۹
۱/۹	۳	۳/۲	۵	۱۶-۱۳
۱/۳	۲	۱/۹	۳	۲۱-۱۷
۱۰۰	۱۵۴	۱۰۰	۱۵۴	جمع

۱-۳-۳-۳- ارتباط میزان تحصیلات با متغیرهای جرم

میزان تحصیلات (پدر - مادر، پاسخگو، همسر) با متغیر میزان محکومیت (شدت مجازات) رابطه منفی دارد. بدین معنا که افراد با سطح تحصیلات پایین تر مرتکب جرائم سنگین تر با شدت مجازات بیشتری شده اند و این متغیر در مورد سواد پدر و مادر و همسر پاسخگو نیز صدق می کند یعنی اگر سطح تحصیلات کلی خانواده پایین باشد، فرد مرتکب جرم با شدت مجازات بیشتری شده است. همچنین متغیر میزان تحصیلات با سن شروع جرم نیز رابطه منفی نشان می دهد یعنی افراد با سطح تحصیلات کمتر، از سنین پایین تری مرتکب جرم می شوند. همینطور متغیر میزان تحصیلات با نوع جرم ارتكابی رابطه معناداری را بیان می کند. (۲۶-۳)

جدول ۲۶-۳ همبستگی بین میزان تحصیلات با متغیرهای جرم

سوالات	پاسخگو	سطح معناداری	همسر	سطح معناداری	پدر	سطح معناداری	مادر	سطح معناداری
نوع جرم*	۶۴/۸۶۵	۰/۰۰۰	۴۰/۲۲۹	۰/۰۲۰	۴۹/۹۹۳	۰/۰۱۲	۴۹/۹۹۳	۰/۰۱۲
میزان محکومیت	-۰/۱۹۷	۰/۰۱۴	-۰/۲۳۱	۰/۰۰۸	۰/۱۵۲	۰/۰۵۹	-۰/۱۹۷	۰/۰۱۴
مدت ارتكاب	-۰/۱۵۷	۰/۰۵۱	-۰/۰۳۴	۰/۶۹۵	-۰/۰۳۲	۰/۶۹۱	-۰/۰۸۳	۰/۳۰۶
سن شروع جرم	-۰/۱۲۶	۰/۱۲۰	-۰/۱۲۷	۰/۱۵۰	-۰/۱۴۳	۰/۰۷۶	-۰/۱۴۹	۰/۰۶۴
تعداد دفعات زندان	-۰/۰۴۲	۰/۶۰۹	۰/۰۹۹	۰/۲۶۰	۰/۰۱۵	۰/۸۴۹	-۰/۰۳۴	۰/۶۷۶
تعداد جرم فعلی	-۰/۰۷۲	۰/۳۷۱	۰/۰۶۰	۰/۴۹۷	-۰/۰۱۹	۰/۸۱۴	۰/۰۵۲	۰/۵۱۴

*نوع جرم پاسخگو در سطح سنجنش اسمی سنجیده شده و از آزمون همبستگی X^2 استفاده شده است.

۴-۳-۳- وضعیت خانواده

نابسامانی خانواده: بررسی وضعیت خانواده پاسخگویان تا حدی گویای عوامل موثر بر جرم می باشد. خانواده از جهات گوناگونی بر وقوع جرم مؤثر می باشد که در این قسمت به بررسی آنها می پردازیم. یکی از عوامل اساسی در بروز جرم نابسامانی خانواده می باشد. این متغیر توسط چند سوال مورد سنجنش قرار گرفته است. معرفهای این متغیر عبارتند از تعداد ازدواجهای پدر -

تعداد ازدواجهای مادر - و تعداد ازدواجهای پاسخگو و جدایی از همسر و علت آن.
 تعداد دفعات ازدواج پدر: همانطور که در جدول شماره ۳-۲۷ دیده می شود ۶۵/۶ پدر
 پاسخگویان، درصد تنها یکبار ازدواج نموده و ۳۴/۴ درصد بیش از ۲ بار ازدواج نموده اند.
 (جدول ۳-۲۷)

جدول ۳-۲۷ تعداد دفعات ازدواج پدر

فراوانی		دفعات ازدواج
درصد	مطلق	
۶۵/۶	۱۰۱	۱
۲۷/۳	۴۲	۳-۲
۳/۹	۶	۵-۴
۲/۶	۴	۷-۶
۰/۶	۱	۹-۸
۱۰۰	۱۵۴	جمع

تعداد دفعات ازدواج مادر: در بین مادر پاسخگویان ۷۰/۸ درصد تنها یکبار ازدواج نموده و
 ۲۹/۲ درصد بیش از یکبار ازدواج داشته اند (جدول ۳-۲۸).

جدول ۳-۲۸ تعداد دفعات ازدواج مادر

فراوانی		دفعات ازدواج
درصد	مطلق	
۷۰/۸	۱۰۹	۱
۲۶/۶	۴۱	۲
۱/۹	۳	۳
۰/۶	۱	۵
۱۰۰	۱۵۴	جمع

تعداد دفعات ازدواج پاسخگو: از این پاسخگویانی که ازدواج نموده اند، ۵۹/۷ درصد تنها یکبار
 ازدواج کرده و ۴۰/۳ درصد بیش از دو بار ازدواج داشته اند (جدول ۳-۲۹)

جدول ۲۹-۳ تعداد دفعات ازدواج پاسخگو

فراوانی		دفعات ازدواج
درصد	مطلق	
۵۹/۷	۷۷	۱
۳۲/۶	۴۲	۲
۶/۲	۸	۳
۱/۶	۲	۴
۱۰۰	۱۲۹	جمع

از بین متاهلین $N=129$ تنها ۶۸ نفر یعنی ۵۲/۸ درصد با همسران خود زندگی می‌کنند و ۶۱ نفر یعنی ۴۷/۲ درصد به دلایلی از همسر خود جدا شده‌اند که در جدول ۳۰-۳ منعکس می‌باشد.

جدول ۳۰-۳ علل جدایی از همسر

فراوانی		علل جدایی
درصد	مطلق	
۱۰/۹	۱۴	فوت
۳۴/۹	۴۵	طلاق
۰/۸	۱	ترک خانه
۰/۸	۱	غیره
۵۲/۷	۶۸	نامربوط
۱۰۰	۱۲۹	جمع

بعد خانوار: کثرت فرزند (تعداد خواهران و برادران) و وضع عاطفی که بر فضای کانون خانواده حاکم است. یکی از عوامل مهم در بروز جرم می‌باشد. پژوهش «مرکز ملی مطالعات و تحقیقات زندانبانی» (۳۹) به موجب آمارهای متعدد این نکته را تایید می‌کند که خانواده‌هایی که از میان آنان بزهکاران برخاسته‌اند بیشتر از حد متوسط تعداد فرزندان عموم خانواده‌ها فرزند داشته‌اند. (کی‌نیا، ۱۳۷۳، ۶۹۱)

جدول ۳۱-۳ جدول بعد خانوار

فراوانی		تعداد خواهر و برادر
درصد	مطلق	
۲۳/۴	۳۶	۳-۱
۴۰/۳	۶۲	۶-۴
۲۸/۶	۴۴	۹-۷
۵/۸	۹	۱۲-۱۰
۱/۹	۳	۱۵-۱۳
۱۰۰	۱۵۴	جمع

مطابق جدول ۴۰/۳ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ خواهر و برادر دارند و در اولویت بعدی ۲۸/۶ درصد پاسخگویان ۷ تا ۹ خواهر و برادر دارند و ۲۳/۴ درصد نیز بین ۱ تا ۳ خواهر و برادر دارند. موضع و مرتبه پاسخگو در خانواده: چندمین فرزند خانواده بودن نیز به نوعی در بروز جرم موثر می باشد اطلاعات مندرج در جدول ۳۲-۳، حاکی از این است که ۳۹ درصد پاسخگوها فرزند دوم یا سوم بوده اند. در اولویت دوم با ۲۹/۹ درصد فرزند اول و با ۱۸/۲ درصد فرزند چهارم یا پنجم بوده اند. (جدول ۳۲-۳ حاکی از وضع و مرتبه پاسخگو در بین خواهران و برادران خود می باشد.

جدول ۳۲-۳ مرتبه پاسخگو

فراوانی		چندمین فرزند
درصد	مطلق	
۲۹/۹	۴۶	۱
۳۹	۶۰	۳-۲
۱۸/۲	۲۸	۵-۴
۷/۸	۱۲	۷-۶
۱/۹	۳	۹-۸
۳/۲	۵	۱۲-۱۰
۱۰۰	۱۵۴	جمع

وجود اختلاف: از معرفهای دیگر نابسامانی خانواده وجود اختلاف بین والدین بوده که همانطور که جدول ۳-۳۳ دیده می شود ۶۰/۴ درصد حاکی از اختلاف بین پدر و مادر و ۳۴/۴ درصد بدون اختلاف و مشکل می باشد.

جدول ۳-۳۳ اختلاف در خانواده

فرآوانی		اختلاف در خانواده
درصد	مطلق	
۳۴/۴	۵۳	خیر
۶۰/۴	۹۳	بلی
۵/۲	۸	بی جواب
۱۰۰	۱۵۴	جمع

طرح مشکل: یکی دیگر از معرفهای وضعیت خانوادگی و نابسامانی آن طرح مسئله و مشکل می باشد که فرد تا چه میزان مسائل مطروحه در زندگی خویش را بیان می کند و در وهله اول با چه کسی مشورت می کند. مطابق جدول ۳-۳۴ از میان پاسخگویان، ۴۴/۲ درصد مشکل خود را با والدین مطرح و از آنها کمک می خواستند و ۲۶ درصد از پاسخگویان مسائل خود را با هیچکس در میان نمی گذاشتند چون اعتقاد داشتند کسی به حرف و درد و دل آنها گوش نمی دهد یا در موردی (پاسخگوی ۱۳) می گوید «بادیوار، با اشکهایم گریه می کردم و با آینه حرف می زدم» و (پاسخگوی ۶۲) می گوید «با خانواده تا آن اندازه راحت نبودم که مشکلم را به آنها بگویم» و در اولویت سوم طرح مسئله و مشکل با فامیل است که ۸/۴ درصد پاسخها را خود اختصاص می دهد. (جدول ۳-۳۴)

جدول ۳-۳۴ طرح مشکل

فراوانی		اولویت طرح مشکل
درصد	مطلق	
۴۴/۲	۶۸	پدر و مادر
۶/۵	۱۰	خواهر و برادر
۳/۲	۵	همسایه
۵/۲	۸	دوست
۸/۴	۱۳	فامیل
۱/۳	۲	غیره
۲۶	۴۰	هیچکس
۵/۲	۸	بی مشکل - بی جواب
۱۰۰	۱۵۴	جمع

وابستگی خانوادگی: همانطور که در بخش چهارچوب تئوریکي به آن اشاره شد، هرچه میزان پیوند و وابستگی بین والدین و فرزندان بیشتر باشد احتمال بروز کجروی کمتر می شود. این متغیر بوسیله چهار معرف سنجیده شده است که نتایج آن در جدول ۳-۳۵ منعکس می باشد.

جدول ۳-۳۵ وابستگی خانوادگی

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۱۸/۲	۲۸	خیلی کم
۱۹/۵	۳۰	کم
۲۳/۴	۳۶	تاحدودی
۲۶	۴۰	زیاد
۱۳	۲۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۵۴	جمع

بر اساس اطلاعات جدول فوق ۲۶ درصد پاسخگویان وابستگی یا تعلق خاطر زیادی بین خود و والدین احساس می‌کردند و ۲۳/۴ درصد تعلق خاطر به والدین خود داشتند و ۱۹/۵ درصد پاسخگویان به میزان کمی تعلق خاطر داشتند.

نظارت و کنترل خانواده: نظارت موثر والدین با انحراف ارتباط مستقیمی دارد. سرپرستی صمیمانه و مشارکت آمیز و نظارت مناسب نظیر رسیدگی دقیق و نظم ثابت در بررسیهای تجربی با انحراف رابطه همبستگی را بیان کرده‌اند. برای سنجش این متغیر از سه معرف استفاده گردید مطابق جدول ۳-۳۶ میزان نظارت والدین در طبقه زیاد و خیلی زیاد ۵۵/۷ درصد می‌باشد و این میزان ۱۲/۹ درصد در طبقه کم و خیلی کم می‌باشد و ۳۱/۲ درصد پاسخگویان نیز میزان نظارت متوسطی را بیان کرده‌اند.

جدول ۳-۳۶ نظارت خانواده

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۵/۸	۹	خیلی کم
۷/۱	۱۱	کم
۳۱/۲	۴۸	تاحدودی
۳۹/۵	۶۱	زیاد
۱۶/۲	۲۵	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۵۴	جمع

انسجام زوجین: این متغیر بوسیله ۴ سوال مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳-۳۷ منعکس می‌باشد. مطابق جدول ۳۷/۳ درصد پاسخگویان متاهل با همسرانشان رابطه صمیمانه و توافق فکری داشتند و ۴۵/۷ درصد رابطه صمیمانه‌ای در حد خیلی کم و کم با همسرانشان داشتند و ۱۷/۲ رابطه‌ای در حد متوسط.

جدول ۳-۳۷ میزان انسجام زوجین

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۲۴	۳۱	خیلی کم
۲۱/۷	۲۸	کم
۱۷/۱	۲۲	تاحدودی
۲۰/۲	۲۶	زیاد
۱۷/۱	۲۲	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۹	جمع

نسبت با همسر : از بین پاسخگویان متأهل ۴۱/۱ درصد با فردی غریبه (از شهر دیگر) ازدواج نموده و ۲۰/۹ درصد با همشهریان خود ازدواج کرده و ۱۸/۶ درصد با افراد همسایه و هم محله خود ازدواج نموده‌اند. (جدول ۳-۳۸)

جدول ۳-۳۸ نسبت با همسر

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۳/۱	۴	فامیل نزدیک
۲۰/۹	۲۷	همشهری
۱۸/۶	۲۴	هم محلی
۹/۳	۱۲	فامیل دور
۴۸/۱	۶۲	از شهر دیگر
۱۰۰	۱۲۹	جمع

۱-۴-۳-۳- ارتباط وضعیت خانواده‌گی با متغیرهای جرم

از بین متغیرهایی که نابسامانی خانواده را مورد سنجش قرار می‌داد، می‌توان به رابطه معناداری متغیرهای زیر اشاره نمود.

تعداد دفعات ازدواج پدر با متغیر مدت ارتکاب جرم پاسخگویان با ضریب همبستگی ۰/۲۵۶ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و با متغیر تعداد دفعات زندان پاسخگو با ضریب همبستگی ۰/۲۱۴۰ در سطح معناداری ۰/۰۰۸ رابطه نشان می‌دهد. همچنین تعداد خواهر و برادر با میزان محکومیت و تعداد جرم فعلی پاسخگو رابطه معناداری را بیان می‌کند و وضع و مرتبه پاسخگو در خانواده با هیچکدام از متغیرهای جرم رابطه معناداری را بیان نمی‌کرد (جدول ۳-۳۹).

جدول ۳۹-۳ رابطه نابسامانی خانوادگی بامتغیرهای جرم

سوال	تعداد	سطح	تعداد	سطح	بچه	سطح
ازدواج پدر	معناداری	خواهر و برادر	معناداری	چندم*	معناداری	معناداری
مدت ارتکاب جرم	۰/۲۵۶	۰/۰۰۱	۰/۱۲۶۹	۰/۱۱۷	۷/۰۸۲	۰/۲۱۴۶
تعداد دفعات زندان	۰/۲۱۴۰	۰/۰۰۸	۰/۱۵۹۸	۰/۰۴۹	۱۹/۸۹۱	۰/۸۳۵۲
میزان محکومیت	۰/۰۱۹۲	۰/۸۱۳	۰/۱۵۸۹	۰/۰۵۰	۶/۱۸۰	۰/۵۱۸
سن شروع جرم	۰/۰۳۸۳	۰/۶۳۷	۰/۰۸۸	۰/۲۷۴	۳/۳۰۴	۰/۵۰۸

* همبستگی وضع و مرتبه پاسخگو (بچه چندم) با بقیه متغیرها از طریق آزمون آماری χ^2 محاسبه شده است.

همچنین براساس مقایسه میانگین‌های وجود اختلاف بین والدین مندرج در جدول ۴۰-۳ تفاوت معنادرای بین دو گروه ملاحظه می‌شود. میانگین سن شروع جرم در گروهی که والدین آنها اختلافی نداشتند ۲۸ سال و میانگین سن شروع جرم در مورد پاسخگویانی که والدین آنها اختلاف داشتند ۲۴ سال می‌باشد.

جدول ۴۰-۳ رابطه اختلاف والدین بامتغیرهای جرم

سوال	مقولات	تعداد موارد	میانگین	T	معناداری
سن شروع جرم	با اختلاف	۹۳	۲۴/۰۶۵۴	۲/۷۱	۰/۰۰۸
	بدون اختلاف	۵۳	۲۸/۷۱۷۰		
میزان محکومیت	با اختلاف	۹۳	۸/۳۳۳۳	۱/۴۲	۰/۱۵۸
	بدون اختلاف	۵۳	۱۰/۲۴۵۳		
مدت ارتکاب جرم	با اختلاف	۹۳	۴/۲۳۶۶	-۰/۷۱	۰/۴۷۶
	بدون اختلاف	۵۳	۳/۵۴۷۲		
تعداد دفعات زندان	با اختلاف	۹۳	۱/۹۳۵۵	۱/۰۱	۰/۳۱۳
	بدون اختلاف	۵۳	۲/۳۳۹۶		
تعداد جرم فعلی	با اختلاف	۹۳	۱/۲۲۵۸	-۰/۲۰	۰/۸۴۳
	بدون اختلاف	۵۳	۱/۲۰۷۵		

همانطور که سمیت و کران (smith an krohn) در مقاله خود اشاره نموده‌اند فرایندهای خانوادگی (family processes) برای مثال وابستگی و نظارت از اهمیت زیادی برخوردارند، که مطابق جدول ۳-۴۱ فقط وابستگی خانوادگی با متغیر تعداد جرم فعلی پاسخگویان با ضریب همبستگی ۰/۱۶۹۱- در سطح معناداری ۰/۰۳۶ رابطه نشان می‌دهد. و این بیانگر این است که پاسخگوییانی که وابستگی کمتری به والدین خود داشتند تعداد جرائم بیشتری را مرتکب شده‌اند. در ضمن اگر چه متغیر نظارت والدین با متغیرهای جرم رابطه معناداری را بیان نمی‌کند ولی علامت رابطه گویای این مطلب است که با کاهش نظارت والدین بر میزان محکومیت و مدت ارتکاب جرم و تعداد دفعات زندانی پاسخگویان افزایش شده است. (جدول ۳-۴۱)

جدول ۳-۴۱ رابطه فرایندهای خانوادگی با متغیرهای جرم

سئوالات	نظارت	سطح معناداری	وابستگی	سطح معناداری
میزان محکومیت	-۰/۱۱۷۶	۰/۱۴۶	-۰/۰۳۱۲	۰/۷۰۲
سن شروع جرم	۰/۱۴۴	۰/۱۵۶	۰/۰۶۸۷	۰/۳۹۷
مدت ارتکاب جرم	-۰/۰۸۱۹	۰/۳۱۳	۰/۰۶۹۴	۰/۳۹۲
تعداد دفعات زندان	-۰/۱۱۶۰	۰/۱۵۲	۰/۱۳۴۹	۰/۰۹۵
تعداد جرم فعلی	-۰/۱۱۳۰	۰/۱۶۳	-۰/۱۶۹۱	۰/۰۳۶

همینطور رابطه همبستگی بین میزان انسجام زوجین و متغیرهای جرم حاکی از رابطه معناداری بین میزان انسجام زوجین با میزان محکومیت (شدت مجازات) با ضریب همبستگی ۰/۱۹۷۱- در سطح معناداری ۰/۰۱۴ می‌باشد و این بدان معناست که هرچه از میزان توافق و انسجام زوجین کاسته می‌شود به میزان محکومیت پاسخگویان اضافه می‌شود. همچنین بین میزان انسجام زوجین با متغیر سن شروع جرم رابطه معناداری (۰/۰۰۱) با شدت همبستگی ۰/۳۳۴۷- وجود دارد که حاکی از این می‌باشد که زنانی که با همسران خود تفاهم و توافق کافی نداشته‌اند از سنین بالاتری شروع به فعالیت‌های جرمی نموده‌اند.

وجود اختلاف و عدم درک مشترک و ناسازگاری بین زوجین باعث دل‌سردی و حتی انجام اعمال انحرافی به دور از چشم همسر به منظور رفع نیازها می‌شود. که گاهی این مسئله با اعمال انحرافی همسر نیز شدت می‌گیرد به این صورت که زنانی که دارای شوهران خلافکار بوده‌اند بر اثر آموزش

و یادگیری به مراتب جرم سنگین تری از همسران خود مرتکب شده‌اند یا پاسخگوییانی که جرم همسرانشان را به خود منتقل کرده‌اند (به اصطلاح جرم شوهرش را نیز به گردن گرفته) به مراتب جرم سنگین تر با شدت مجازات بیشتری دارند. بدلیل اینکه دامنه متغیر انسجام زوجین کم می‌باشد، لذا متغیر انسجام زوجین و سن شروع جرم رابطه معکوس نشان می‌دهد.

جدول ۴۲-۳ رابطه انسجام زوجین با متغیرهای جرم

سوالات	انسجام زوجین	سطح معناداری
میزان محکومیت	-۰/۱۹۷۱	۰/۰۱۴
سن شروع جرم	-۰/۳۳۴۷	۰/۰۰۰
مدت ارتکاب جرم	-۰/۰۸۴۴	۰/۲۹۸
تعداد دفعات زندان	-۰/۰۷۸۹	۰/۳۳۱
تعداد جرم فعلی	۰/۰۲۷۹	۰/۷۳۱

مقایسه میانگین‌های سن شروع جرم تفاوت معناداری بر حسب علل جدایی از همسران نشان می‌دهد به عبارت دیگر توزیع میانگین‌های سن شروع جرم در افرادی که از همسران خود جدا شده‌اند بر حسب علل جدایی متفاوت می‌باشد ضریب همبستگی Eta رابطه سن شروع جرم و علت جدایی از همسر را برابر با ۰/۳۱۱۲ نشان می‌دهد (جدول ۴۳-۳ و ۴۴-۳).

جدول ۴۳-۳ تحلیل واریانس سن شروع جرم و علت جدایی از همسر

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	احتمال معناداری
بین گروهی	۳	۱۰۱۰/۶۳۱۸	۳۳۶/۸۷۷۳	۳/۰۹۶۶	۰/۰۳۳
درون گروهی	۶۳	۶۸۵۳/۶۶۶۷	۱۰۸/۷۸۸۴		
مجموع	۶۶	۷۸۶۶/۲۹۸۵	Eta = ۰/۳۱۱۲	۰/۰۹۶۸	Eta ² =

جدول ۴۴-۳. مقایسه میانگین سن شروع جرم بر حسب علت جدایی از همسر

تعداد	انحراف معیار	سن شروع جرم	علت جدایی
۴	۱۷/۳۴۶۹	۴۲/۲۵	فوت همسر
۲۷	۹/۶۵۳۰	۲۵/۴۴	طلاق
۲۴	۱۱/۰۸۳۲	۲۷/۸۳	ترک خانه
۱۲	۷/۹۹۳۸	۲۶/۰۸	غیره

۵-۳-۳- حوزه‌های بزهکاری

این متغیر بوسیله معرف‌هایی چون روابط با همسایگان منحرف، میزان جابجائی، محل تولد، علت مهاجرت، مدت اقامت در تهران و مجرمیت در بین اعضای خانواده سنجیده شده‌اند که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

محل تولد: محل تولد ۵۹/۱ درصد پاسخگویان تهران و ۳۹/۶ درصد در شهرهای دیگر و ۱/۳ درصد در روستا می‌باشد (جدول ۳-۴۵).

جدول ۳-۴۵ محل تولد

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۱/۳	۲	روستا
۳۹/۶	۶۱	شهرستان
۵۹/۱	۹۱	تهران
۱۰۰	۱۵۴	جمع

مهاجرت: از بین پاسخگویانی که به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند، علت مهاجرت را پرسیده و در پاسخ ۵۷/۲ درصد پاسخگویان علت مهاجرت خود را پیدا کردن شغل برای خود یا همسر یا والدین ذکر نموده‌اند و عده معدودی هم به منظور ادامه تحصیلات (خود - همسر) به تهران مهاجرت نموده‌اند از دواج علت دیگر مهاجرت به تهران است که ۱۷/۴ درصد پاسخها را به خود اختصاص می‌دهد (جدول ۳-۴۶).

جدول ۳-۴۶ علت مهاجرت

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۱۷/۴	۱۱	ازدواج
۵۷/۲	۳۶	کار و تحصیل
۹/۶	۶	فرار
۱۵/۸	۱۰	غیره
۱۰۰	۶۳	جمع

مدت اقامت : مدت اقامت در تهران ۳۱/۷ درصد پاسخگویان بین یک تا ده سال و ۲۷ درصد بین یازده تا بیست سال و ۱۹ درصد بین بیست و یک تا سی سال می باشد (جدول ۴-۴۷).

جدول ۴۷-۳ مدت اقامت در تهران

فراوانی		طبقات جواب سال
درصد	مطلق	
۳۱/۷	۲۰	۱۰-۱
۲۷	۱۷	۲۱-۱۱
۱۹	۱۲	۳۰-۲۱
۱۵/۹	۱۰	۴۰-۳۱
۶/۳	۴	۴۱ و بیشتر
۱۰۰	۶۳	جمع

وضعیت مسکن : مسکن و محل سکونت یکی از معرفهای حوزه های بزهکاری می باشد مسکن از جهات مختلف می تواند در بروز جرم مؤثر باشد، لیکن منظور ما در این تحقیق مسئله مالکیت مسکن می باشد که نتایج حاصل در جدول ۴۸-۳ منعکس می باشد.

براساس نتایج جدول ۴۶/۸ درصد پاسخگویان در منازل استیجاری سکونت داشتند و ۴۱/۶ درصد پاسخگویان دارای منزل شخصی بودند و ۹/۷ درصد نیز در منزل اقوام یا منازل سازمانی سکونت داشتند.

جدول ۴۸-۳ وضعیت مسکن

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۴۶/۸	۷۲	اجاره نشین
۹/۷	۱۵	اقوام، سازمانی
۴۱/۶	۶۴	شخصی
۱/۹	۳	بی جواب
۱۰۰	۱۵۴	جمع

منطقه سکونت : محل زندگی و منطقه سکونت ۲۲/۱ درصد پاسخگویان در مناطق مرکزی شهر تهران و ۲۰/۱ درصد منطقه سکونت پاسخگویان در جنوب شهر و ۱۹/۵ درصد در منطقه شرق تهران سکونت داشتند و ۱۴/۵ درصد پاسخگویان نیز در مناطق شمالی تهران سکونت داشتند. (جدول ۳-۴۹)

جدول ۳-۴۹ منطقه سکونت پاسخگویان

فراوانی		منطقه سکونت
درصد	مطلق	
۱۴/۹	۲۳	شمال
۶/۵	۱۰	غرب و شمال غربی
۱۹/۵	۳۰	شرق
۲۲/۱	۳۴	مرکز
۲۰/۱	۳۱	جنوب
۶/۵	۱۰	حومه
۱۰/۴	۱۶	بی جواب
۱۰۰	۱۵۴	جمع

خلاف در همسایگی : اطلاع از همسایگان خلافاً یکی دیگر از معرفتهای حوزه بزهکاری می باشد اطلاعات مندرج در جدول ۳-۵۰ حاکی از این است که ۲۲/۷ درصد پاسخگویان در همسایگی خود کسانی را می شناختند که سابقه دستگیری و زندان داشتند و ۶۳/۶ درصد پاسخگویان در همسایگی خود افرادی با سابقه زندان یا دستگیری نداشتند. (جدول ۳-۵۰)

جدول ۳-۵۰ اطلاع از همسایه خلافاً

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۶۳/۶	۹۸	خیر
۲۲/۷	۳۵	بلی
۱۱/۷	۱۸	بی اطلاع
۱/۹	۳	بی جواب
۱۰۰	۱۵۴	جمع

میزان جابجایی: یکی دیگر از معرفیهای حوزه بزهکاری میزان جابجایی از مکانی به مکان دیگر است برای سنجش میزان جابجایی این سؤال پرسیده شد که در ۵ یا ۶ سال گذشته چند بار خانه‌تان را عوض کرده‌اید؟

در پاسخ به این سؤال، ۳۹ درصد پاسخگویان بین ۱ تا ۲ بار منزل مسکونی خود را عوض کرده‌اند و ۳۳/۸ درصد اصلاً منزل خود را عوض نکرده و ۱۵/۶ درصد بین ۳ تا ۴ بار منزل خود را عوض نموده‌اند (جدول ۵۱-۳).

جدول ۵۱-۳ میزان جابجایی

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۳۳/۸	۵۲	بدون تعویض
۳۹	۶۰	۱-۲
۱۵/۶	۲۴	۳-۴
۷/۱	۱۱	۵-۶
۴/۵	۷	۷ و بیشتر
۱۰۰	۱۵۴	جمع

مجرمیت در خانواده: به منظور بررسی تأثیر محیط خانوادگی و وجود اعضای خلافکار بدین شرح مطرح شد.

در بین اعضای خانواده‌تان کسی هم بوده که کاری کرده باشد و دستگیر و زندانی بشود؟ چند نفر بوده‌اند؟ چه نسبتی با شما دارند؟ جرمشان چه بوده؟

وجود اعضای خلافکار: همانطور که در بخش تئوریکي به آن اشاره شد، عمل مجرمانه آموختنی است و بخش اعظم آموزش رفتار در گروههای نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد و لذا خانواده که فرد عضوی از آن است و یادگیری نیز در درون آن آغاز می‌شود نقش بسزایی در یادگیری و ایفای نقش نابهنجار دارد.

جدول ۵۲-۳ حاکی از وجود ۶۸/۸ درصد اعضای خلافکار در خانواده و ۳۱/۲ درصد عدم خلاف اعضای خانواده می‌باشد.

جدول ۵۲-۳ خلاف اعضای خانواده

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۳۱/۲	۴۸	خیر
۶۸/۸	۱۰۶	بلی
۱۰۰	۱۵۴	جمع

تعداد اعضای مجرم: در بین اعضای خانواده ۸۳ درصد پاسخگویان بین ۱ تا ۲ نفر فرد مجرم (خلافکار) وجود داشت و ۱۰/۴ درصد پاسخگویان بین ۳ تا ۴ نفر فرد خلافکار در خانواده خود داشتند.

مجردین بیشتر افراد خلافکار در خانواده را پدر و مادر و برادر خود می دانستند و متأهلین در درجه اول همسر و در درجه دوم از پدران یاد می کردند. بدین ترتیب مجرمیت در خانواده تاثیر زیادی بر روی فرد در بروز رفتارهای ناپهناجا دارد. (جدول ۵۳-۳)

جدول ۵۳-۳ تعداد اعضای مجرم خانواده

فراوانی		طبقات جواب (نفر)
درصد	مطلق	
۸۳	۸۸	۱-۲
۱۰/۴	۱۱	۳-۴
۲/۸	۳	۵-۶
۳/۸	۴	۷ و بیشتر
۱۰۰	۱۰۶	جمع

نسبت بستگان مجرم با پاسخگو: به منظور طبقه بندی نسبت مجرم با پاسخگویان سه طبقه به شرح زیر تهیه شد.

طبقه اول: بستگان درجه اول شامل: پدر - مادر - همسر - خواهر - برادر - فرزندان

طبقه دوم: بستگان درجه دوم شامل: عمو - عمه - دایی - خاله، همسران و فرزندانشان

طبقه سوم: شامل بستگان درجه اول و دوه (جدول ۵۴-۳)

جدول ۵۴-۳ نسبت بستگان مجرم با پاسخگو

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۶۷	۷۱	بستگان درجه اول
۱۳/۲	۱۴	بستگان درجه دوم
۱۹/۸	۲۱	بستگان درجه اول و دوم
۱۰۰	۱۰۶	جمع

نوع جرم بستگان مجرم: همانطور که در چهارچوب تئوریکي به آن اشاره شد، فرد در خانواده ارزشها و هنجارها را می آموزد و حتی در مورد مجرمین می توان با قاطعیت گفت نوع جرم آنها با نوع جرم آموخته شده در خانواده مرتبط می باشد. جدول ۵۵-۳ حاوی اطلاعات نوع جرم بستگان می باشد. مطابق جدول ۵۹/۵ درصد بستگان مرتکب جرم مواد مخدر شده اند و ۱۴/۵ درصد جرائم دیگر از قبیل شرارت، تصادف منجر به مرگ و جرائم سیاسی داشتند و در مرتبه سوم ۹/۲ درصد بستگان به جرم قتل محکوم و زندانی شده اند. (جدول ۵۵-۳).

جدول ۵۵-۳ نوع جرم بستگان

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۵۹/۵	۷۸	مواد
۷/۶	۱۰	سرقه
۴/۶	۶	کلاهبرداری
۹/۲	۱۲	قتل
۴/۶	۶	رابطه
۱۴/۵	۱۹	جرائم دیگر
۱۰۰	۱۱۳	جمع*

* توضیح جدول: بعضی از بستگان محکوم شده بیش از یک نوع جرم داشته و لذا جمع فراوانیهای مطلق این جدول با جمع فراوانیهای مطلق جدول ۳-۵۳ مساوی نمی باشد.

۱-۵-۳-۳- ارتباط حوزه‌های بزهکاری با متغیرهای جرم

تحلیل واریانس بین محل تولد و سن شروع جرم حاکی از وجود تفاوت معنادار در میانگین‌های دو متغیر فوق می باشد. مطابق جدول ۳-۵۷ میانگین سن شروع جرم پاسخگویانی که محل تولد آنها روستا می باشد ۱۹ سال و میانگین سن شروع جرم متولدین شهر تهران ۲۳ سال و سایر شهرستانها ۲۹ سال می باشد. گرچه ضریب همبستگی یا Eta رابطه‌ای در حد ۰/۲۸۸۲ را بیان می کند ولی مقایسه میانگین‌های سن شروع جرم بر حسب محل تولد متفاوت می باشد. به دلیل تعداد کم پاسخگویانی که متولد روستا بودند، میانگین سن شروع جرم ۱۹ سال می باشد و اگر تعداد پاسخگویان متولد روستا بیشتر بودند قطعاً این میانگین افزایش می یافت.

جدول ۳-۵۶ تحلیل واریانس محل تولد با سن شروع جرم

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	احتمال معناداری
بین گروهی	۲	۱۳۰۵/۱۲۹۰	۶۵۲/۵۶۴۵	۶/۸۳۷۵	۰/۰۰۱۴
درون گروهی	۱۵۱	۱۴۴۱۱/۳۴۵۰	۹۵/۴۳۹۴		
مجموع	۱۵۳	۱۵۷۱۶/۴۷۴۰	Eta=۰/۲۸۸۲	۰/۰۸۳۰	Eta ² =

جدول ۳-۵۷ مقایسه میانگین سن شروع جرم بر حسب محل تولد

محل تولد	سن شروع جرم	انحراف معیار	تعداد
روستا	۱۹/۰۰	۸/۴۸۵۳	۲
شهرستان	۲۹/۴۷۵۴	۱۱/۰۹۴۵	۶۱
تهران	۲۳/۷۲۵۳	۸/۷۹۰۲	۹۱

همچنین میزان همبستگی مدت اقامت در تهران با سن شروع جرم ۰/۴۸۳۰ در سطح معناداری ۹۹/۹ درصد را بیان می کند. ضریب همبستگی میزان جابجائی با تعداد جرم فعلی ۰/۲۳۷۶- در سطح معناداری ۰/۰۰۴ می باشد. همچنین میزان مجرمیت و تعداد اعضای

خلافکار در خانواده با متغیرهای تعداد دفعات زندان (سابقه) و مدت ارتکاب جرم رابطه همبستگی معنادار و مثبتی را بیان می‌کنند. این رابطه بین دو متغیر تعداد اعضای خلافکار و تعداد دفعات زندان پاسخگو برابر $0/2859$ در سطح معناداری $0/003$ و مدت ارتکاب به جرم و تعداد اعضای خلافکار برابر با $0/2137$ در سطح معناداری $0/028$ می‌باشد (جدول ۳-۵۸) یعنی پاسخگویی که در خانواده خود فرد خلافکاری داشتند سابقه زندان بیشتر و همچنین مدت زمان بیشتری را در کارهای انحرافی سپری کرده‌اند.

جدول ۳-۵۸ رابطه حوزه‌های بزهکاری با متغیرهای جرم

سوال	مدت اقامت	سطح معناداری	میزان جابجائی	سطح معناداری	تعداد اعضاء مجرم	سطح معناداری
تعداد دفعات زندان	$0/1630$	$0/202$	$-0/0866$	$0/95$	$0/2859$	$0/003$
تعداد جرم فعلی	$0/1116$	$0/384$	$-0/2376$	$0/004$	$0/335$	$0/733$
سن شروع جرم	$0/4830$	$0/000$	$-0/1217$	$0/141$	$-0/1380$	$0/158$
میزان محکومیت	$-0/509$	$0/692$	$-0/0627$	$0/449$	$-0/1240$	$0/206$
مدت ارتکاب جرم	$0/2045$	$0/108$	$0/0252$	$0/761$	$0/2137$	$0/028$

مقایسه میانگین‌های تعداد جرم فعلی با وضعیت مسکن تفاوت معناداری را بیان می‌کند. ضریب همبستگی Eta رابطه تعداد جرم فعلی و وضعیت مسکن برابر با $0/2057$ می‌باشد و Eta^2 برابر $0/0423$ می‌باشد که شدت همبستگی ضعیف می‌باشد (جدول ۳-۵۹ و ۳-۶۰).

جدول ۳-۵۹ تحلیل واریانس وضعیت مسکن با تعداد جرم فعلی

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجذورات میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال معناداری
بین گروهی	۲	$33/240$	$16/6200$	$0/048$
درون گروهی	۱۴۸	$752/3361$	$5/0834$	
مجموع	۱۵۰	$785/5762$	$Eta = 0/2057$	$Eta^2 = 0/0423$

جدول ۶۰-۳ مقایسه میانگین تعداد جرم فعلی بر حسب وضعیت مسکن

وضعیت مسکن	تعداد جرم فعلی	انحراف معیار	تعداد
اجاره نشین	۱/۸۶۳۹	۱/۷۰۷۴	۷۲
اقوام، سازمانی	۳/۴	۴/۴۰۴۵	۱۵
شخصی	۲/۰۶۲۵	۲/۰۸۴۵	۶۴

برای روشن شدن ارتباط منطقه مسکونی با نوع جرم جدول تقاطعی شماره ۶۱-۳ رسم شده است. مطابق جدول بیشترین فراوانی جرم مواد در جنوب و شرق تهران می باشد. بیشترین فراوانی جرم رابطه در مرکز و جرم سرقت در شمال شرقی و جنوب تقریباً یکسان می باشد جرم قتل بیشتر در شرق تهران صورت گرفته و جرم کلاهبرداری در نواحی شمال تهران متمرکز می باشد.

جدول ۶۱-۳ رابطه منطقه مسکونی و نوع جرم

نوع جرم	منطقه مسکونی	شمال	غرب و شمال غربی	شرق	مرکز	جنوب	حومه	بی جواب	جمع
مواد	۴	۱۶	۱۰	۱۷	۲	۴	۵۳	۳۴.۴	۱۷.۴
رابطه	۶	۶	۱۹	۹	۳	۸	۵۹	۳۸.۳	۲۶.۱
سرقت	۳	۳	۱	۳	۱	۲	۱۳	۸.۴	۱۳.۰
قتل	۳	۴	۱	۲	۴	۱	۱۶	۱۰.۴	۱۳.۰
کلاهبرداری	۷	۱	۲	۱	۱	۱۱	۷.۱	۳۰.۴	۱۰.۰
جعل سند/جرایم دیگر			۱			۲	۲	۱.۳	۲.۹
جمع	۲۳	۳۰	۳۴	۳۱	۱۰	۱۶	۱۵۴	۱۰۰	۱۴.۹

$$X^2 = ۶۴/۳۵۲$$

$$\text{sig} = ۰/۰۰۰۲۷$$

همچنین براساس مقایسه میانگین‌های خلاف همسایه مندرج در جدول ۳-۶۲ تفاوت معناداری بین دو گروه بدون خلاف همسایه و با خلاف همسایه با متغیرهای جرم مشاهده می‌شود.

میانگین تعداد جرم پاسخگویانی که در همسایگی خود فرد خلافکار نداشتند ۱/۱ بار و میانگین مدت ارتکاب جرم پاسخگویانی که همسایه خلافکار داشتند ۶/۶ سال در برابر ۳/۰۹ سال می‌باشد یعنی جرم خیزی منطقه مسکونی تاثیر مستقیمی بر میزان جرم افراد بر جای می‌گذارد.

جدول ۳-۶۲ رابطه خلاف همسایه با متغیرهای جرم

معناداری	T	میانگین	تعداد موارد	مقولات	سوالات
۰/۰۱۲	-۲/۵۵	۱/۱۱۴۶	۹۶	خیر	تعداد جرم فعلی
		۱/۳۵۱۶	۳۷	بلی	
۰/۰۰۱	-۳/۲۷	۳/۰۹۳۸	۹۶	خیر	مدت ارتکاب جرم
		۶/۶۴۸۴	۳۷	بلی	

همچنین براساس مقایسه میانگین‌های وجود افراد خلافکار در اعضای خانواده با متغیرهای جرم تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

براساس مقایسه میانگین‌های وجود اعضا خلافکار با متغیرهای تعداد دفعات زندان و میزان حبس و مدت ارتکاب جرم تفاوت معناداری وجود دارد، که به تکنیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس جدول ۳-۶۳ میانگین تعداد دفعات ورود به زندان برای پاسخگویانی که در بین اعضای خانواده خود فرد ناپه‌نچار داشتند برابر با ۲ دفعه می‌باشد.

همچنین میانگین میزان محکومیت برای پاسخگویانی که در بین اعضای خانواده خود فرد مجرم داشتند برابر ۱۰ سال در مقابل ۷ سال می‌باشد.

و مدت ارتکاب جرم پاسخگویانی که در بین اعضای خانواده خود فرد مجرمی داشتند برابر با ۴ سال در مقابل ۲ سال می‌باشد.

جدول ۶۳-۳ رابطه وجود اعضای خلافکار خانواده با متغیرهای جرم

معناداری	T	میانگین	تعداد موارد	مقولات	سوالات
۰/۰۰۸	-۲/۶۷	۱/۳۳۳۳	۴۸	خیر	تعداد دفعات زندان
		۲/۳۶۷۹	۱۰۶	بلی	
۰/۰۳۹	-۲/۰۸	۷/۲۰۸۳	۴۸	خیر	میزان محکومیت
		۱۰/۰۳۷۷	۱۰۶	بلی	
۰/۰۵	-۱/۹۳	۲/۶۸۷۵	۴۸	خیر	مدت ارتکاب جرم
		۴/۵۳۷۷	۱۰۶	بلی	

در مجموع می توان نتیجه گرفت که تراکم مجرمین در منطقه مسکونی تأثیر زیادی بر روی ساکنین محل و اعمال نابهنجار افراد دارد و همچنین تأثیر بسیار معنادار مجرمیت در خانواده، که خود از موارد بسیار مهم انبساط جرم در جامعه می باشد.

همچنین براساس نتایج جدول تقاطعی ۶۴-۳ آزمون معناداری X^2 رابطه معناداری بین جرم اعضای خانواده و نوع جرم پاسخگویان نشان می دهد بیشترین فراوانی جرم مواد بوده که با جرم پاسخگو نیز تطبیق می نماید. در مجموع می توان گفت پاسخگویی که اعضای خانواده آنان جرم مواد داشته اند، بیشتر مرتکب جرم شده اند، چه این جرم مواد بوده باشد و چه جرائم دیگر (رابطه، سرقت، قتل).

جدول ۶۴-۳ رابطه جرم اعضای خانواده با نوع جرم پاسخگو

جمع	جعل سند/ جرائم دیگر	کلاهبرداری	قتل	سرقت	رابطه	مواد	جرم بستگان جرم پاسخگو
۴۲	۲		۱		۱	۳۸	مواد
39.6	25.0		10.0		11.1	54.3	
۴۰	۳	۴	۲	۲	۴	۲۵	رابطه
37.7	37.5	80.0	20.0	50.0	44.4	35.7	
۱۱	۳	۱			۴	۳	سرقت
10.4	37.5	20.0			44.4	4.3	
۱۱			۷			۴	قتل
10.4			70.0			5.7	
۲				۲			کلاهبرداری
1.9				50.0			
۱۰۶	۸	۵	۱۰	۴	۹	۷۰	جمع
100.0	7.5	4.7	9.4	3.8	8.5	66.0	

$$X^2 = ۷۰/۳۱۷$$

$$\text{sig} = ۰/۰۰۰$$

۶-۳-۳- آنومی

آنومی در دو سطح فردی و اجتماعی سنجیده شده است. در سطح اجتماعی توسط ۴ گویه به شرح زیر از پاسخگویان خواسته می‌شد که مخالفات یا موافقت خود را با گویه و میزان آن را روی طیف نشان بدهند.

گویه‌ها عبارتند از:

- بیشتر امکانات جامعه ما در دست عده خاصی است.
- آنقدر بی‌نظمی وجود دارد که همیشه گفت فردا چه خواهد شد.
- مردم قبلاً تکنینشان روشن بود و هر کس می‌دانست که دیگران دقیقاً از او چه انتظاری دارند ولی حالا اینجور نیست.
- مردم دیگر به هیچ چیز اعتقاد ندارند.
- و در سطح فردی گویه‌های زیر مطرح شد.
- خیلی وقتها از خودم راضی نیستم چون فکر می‌کنم از عهده هیچ کاری بر نمی‌آیم.
- بیشتر مواقع احساس می‌کنم که دیگر مردم انسانیت ندارند.
- مهر و محبتی که قدیمیها داشتند از بین رفته است.
- همانطور که مندرجات جدول ۳-۶۵ نشان می‌دهد، ۶۶/۹ درصد پاسخگویان با گویه‌های آنومی در سطح اجتماع موافقت نموده‌اند. و ۱۲/۳ درصد پاسخگویان مخالف وجود آنومی در جامعه می‌باشند ۲۰/۸ درصد نیز نظر معینی نداشتند.
- در سطح فرد نیز بیشترین فراوانی مربوط به طبقات موافقم و کاملاً موافقم می‌باشد که با ۵۳/۳ درصد مشخص شده است. یعنی در سطح فردی نیز آنومی بیشتر مشاهده می‌شود. در مقابل ۱۲/۳ درصد با گویه‌های آنومی در سطح فرد مخالفتم نموده و ۳۴/۴ درصد نیز بی‌نظر بودند. (جدول ۳-۶۶)

جدول ۳-۶۵ توزیع نسبی گویه‌های متغیر آنومی (اجتماعی)

شماره گویه	گویه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۷۱	بیشتر مکانات جامعه مادر دست عده خاصی است		۱۱/۷	۱۳	۵۷/۱	۱۸/۲	۱۰۰
۷۲	آقدر بی نظمی وجود دارد که همیشه گفت فردا چه خواهد شد.	۰/۶	۱۰/۴	۱۴/۳	۵۵/۲	۱۹/۵	۱۰۰
۷۴	مردم قبلاً تکلیفشان روشن بود و هر کس می دانست که دیگران دقیقاً از او چه انتظاری دارند ولی حالا اینجوری نیست.	۲/۶	۲۱/۴	۱۴/۳	۴۹/۴	۱۲/۳	۱۰۰
۷۵	مردم دیگری هیچ چیز اعتقاد ندارند	۴/۵	۳۵/۱	۵/۸	۳۰/۵	۲۴	۱۰۰
	جمع گویه‌ها	۰/۶	۱۱/۷	۲۰/۸	۴۰/۹	۲۶	۱۰۰

جدول ۳-۶۶ توزیع نسبی گویه‌های متغیر آنومی (فردی)

شماره گویه	گویه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۶۸	خیلی وقتها از خودم راضی نیستم چون فکر می‌کنم از عهده هیچ کاری بر نمی‌آیم.	۵/۸	۳۵/۱	۷/۸	۴۲/۹	۸/۴	۱۰۰
۶۹	بیشتر مواقع احساس می‌کنم که دیگر مردم انسانیت ندارند	۷/۸	۱۸/۸	۷/۸	۴۸/۷	۱۶/۹	۱۰۰
۷۰	مهر و محبتی که قدیمها داشتند از بین رفته است	۱/۳	۱۶/۲	۵/۲	۵۳/۲	۲۴	۱۰۰
	جمع گویه‌ها	۲/۶	۹/۷	۳۴/۴	۳۶/۴	۱۶/۹	۱۰۰

جدول ۶۷-۳ همبستگی بین گویه‌های آنومی (اجتماعی)

گویه‌ها	امکانات	بی‌نظمی زیاد	روشن نبودن انتظارات	بی‌اعتقادی مردم
امکانات ۷۱	۱ P=0	۰/۵۶۲۲ P = 0.000	۰/۳۵۶۳ P = 0.000	۰/۳۱۶۹ P = 0.000
بی‌نظمی زیاد ۷۲		۱ P = 0	۰/۳۳۷۹ P = 0.000	۰/۲۷۳۸ P = 0.001
روشن نبودن انتظارات ۷۴			۱ P = 0	۰/۳۸۹۸ P = 0.000
بی‌اعتقادی مردم ۷۵				۱ P = 0

جدول ۶۸-۳ همبستگی بین گویه‌های آنومی (فردی)

گویه‌ها	عدم رضایت از خود	از بین رفتن انسانیت	از بین رفتن مهر و محبت
عدم رضایت از خود ۶۹	۱ P = 0	۰/۲۷۴۴ P = 0.001	۰/۲۱۳۶ P = 0.008
از بین رفتن انسانیت ۷۰		۱ P = 0	۰/۳۵۸۶ P = 0.000

۱-۶-۳-۳ ارتباط آنومی با متغیرهای جرم:

آنومی در سطح اجتماع بیشترین همبستگی معنادار را با متغیر مدت ارتکاب جرم نشان می‌دهد. شدت رابطه ۰/۲۳۷۳ در سطح معناداری ۰/۰۰۳ می‌باشد. بدین معنا که هر چه فرد اوضاع جامعه خود را بی‌نظمتر و آشفته‌تر دیده است، مدت زمان بیشتری را در اعمال و رفتارهای نابهنجار فعالیت داشته است. در اینجا میتوان به عدم کارآیی نیروهای کنترل‌کننده جامعه نیز پی برد که چرا مرتکبین اعمال انحرافی مدتها بدون مزاحمت هر عاملی دست به کارهای خلاف خود می‌زنند.

گرچه آنومی در سطح جامعه با میزان محکومیت (شدت جرم) رابطه معناداری رایبان نمی‌کند ولی با ملاحظه ضریب همبستگی که رابطه مستقیم و مثبت را نشان می‌دهد بیانگر این مطلب است که با افزایش آنومی در جامعه میزان محکومیت و شدت آن اضافه شده است. در واقع فرد با

افزایش آنومی جرائم سنیگن تری را مرتکب شده است.

در سطح فرد متغیر آنومی تنها با مدت ارتکاب جرم رابطه همبستگی معناداری را بیان می‌کند. شدت رابطه ۰/۱۸۱۹ در سطح معناداری ۰/۰۲۴ می‌باشد. یعنی آنومی فقط در سطح اجتماع بر مدت ارتکاب جرم و شدت آن تأثیر نداشته، بلکه در سطح فردی نیز این رابطه وجود دارد. بدین معنا که وقتی قدرتهای تنظیم کننده جامعه از هم گسیخته می‌شوند، کنترل کمی بر افراد وجود دارد و در این میان هرکس تنها هدفهای شخصی خودش را دنبال می‌کند و زمینه برای بروز رفتارهای نابهنجار و جرم فراهم می‌شود. (جدول ۶۹-۳)

جدول ۶۹-۳ رابطه آنومی با متغیرهای جرم

آنومی				سوالات
معناداری	سطح اجتماعی	معناداری	سطح فردی	
۰/۲۷۴	۰/۰۸۸۸	۰/۲۱۱	۰/۱۰۱۴	تعداد دفعات زندان
۰/۸۰۷	-۰/۰۱۹۸	۰/۲۱۴	-۰/۱۰۰۶	تعداد جرم فعلی
۰/۱۸۶	-۰/۱۰۷۲	۰/۲۹۶	-۰/۰۸۴۸	سن شروع جرم
۰/۰۶۱	۰/۱۵۱۲	۰/۳۹۰	۰/۰۶۹۳	میزان محکومیت
۰/۰۰۳	۰/۲۳۸۳	۰/۰۲۴	۰/۱۸۱۹	مدت ارتکاب جرم

۷-۳-۳- فردگرایی

مطابق تئوری دورکیم، انسانها دارای نیازهای نامحدودی هستند، و از آنجائی که نیازهای نامحدود ارضاء نشدنی هستند، چنین خود محوری موجب نارضایتی فرد می‌شود و افراد به شکلی نامحدود برای دست یابی به امیال و آرزوهای فردی تلاش می‌کنند.

همانطور که مندرجات جدول ۷۰-۳ نشان می‌دهد، ۵۱/۳ درصد پاسخگویان با گویه فوق موافقت نموده و ۴۴/۲ با گویه مخالف بودند و ۴/۵ درصد پاسخگویان نیز در مورد گویه بی نظر بودند.

جدول ۷۰-۳ الان وضع طوری شده که آدم نباید به غیر از خودش

به کس دیگری فکر کند.

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۵/۲	۸	کاملاً مخالفم
۳۹	۶۰	مخالفم
۴/۵	۷	بی نظر
۳۳/۱	۵۱	موافقم
۱۸/۲	۲۸	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۵۴	جمع

۱-۷-۳-۳- ارتباط فردگرایی با متغیرهای جرم

فردگرایی تنها با متغیر تعداد دفعات زندان همبستگی معنادار نشان می دهد. شدت رابطه ۰/۱۷۶۴۷ در سطح معناداری ۰/۰۲۸۵ می باشد. همچنین رابطه فردگرایی با مدت ارتکاب جرم رابطه مثبتی را نشان می دهد.

جدول ۷۱-۳ رابطه فردگرایی با متغیرهای جرم

سطح معناداری	فردگرایی	سوالات
۰/۰۲۸۵	۰/۱۷۶۴۷	تعداد دفعات زندان
۰/۷۶۶۳	-۰/۰۲۴۱۳	تعداد جرم فعلی
۰/۱۳۲۶	-۰/۱۲۱۷۲	سن شروع جرم
/۳۱۰۹	۰/۰۸۲۱۹	میزان محکومیت
۰/۰۹۸۱	۰/۱۳۳۷۷	مدت ارتکاب جرم

* به منظور سنجش متغیر فردگرایی با متغیرهای جرم از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

۸-۳-۳- اعتقاد به مذهب

مطابق تئوری دورکیم دین یک نیروی اجتماعی محسوب می شود که به صورت تعهدات اخلاقی، رفتار و کردار فرد را کنترل می کند. در این تحقیق اعتقاد به بازدارندگی مذهب و میزان اعتقاد قلبی و عملی به مذهب توسط سه گویه مورد سنجش قرار گرفت. از پاسخگویان خواسته می شد که نظر خود را درباره گویه ها بر روی طیف پنج درجه ای نشان بدهند. گویه ها حاوی اعتقاد به روز آخرت و پاکی قلب بدون لزوم انجام نماز و اعتقاد به اینکه فرد خلافکار بر دین و ایمان خود باقی نمی ماند تنظیم شده بودند که نتایج آن در جدول ۷۲-۳ منعکس می باشد. مطابق جدول ۵۴/۶ درصد پاسخگویان با گویه هایی که به نوعی پایبندی مذهبی و اعتقادای را جویا شده اند مخالفت ورزیده اند یعنی در واقع بین اعمال انحرافی با اعتقادات مذهبی منافاتی ندیده اند و تنها ۱۱/۷ درصد با گویه ها موافقت داشتند یعنی می توان گفت که بین کاهش اعتقادات مذهبی و پای بندی به آن رابطه عکسی در جهت اعمال انحرافی دیده اند. البته به پاسخهای این گویه ها می بایست با دیده احتیاط نگریسته شود و نمی توان نتیجه قطعی گرفت، زیرا پاسخگویان در شرایط زندان و محدودیت های آن و شرایط مصاحبه کمتر مکنونات قلبی خود را درباره مسائل مذهبی و اعتقادی خود بیان می کنند و حتی برخی پاسخگویان اعمال ناپهناجر خود را با این مضمون توجیه می کردند.

بستگی داره چه جور خلاقی باشد، همه خلافها دین و ایمان آدم را نمی برد.

جدول ۷۲-۳ حاوی نتایج سه گویه می باشد.

جدول ۷۲-۳ توزیع نسبی گویه های متغیر اعتقاد به مذهب

شماره گویه	گویه ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۸۹	خیلی هم مهم نیست که آدم نماز بخواند، قلبش باید پاک باشد	۱۳	۴۶/۱	۶/۵	۲۲/۷	۱۱/۷	۱۰۰
۹۰	ما تو این دنیا هرکاری دلمان بخواهد می کنیم مگر شده کسی از آن دنیا خیر بیاورد.	۱۶/۹	۶۲/۳	۵/۸	۹/۷	۵/۲	۱۰۰
۹۱	این راسته که می گویند آدم وقتی تو کار خلاف بیفتد دیگه دین و ایمانی برایش باقی نمی ماند.	۱۴/۹	۵۷/۱	۸/۴	۹/۷	۹/۷	۱۰۰
	جمع گویه ها	۱۶/۹	۳۷/۷	۳۳/۸	۷/۸	۳/۹	۱۰۰

۱-۸-۳-۳- ارتباط اعتقاد به مذهب با متغیرهای جرم

این متغیر تنها با متغیرهای مدت ارتکاب جرم با شدت همبستگی $0/2282$ - در سطح معناداری $0/004$ و با متغیر سن شروع جرم با شدت همبستگی $0/2867$ در سطح معناداری $99/9$ درصد رابطه معناداری را بیان می‌کند.

یعنی افرادی که بیشتر به بازدارندگی عامل مذهب اعتقاد دارند، مدت زمان کمتری را به اعمال انحرافی پرداخته‌اند ولی این مسئله در مورد سن شروع جرم بلعکس می‌باشد. متغیر مذهب از متغیرهای بسیار حساس برای این گروه از پاسخگویان می‌باشد و لذا احتیاج به فراهم نمودن زمینه بیشتر و سوالات متفاوت در ابعاد گوناگون دارد. و در این تحقیق با تعداد کم نمونه نمی‌توان به جامعه آماری کل تعمیم داد. چراکه عوامل متعدد زیادی در بروز جرم موثر می‌باشند و باید با حذف تأثیر عوامل مختلف دیگر، تعهد و پایبندی به مذهب را در این مورد سنجید.

۹-۳-۳- فقدان فرصت

مطابق تئوری مرتون وقتی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزشهای مشترک از فرصتهای مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود.

برای سنجش فقدان فرصت اجتماعی از سه گویه که نتایج آن در جدول ۷۳-۳ منعکس می‌باشد استفاده شده است.

مطابق جدول ۷۳-۳ بیشترین فراوانیها حاکی از این مطلب است که پاسخگویان در طول زندگی خود از فرصتهای شغلی و تحصیلی مناسبی برخوردار نبوده‌اند و لذا کمتر به آرزوها و خواسته‌های خود رسیده‌اند.

جدول ۷۳-۳ توزیع نسبی گویه‌های متغیر فقدان فرصت

شماره گویه	گویه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۶۱	هیچ وقت نتوانستم شغل مورد علاقه‌ام را که هم آبرومندانه باشد و هم پول خوبی داشته باشد پیدا کنم.	۴/۵	۲۱/۴	۱۰/۴	۴۸/۷	۱۴/۹	۱۰۰
۶۲	تو زנסدگیم به چیزهایی که می‌خواستیم نرسیده‌ام	۳/۲	۱۶/۹	۵/۲	۴۷/۴	۲۷/۳	۱۰۰
۷۶	علت اینکه کار من به اینجا کشیده شد، این بود که نتوانستم یک درس درست و حسابی بخوانم	۷/۸	۲۶/۰	۳/۹	۲۷/۹	۳۴/۴	۱۰۰
	جمع گویه‌ها	۳/۹	۶/۵	۳۳/۸	۲۴/۷	۳۱/۲	۱۰۰

همچنین مرتون اعتقاد دارد که بدلیل نبود فرصت جهت نیل به اهداف اقتصادی به گروههایی از افسار جامعه فشار وارد می شود که این فشار، افراد را به سوی رفتارهای انحرافی سوق می دهد. در اینجا به منظور بررسی این متغیر، از ۲ گویه زیر استفاده شده است. نتایج جدول ۷۴-۳ حاکی از وجود نوعی فشار اقتصادی بر روی پاسخگویان می باشد.

جدول ۷۴-۳ توزیع نسبی گویه های متغیر فشار اقتصادی

شماره گویه	گویه ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۶۴	در زندگی گاهی شرایطی پیش می آید که آدم برای رسیدن به خواسته هایش هیچ راهی نمی بیند و مجبور می شود خلاف کند.	۹/۷	۳۷/۷	۵/۸	۲۶	۲۰/۸	۱۰۰
۶۷	اینقدر تورم و گرانی زیاد است که خیلی ها مجبورند برای گذراندن زندگیشان دست به کارهای خلاف بزنند	۶/۵	۳۷	۵/۸	۱۶/۲	۳۴/۴	۱۰۰
	جمع گویه ها	۱۰/۴	۲۸/۶	۱۱/۷	۲۱/۴	۲۷/۹	۱۰۰

۱-۹-۳-۳- ارتباط فقدان فرصت با متغیرهای جرم

متغیر فقدان فرصت با متغیر مدت ارتکاب جرم رابطه همبستگی معناداری را بیان می کند شدت رابطه ۰/۲۱۳۹ در سطح معناداری ۰/۰۰۸ می باشد. یعنی افرادی که در طول زندگی خود کمترین فرصتها را داشتند، مدت زمان بیشتری را در فعالیتهای انحرافی سپری کرده اند. متغیر فشار اقتصادی نیز با متغیرهای تعداد دفعات زندان و سن شروع جرم و مدت ارتکاب جرم رابطه معناداری را بیان می کند.

بین فشار اقتصادی و تعداد دفعات زندان شدت رابطه ۰/۲۴۸۳ در سطح معناداری ۰/۰۰۲ درصد می باشد. یعنی افرادی که در مضیقه مادی بوده اند، دفعات بیشتری به زندان وارد شده اند بین فشار اقتصادی و سن شروع جرم شدت رابطه ۰/۱۵۹۵- در سطح معناداری ۰/۰۴۸ درصد می باشد. در واقع تنگدستی و فشار مادی باعث می شود افراد از سنین کمتری شروع به اعمال انحرافی بکنند.

بین فشار اقتصادی و مدت ارتکاب جرم نیز شدت رابطه $0/1720$ در سطح معناداری $0/033$ درصد می باشد که خود بیانگر ارتباط بین مضیقه مادی و مدت زمان ارتکاب جرم می باشد. در واقع پاسخگویان از طریق اعمال انحرافی زندگانی خود را می گذرانند و به همین لحاظ ارتباط بین دو متغیر مثبت و رابطه مستقیم است.

جدول ۲۵-۳ رابطه فقدان فرصت و فشار اقتصادی بامتغیرهای جرم

سوالات	فقدان فرصت	سطح معناداری	فشار اقتصادی	سطح معناداری
تعداد دفعات زندان	$0/1292$	$0/110$	$0/2483$	$0/002$
تعداد جرم فعلی	$0/0761$	$0/348$	$-0/1023$	$0/207$
سن شروع جرم	$-0/1374$	$0/089$	$-0/1595$	$0/048$
میزان محکومیت	$0/0680$	$0/402$	$0/0030$	$0/970$
مدت ارتکاب جرم	$0/2139$	$0/008$	$0/1720$	$0/033$
نوع جرم*	$50/0458$	$0/0002$	$25/1452$	$0/1959$

* توضیح جدول: نوع جرم در سطح سنجش اسمی می باشد و آزمون آماری X^2 استفاده شده است.

۱۰-۳-۳- تعلق اجتماعی

این متغیر بوسیله چهارگویه بی تفاوتی در مورد مسائل، عدم قبول مسئولیت، بی اهمیتی نظر دیگران نسبت به خود و احساس عدم محبت و دوستی افراد جامعه سنجیده شده است. مطابق جدول ۷۶-۳ بیشترین فراوانی در مقوله بی نظر برابر با $30/5$ درصد را نشان می دهد. یعنی با گویه های فوق نه موافق هستند و نه مخالف و $36/4$ با گویه هایی که عدم تعلق به اجتماع را بیان می کنند، موافقت داشتند و $33/1$ درصد نظری مخالف با گویه های فوق داشتند یعنی این احساس را در خود داشتند که عضوی از جامعه هستند و مسئولیت پذیر هستند و نظر دیگران را جاع به خود را با اهمیت تلقی می کنند.

جدول ۷۶-۳ توزیع نسبی گویه‌های متغیر تعلق اجتماعی

شماره گویه	گویه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۷۷	من دیگر به این کاری ندارم که دوروبرم چه پیش می‌آید.	۶/۵	۴۸/۱	۴/۵	۲۷/۳	۱۳/۶	۱۰۰
۷۸	خوب که نگاه می‌کنم می‌بینم هیچوقت نمی‌خواهم مسئولیت چیزی را قبول کنم	۷/۱	۵۲/۶	۵/۲	۲۹/۲	۵/۸	۱۰۰
۷۹	برای من فرقی نمی‌کند که دیگران راجع به من چه فکر می‌کنند.	۹/۱	۳۶/۴	۹/۱	۳۵/۷	۹/۷	۱۰۰
۸۰	گاهی اوقات احساس می‌کنم تو این جامعه، هیچ کس ما را دوست ندارد.	۲/۶	۲۱/۴	۷/۱	۵۰	۱۸/۸	۱۰۰
	جمع گویه‌ها	۳/۹	۲۹/۲	۳۰/۵	۲۴/۷	۱۱/۷	۱۰۰

۱-۱۰-۳-۳- ارتباط تعلق اجتماعی با متغیرهای جرم

میزان پیوند و وابستگی به اجتماع و عدم قطع کامل رشته پیوند دهنده فرد به اجتماع می‌تواند عاملی برای بازگشت مجرمین به دنیای عادی و زندگی بدور از رفتار نابهنجار باشد.

ارتباط بین متغیر تعلق اجتماعی با متغیرهای جرم بیانگر رابطه معنادار بین متغیر میزان محکومیت (شدت جرم) و مدت ارتکاب جرم و تعداد دفعات زندان (سابقه) می‌باشد.

شدت همبستگی بین متغیر احساس تعلق اجتماعی و میزان محکومیت ۰/۱۹۲۴ در سطح معناداری ۰/۰۱۷ می‌باشد. یعنی با مخالفت بیشتر با گویه‌هایی که احساس تعلق به جامعه و مسائل آن را می‌سنجید بر میزان محکومیت که همان شدت جرم می‌باشد، افزوده شده است.

شدت همبستگی بین متغیر احساس تعلق اجتماعی و متغیر مدت ارتکاب جرم ۰/۲۲۸۷ در سطح معناداری ۰/۰۰۴ درصد می‌باشد و حاکی از این دارد که با کاهش علقه و تعلق اجتماعی بر مدت ارتکاب جرم افزوده شده است. تعداد دفعات زندان (سابقه) نیز با شدت همبستگی ۰/۱۹۰۴ در سطح معناداری ۰/۰۱۸ می‌باشد. در واقع پاسخگوییانی که کمتر به جامعه خود وابستگی داشتند دفعات بیشتری وارد زندان شده‌اند.

جدول ۲۷-۳ رابطه احساس تعلق اجتماعی و متغیرهای جرم

سوالات	احساس تعلق اجتماعی	سطح معناداری
تعداد دفعات زندان	۰/۱۹۰۴	۰/۰۱۸
تعداد جرم فعلی	۰/۰۸۵۴	۰/۲۹۲
سن شروع جرم	-۰/۰۷۴۹	۰/۳۵۶
میزان محکومیت	-۰/۱۹۲۴	۰/۰۱۷
مدت ارتکاب جرم	۰/۲۲۸۷	۰/۰۰۴

۱۱-۳-۳- تکنیکهای خنثی سازی

مطابق نظر سایکرومتزا مجرم «یک فرد ناکام پشیمان» است که به روش زندگی منحرف از خلال یک فرایند ظریف توجیه کشانده می شود.

به منظور سنجش انکار صدمه و آسیب گویه زیر مطرح شد.

- اغلب کارهایی که مردم آنها را خلاف می دانند، حقیقتاً به کسی ضرر و صدمه ای نمی زند. به منظور سنجش تکنیک محکوم کردن محکوم کنندگان از یک گویه و طیف برش قطبیک استفاده شده است. گویه به شرح زیر می باشد.

- همه سعی می کنند ظاهرشان را خوب نشان بدهند ولی خدا می داند در باطنشان چه می گذرد. و به منظور سنجش محکوم کردن محکوم کنندگان از ۶ معرف استفاده شد و از پاسخگویان خواسته می شد براساس صفات متضاد درمورد مجریان قانون (قضات، مسئولین زندان) ارزیابی خود را بر روی طیف برش قطبیک بیان کنند. جداول شماره ۳-۷۸ و ۳-۷۹ و ۳-۸۰ حاوی فراوانیهای مطلق و درصدی این تکنیکها می باشد.

جدول ۷۸-۳ تکنیک انکار ضرر و آسیب: اغلب کارهایی که مردم آنها

را خلاف می‌دانند، حقیقتاً به کسی ضرر و صدمه‌ای نمی‌زند

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۷/۸	۱۲	کاملاً مخالفم
۵۱/۳	۷۹	مخالفم
۸/۴	۱۳	بی‌نظر
۲۲/۷	۳۵	موافقم
۹/۷	۱۵	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۵۴	جمع

جدول ۷۹-۳ تکنیک محکوم کردن همه: همه سعی می‌کند ظاهرشان

را خوب نشان بدهند ولی خدای داند در باطنشان چه می‌گذرد

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۱/۹	۳	کاملاً مخالفم
۱۳	۲۰	مخالفم
۴/۵	۷	بی‌نظر
۴۸/۷	۷۵	موافقم
۳۱/۸	۴۹	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۵۴	جمع

همچنین محکوم کردن محکوم‌کنندگان شامل کسانی که مرتکبین رفتارهای انحرافی را متهم کرده‌اند می‌باشد. در اینجا متهم‌کنندگان را که معمولاً مسئولین قضائی هستند بعنوان افراد خلافکار، قضاوت غلط، ... قلمداد کرده و بدینوسیله حق قانونی آنها را جهت قضاوت‌انکار می‌نمایند.

جدول ۸۰-۳ توزیع نسبی معرفهای تکنیک محکوم کردن محکوم کنندگان براساس

طیف برش قطبین

میانگین	جملات	ارزیابی بر روی برش تطبیق	جملات
۳	تخصص ندارند	○ <u>۱۳</u> ○ <u>۱۶/۲</u> ○ <u>۴۱/۶</u> ○ <u>۱۶/۲</u> ○ <u>۱۳</u>	تخصص دارند
۲/۶۷	دلسوز و مهربان	○ <u>۸/۴</u> ○ <u>۹/۷</u> ○ <u>۴۰/۹</u> ○ <u>۲۲/۷</u> ○ <u>۱۸/۲</u>	خشن و تند
۲/۵۳	عدالت رارعايت نمی کنند	○ <u>۲۶</u> ○ <u>۲۴</u> ○ <u>۲۷/۹</u> ○ <u>۱۴/۹</u> ○ <u>۷/۱</u>	عدالت رارعايت می کنند
۳/۰۷	درست کارند	○ <u>۱۰/۴</u> ○ <u>۱۹/۵</u> ○ <u>۵۰</u> ○ <u>۷/۸</u> ○ <u>۱۲/۳</u>	خلاف کارند
۲/۶۳	قضاوتشان درست است	○ <u>۷/۱</u> ○ <u>۱۴/۳</u> ○ <u>۲۹/۲</u> ○ <u>۳۳/۱</u> ○ <u>۱۶/۲</u>	قضاوتشان غلط است
۲/۵۵	حرف و عملشان یکی نیست	○ <u>۲۱/۴</u> ○ <u>۲۶/۶</u> ○ <u>۳۳/۱</u> ○ <u>۱۲/۳</u> ○ <u>۶/۵</u>	حرف و عملشان یکی است

میانگین کل تصور پاسخگویان نسبت به مسئولین قضائی ۲/۷۴ می باشد که تصویری منفی از مسئولین و نحوه عملکردشان می باشد.

نحوه نمره گذاری بر روی طیف ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ می باشد که نمره ۳ ارزیابی متوسط نمره ۱ ارزیابی منفی و نمره ۵ ارزیابی مثبت را بیان می کنند.

تصویر ۱-۳ تصور از مسئولین قضائی (محکومین)

میانگین	جملات	ارزیابی بر روی برش قطبین	جملات
۳	تخصص ندارند	۰ ۰ ۰ ۰ ۰	تخصص دارند
۲/۶۷	دلسوز و مهربان	۰ ۰ ۰ ۰ ۰	خشن و تند
۲/۵۳	عدالت رارعالیت نمی کنند	۰ ۰ ۰ ۰ ۰	عدالت رارعايت می کنند
۳/۰۷	درستکارند	۰ ۰ ۰ ۰ ۰	خلافکارند
۲/۶۳	قضاوتشان درست است	۰ ۰ ۰ ۰ ۰	قضاوتشان غلط است
۲/۵۵	حرف و عملشان یکی نیست	۰ ۰ ۰ ۰ ۰	حرف و عملشان یکی است

۱-۱۱-۳-۳- ارتباط تکنیکهای خنثی سازی با متغیرهای جرم

توجه گرائی و اعتقاد به مفاهیمی که موانع ذهنی فرد را نسبت به پذیرش هنجارهای جامعه خنثی می کند با متغیرهای جرم رابطه معناداری را بیان می کند.

براساس ضرایب همبستگی اسپیرمن بین گویه انکار آسیب و ضرر با متغیرهای جرم رابطه معناداری زیر بدست آمد.

بین انکار صدمه و ضرر و متغیر مدت ارتکاب جرم رابطه $0/1682$ در سطح معناداری $0/0369$ بدست آمد. یعنی هرچه افراد اعمال نابهنجار خود را در جهت عدم صدمه زدن به دیگران توجه می کنند، مدت زمان بیشتری را در اعمال انحرافی مشغول بوده اند. براساس ضرایب همبستگی اسپیرمن بین گویه محکوم کردن همه (ظاهر و باطن) با متغیرهای جرم رابطه معناداری زیر بدست آمد.

بین گویه محکوم کردن همه (ظاهر و باطن) و مدت ارتکاب جرم رابطه معناداری با شدت $0/2584$ در سطح معناداری $0/001$ بدست آمد.

همچنین براساس ضرایب همبستگی اسپیرمن بین معرفهای برش قطبین که برای سنجش میزان محکوم کردن محکوم کنندگان (مجریان قانون) استفاده شده، رابطه معناداری با متغیرهای جرم بدست نیامد. ولی علامت رابطه گویای این می باشد که هرچه ارزیابی از مسئولین قضایی منفی تر شده است بر میزان متغیرهای جرم اضافه شده است. بعنوان مثال رابطه ارزیابی از مسئولین قضائی با متغیر تعداد دفعات زندان $0/1384$ - در سطح معناداری $0/0868$ بدست آمده است و حاکی از این مطلب است که با منفی ارزیابی کردن مسئولین قضائی بر تعداد دفعات

منظور سنجش این متغیر از ۶ گویه زیر استفاده شد و از پاسخگویان خواسته می شد تا نظر خود را نسبت به عکس العمل اطرافیان و خانواده پس از آزادی، روی طیف پنج قسمتی نشان دهند (جدول ۸۲-۳).

نتایج جدول ۸۲-۳ نشان می دهد، ۴۴/۸ درصد پاسخگویان با گویه هایی که عکس العمل طرد را در بردارد موافق هستند و ۳۹ درصد مخالف گویه های عکس العمل ضد می باشند یعنی معتقداند که پس از آزادی از زندان با عکس العمل طرد مواجه نخواهند شد.

جدول ۸۲-۳ توزیع نسبی گویه هایی متغیر عکس العمل (طرد)

شماره گویه	گویه ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۹۳	نسبت به من بی اعتنا می شوند.	۳/۹	۳۷/۷	۵/۲	۴۶/۸	۶/۵	۱۰۰
۹۴	دیگر با من معاشرت نمی کنند	۲/۶	۴۵/۵	۹/۱	۳۵/۷	۷/۱	۱۰۰
۹۵	به چشم یک خلافکار (مجرم) نگاه می کنند.	۵/۲	۲۶/۶	۸/۴	۴۰/۳	۱۹/۵	۱۰۰
۹۶	بعد از این هر اتفاقی بیفتد به گردن من می اندازند	۵/۲	۴۲/۲	۱۰/۴	۳۳/۸	۸/۴	۱۰۰
۹۷	دیگر به من اعتماد ندارند	۶/۵	۳۶/۴	۷/۸	۳۷	۱۲/۳	۱۰۰
۹۸	دیگر به من احترام نمی گذارند	۵/۲	۴۱/۶	۱۱	۳۳/۸	۸/۴	۱۰۰
	جمع گویه ها	۶/۵	۳۲/۵	۱۶/۲	۳۳/۱	۱۱/۷	۱۰۰

همچنین نتیجه عکس العمل اجتماعی (طرد) موجب انحراف ثانویه می شود که این متغیر بوسیله گویه زیر سنجیده شده است.

- آدم وقتی می بیند خانواده و دوستانش به او پشت کرده اند، چاره ای ندارد جز اینکه دوباره خلاف کند. پاسخهای این گویه در جدول ۸۳-۳ نشان داده شده است. مطابق جدول ۶۲/۳ درصد پاسخگویان مخالفت خود را با گویه بیان نموده اند یعنی اعتقادی به بازگشت به جرم ندارند و ۳۲/۵ درصد با گویه موافق بوده اند و احتمال بازگشت به جرم را پیش بینی کرده اند.

جدول ۸۳-۳۵ موقتی می بیند خانواده و دوستانش به او پشت

کرده اند چاره ای نداره جز اینکه دوباره خلاف کند.

فراوانی		طبقات جواب
درصد	مطلق	
۱۱/۷	۱۸	کاملاً مخالفم
۵۰/۶	۷۸	مخالفم
۵/۲	۸	بی نظر
۱۴/۳	۲۲	موافقم
۱۸/۲	۲۸	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۵۴	جمع

۱-۱۲-۳-۳- ارتباط طرد اجتماعی با انحراف ثانویه

در یک دید کلی، انحراف بعنوان طرد اجتماعی و از سوی دیگر، فرایند پاسخ به این طرد شدگی می باشد. در مجموع اگر برخوردها به صورت قهرآمیز و عدم محبت و اعتماد باشد، جدائی فرد از جامعه افزایش می یابد و با فراهم بودن سایر شرایط زمینه مجدد ارتکاب جرم فراهم می آید. بین طرد و انحراف ثانویه یک رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. مطابق مندرجات جدول ۳-۸۴ شدت بین طرد و انحراف ثانویه ۰/۳۹۶۳ در سطح معناداری ۹۹/۹ درصد وجود دارد و این در مورد افرادی که بیش از یکبار سابقه زندان دارند ۰/۶۵۵۱ در سطح معناداری ۹۹/۹ درصد می باشد.

جدول ۳-۸۴ رابطه طرد اجتماعی و انحراف ثانویه

سابقه دار N = ۵۲	کل پاسخگویان N = ۱۵۴	
۰/۶۵۵۱	۰/۳۹۶۳	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری

۱۳-۳-۳- برچسب

برطبق تئوری بکر، انحراف از طریق فرایندی از تعامل بین منحرف بالقوه و عوامل کنترل اجتماعی بوجود می‌آید. پس تاثیر برچسب، به چگونگی تفسیر عمل توسط دیگران بستگی خواهد داشت. یک برچسب در بردارنده ارزیابی از شخصی است که بر او برچسب زده شده است و این برچسب تمام موقعیتهایی را که فرد داشته می‌پوشاند.

این متغیر بوسیله دو گویه سنجیده شده است که براساس جدول ۸۵-۳ بیشترین فراوانی مربوط به مقوله موافقم و کاملاً موافقم می‌باشد که نظر ۶۳/۹ درصد پاسخگویان را در بر می‌گیرد و ۲۶/۶ درصد پاسخگویان با گویه‌ها مخالف می‌باشند. یعنی معتقدند که هیچگونه عنوانی یا برچسبی را به ایشان نمی‌توان اطلاق کرد و ۹/۴ درصد پاسخگویان با گویه‌ها نه موافق و نه مخالف بودند.

جدول ۸۵-۳ توزیع نسبی گویه‌های متغیر برچسب

شماره گویه	گویه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌نظر	موافقم	کاملاً موافقم	جمع
۸۵	هیچکس حاضر نمی‌شود به یک سابقه دار کار بدهد.	۳/۲	۲۶/۶	۱۱	۴۶/۱	۱۳	۱۰۰
۸۶	اگر کسی کارخلافی انجام بده، آدم را با همان اسم می‌شناسند.	۱/۹	۲۱/۴	۷/۸	۵۱/۹	۱۶/۹	۱۰۰
	جمع	۲/۶	۲۴	۹/۴	۴۹	۱۴/۹	۱۰۰

۱-۱۳-۳-۳- ارتباط برچسب و انحراف ثانویه

مطابق تئوری برچسب، انحراف ثانویه زمانی رخ می‌دهد که دیگران افراد را منحرف می‌خوانند یا به او برچسب منحرف می‌زنند و سرانجام شخص نقش انحرافی را می‌پذیرد و آگاهی منحرف بودن در نزد او درونی می‌شود. بین برچسب خوردن و انحراف ثانویه یک رابطه همبستگی معنادار به چشم می‌خورد.

شدت رابطه ۰/۳۷۸۹ در سطح معناداری ۹۹/۹ درصد برای کل پاسخگویان می‌باشد و برای پاسخگویان سابقه‌دار شدت رابطه ۰/۴۳۲۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۲ می‌باشد (جدول ۸۶-۳).

جدول ۸۶-۳ رابطه برچسب و انحراف ثانویه

سابقه دار N = ۵۲	کل پاسخگویان N = ۱۵۴	
۰/۴۳۲۸	۰/۳۷۸۹	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری

۱۴-۳-۳- تحلیل رگرسیون

وظیفه رگرسیون چند متغیری این است که به «تبیین» واریانس متغیر وابسته کمک کند، و این وظیفه را تا حدودی از طریق برآورد مشارکت متغیرها (دو یا چند متغیر مستقل) در این واریانس به انجام می‌رساند (کرلنیجر، ۱۳۶۶: ۱۱).

برای استفاده از دستور رگرسیون سه روش راه حل پیش رونده، راه حل پس رونده و راه حل قدم به قدم وجود دارد.

با توجه به مزیت روش قدم به قدم (stepwise) در تحقیق حاضر از این روش جهت بدست آوردن رگرسیون چند متغیری استفاده شد. در روش قدم به قدم مشارکت هریک از متغیرهایی که قبلاً وارد معادله شده‌اند با این فرض که در آخر وارد معادله شده باشد از نو آزموده می‌شود. (کرلنیجر، ۱۳۶۶: ۳۸۷)

در تحلیل رگرسیونی با استفاده از ضرایب بتا سهم یا میزان اثرگذاری هر متغیر بر متغیر وابسته در مقایسه با سایر متغیرها مشخص می‌شود.

مطابق جدول ۸۷-۳ چهار متغیر به طور همزمان بر روی سن شروع جرم موثر می‌باشند. ضریب همبستگی چند گانه سن شروع جرم با متغیرهای مستقل به طور همزمان ۰/۴۸ و ضریب تعیین ۰/۲۳ است. در واقع بوسیله متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، ۲۳ درصد واریانس متغیر وابسته تبیین شده است. (جدول ۸۷-۳).

اولین متغیر وضعیت تاهل می‌باشد که بر اساس کدبندی متاهلین از سنین بالاتری شروع به اعمال انحراف نمود هاند. سپس مذهب بیشترین تاثیر را در تاخیر شروع جرم داشته است. متغیر سواد پاسخگونی نیز در معادله وارد شده است. متغیر فقدان فرصت نیز آخرین متغیر وارد شده در معادله می‌باشد.

جدول ۸۷-۳ جدول رگرسیون سن شروع جرم و متغیرهایی که وارد معادله شدند

نام متغیر	Mult R	R sq	Beta	T	sig T
وضعیت تاهل	۰/۳۴۹۶	۰/۱۲۲۲	۰/۲۸۴۳۹۲	۳/۸۲۳	۰/۰۰۰۲
مذهب	۰/۴۱۱۶	۰/۱۶۹۴	۰/۲۲۰۵۷۵	۲/۸۹۳	۰/۰۰۴۴
سوادپاسخگو	۰/۴۴۳۹	۰/۱۹۷۱	-۰/۲۷۷۴۴۶	-۳/۳۵۱	۰/۰۰۱۰
فقدان فرصت	۰/۴۸۹۲	۰/۲۳۹۳	۰/۲۳۸۴۴۴	۲/۸۷۵	۰/۰۰۴۶
MULTIPE R		۰/۴۸۹۱۶	R Square	change	۰/۰۴۲۲۱
R SQUIRE		۰/۲۳۹۲۷	F change		۸/۲۶۷۰۷
ADJUSTED R SQUARE		۰/۲۱۸۸۵	Signif F	change	۰/۰۰۴۶
STANDARD ERROR	۸/۹۵۷۷۵				
F = ۱۱/۷۱۶۳۱			signif	F = ۰/۰۰۰۰	

ضریب همبستگی چند گانه مدت ارتکاب جرم با متغیرهای مستقل (طرد - انکار صدمه و زیان - خلاف همسایه و برجسب) ۰/۵۳۳ و ضریب تعیین ۰/۲۸۴ است. در واقع آنچه که موجب ادامه انجام رفتارهای انحرافی می باشد یکی عکس العمل (طرد) در برابر انحراف و همچنین اطلاق برجسب مجرم به فرد و توجیه و خنثی نمودن عمل خلاف که این عمل به کسی ضرر و آسیبی وارد نمی کند و همچنین خلاف همسایگان می باشد. در واقع همانطور که شاو و مکی در تئوری خود به آن اشاره نموده بودند وجود همسایگان مجرم و کلاً منطقه جرم خیزی محل مسکونی در تداوم جرم موثر می باشد.

جدول ۸۸-۳ جدول رگرسیون مدت ارتکاب جرم و متغیرهایی که وارد معادله شدند

نام متغیر	Mult R	R sq	Beta	T	sig T
طرد	۰/۳۷۵۰	۰/۱۴۰۶	-۰/۲۷۲۴۴۷	-۳/۲۰۲	۰/۰۰۱۸
انکار صدمه	۰/۴۷۱۲	۰/۲۲۲۰	-۰/۲۰۵۴۶۶	-۲/۳۵۵	۰/۰۲۰۳
خلاف همسایه	۰/۵۰۴۵	۰/۲۵۴۵	۰/۱۸۱۴۹۶	۲/۱۸۸	۰/۰۳۰۹
برچسب	۰/۵۳۳۱	۰/۲۸۴۲	-۰/۱۸۷۵۱۲	-۲/۱۱۴	۰/۰۳۶۸
MULTIPE R		۰/۵۳۳۰۶	R Square	change	۰/۰۲۹۶۳
R SQUIRE		۰/۲۸۴۱۶	F change		۴/۴۷۰۰۴
ADJUSTED R SQUARE		۰/۲۵۷۶۴	Signif F	change	۰/۰۳۶۸
STANDARD ERROR	۲۲۵۴/۳۹۰۸۲				
F = ۱۰/۷۱۷۷۷		signif	F = ۰/۰۰۰۰		

ضریب همبستگی چندگانه انحراف ثانویه با متغیرهای مستقل (عدم تعلق اجتماعی - برچسب - طرد - فقدان فرصت) به طور همزمان ۰/۵۵۰۲۸ و ضریب تعیین ۰/۳۰ است. اولین متغیر وارد در جدول رگرسیون متغیر عدم تعلق اجتماعی می باشد. دومین متغیر طرد از خانواده می باشد. سومین متغیر وارد شده متغیر برچسب می باشد. و بالاخره متغیر فقدان فرصت وارد معادله شده است. در واقع مطابق تئوری بکر عکس العمل دیگران و اطلاق مجرم به فرد، موقعیت منحرف بودن را در فرد درونی می کند و انحراف ثانویه پاسخی است به عکس العمل دیگران.

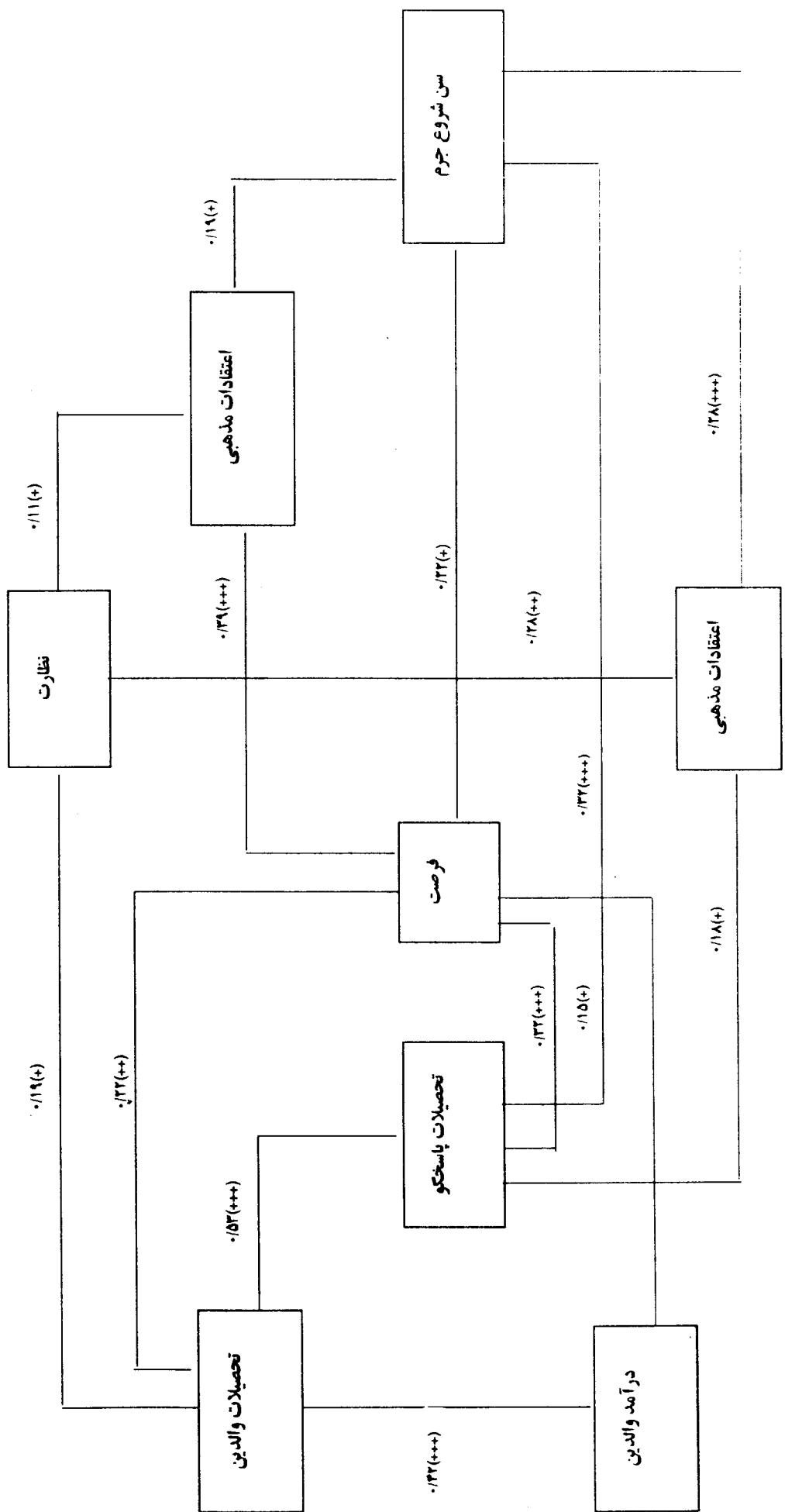
جدول ۸۹-۳ جدول رگرسیون انحراف ثانویه و متغیرهایی که وارد معادله شدند

نام متغیر	Mult R	R sq	Beta	T	sig T
عدم تعلق اجتماعی	۰/۳۹۲۵	۰/۱۵۴۰	۰/۲۶۵۰۳۳	۲/۹۰۸	۰/۰۰۴۳
طرد	۰/۴۸۰۰	۰/۲۳۰۴	۰/۲۸۸۲۲۵	۳/۶۱۹	۰/۰۰۰۴
برچسب	۰/۵۲۹۰	۰/۲۷۹۹	۰/۲۹۴۳۱۷	۳/۴۱۶	۰/۰۰۰۹
فقدان فرصت	۰/۵۵۰۳	۰/۳۰۲۸	-۰/۱۸۲۵۳۵	-۲/۰۲۷	۰/۰۴۴۸
MULTIPE R		۰/۵۵۰۲۸	R Square	change	۰/۰۲۲۹۱
R SQUIRE		۰/۳۰۲۸۱	F change		۴/۱۰۸۳۶
ADJUSTED R SQUARE		۰/۲۸۰۵۰	Signif F	change	۰/۰۴۴۸
STANDARD ERROR	۱/۱۶۲۲۶				
F = ۱۳/۵۷۲۵۱		signif	F = ۰/۰۰۰۰		

۱۵-۳-۳- تحلیل مسیر

یکی از تکنیکهای آزمون تئوری، تحلیل مسیر می باشد، با استفاده از دیاگرام مسیر نمایش روابط یک جهتته مجموعه‌ای از متغیرها امکان پذیر می شود. تحلیل مسیر برای نمایش اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نهایی ترسیم می شود. در دیاگرام مسیر ۳-۱ و ۳-۲ هدف اساسی بررسی اثرات خالص متغیرهای مستقل بر مدت ارتکاب جرم و سن شروع جرم می باشد. براساس دیاگرام ۳-۱ در میان تمام متغیرهای مورد بررسی متغیر عدم تعلق اجتماعی سهم بیشتری بر مدت ارتکاب جرم دارد. ($Beta = 0/35$) پس از آن متغیر تعداد اعضاء مجرم در خانواده بر مدت ارتکاب جرم تأثیر دارد. ($Beta = 0/23$). سهم متغیر فشار اقتصادی بر متغیر مدت ارتکاب جرم ($Beta = 0/21$) می باشد. و سپس فردگرایی با سهم ($Beta = 0/19$) در مرتبه چهارم قرار می گیرد.

براساس دیاگرام ۳-۲ سهم تحصیلات پاسخگو بر روی سن شروع جرم ($Beta = 0/31$) می باشد که بیشترین تأثیر را در به تأخیر انداختن سن شروع جرم دارد. سپس در مرتبه دوم اعتقادات مذهبی با ($Beta = 0/28$) بر سن شروع جرم موثر می باشد. در واقع با افزایش اعتقادات مذهبی و مقید بودن بیشتر سن شروع جرم نیز بالا رفته است. داشتن فرصتهای رسیدن به اهداف نیز بر سن شروع جرم موثر می باشد ($Beta = 0/22$) و در مرتبه آخر تعلق اجتماعی بر سن شروع جرم موثر می باشد ($Beta = 0/19$).



شکل ۳-۲ دیاگرام مسیر سن شروع جرم

۴- نتیجه گیری و پیشنهادات

۴- نتیجه گیری و پیشنهادات

این تحقیق در پی شناخت عوامل موثر بر بروز انحرافات زنان می باشد. عوامل متعددی در وقوع یک مسئله دخالت دارند و این تحقیق نیز فقط به بخشی از عوامل موثر پرداخته است. فرد از بدو تولد در خانواده ارزشها و هنجارها را می آموزد و به تدریج با دنیای وسیعتر جامعه آشنا می شود، خانواده و کارکردهای آن در پذیرش اهداف اجتماعی نقش مهمی در زندگی هر فرد دارند. میزان محبت، صمیمیت، حمایت عاطفی و وابستگی از جمله مسائل مهمی است که در دوران اولیه زندگی می تواند در بروز رفتارهای بهنجار یا نابهنجار موثر باشد. چنانکه در جداول مربوط به وضعیت خانوادگی پاسخگویان دیده شد، هرچه از میزان وابستگی (والدین - فرزند) کاسته می شد بر تعداد جرم پاسخگویان افزوده می شد.

همچنین تعداد از مواجههای پدر روی مدت ارتکاب جرم و سابقه پاسخگویان تأثیر داشته است. در اینجا می توان به اهمیت کارکرد خانواده و نقش پدر پی برد. وجود مشاجره و اختلاف و درگیری بین والدین نیز تأثیر مستقیمی در سن شروع جرم دارد. بعد خانوار و کثرت تعداد خواهران و برادران با تعداد سابقه و میزان محکومیت رابطه معناداری را بیان می کند.

وضعیت اقتصادی والدین با متغیر مدت ارتکاب جرم رابطه معناداری را بیان می کند و تحصیلات پدر و مادر و خود پاسخگو رابطه بسیار معناداری را با نوع جرم پاسخگو بیان می کند یعنی افراد با سطح تحصیلات پایین تر جرائمی را مرتکب شده اند که مجازات سنگین تری را در پی داشته است.

در یک جمع بندی کلی از وضعیت خانوادگی می توان گفت که نابسامانی خانواده، عدم نظارت و کنترل والدین، وجود اختلاف و مشاجره و کثرت اولاد و وضعیت اقتصادی، اجتماعی پایین تأثیر مهمی در بروز جرم و تعدد جرم و سن شروع جرم دارد.

در دوران زندگی زناشویی نیز عدم تجانس و انس و الفت باعث برهم خوردن زندگی مشترک می شود و مطابق جداول مربوطه، طلاق خود از عوامل اصلی بروز رفتار انحرافی می باشد یکی دیگر از متغیرهای بسیار مهم در این تحقیق حوزه های بزهکاری و مجرمیت در بین اعضاء خانواده و محل سکونت می باشد که رابطه بسیار معناداری را با نوع جرم فرد و مدت ارتکاب جرم و سابقه افراد و میزان محکومیت (شدت جرم) بیان می کند. پس وجود خلاف در خانواده و محل سکونت خود از عوامل اساسی موثر در رفتار سایر افراد خانواده و محل زندگی می باشد.

در سطح کلان وجود آنومی و بی سازمانی اجتماعی نیز از عوامل موثر در جرم و مدت ارتکاب

جرم می‌باشد. یعنی وقتی قدرتهای تنظیم کننده جامعه از هم گسیخته می‌شوند، کنترل فردی کاهش می‌یابد و زمینه بروز رفتارهای نابهنجار و جرم فراهم می‌شود.

علقه و تعلق اجتماعی نیز از متغیرهای مهم دیگری می‌باشد که میزان تعلق به جامعه و پیوند با افراد و مسائل جامعه در بروز رفتارهای نابهنجار موثر می‌باشد. مطابق جداول با کاهش علقه و تعلق اجتماعی فرد به جامعه، مدت ارتکاب جرم افزایش پیدا کرده است.

همچنین در مورد کاربرد تکنیکهای خنثی سازی و توجیه عمل در بروز رفتارهای نابهنجار رابطه معناداری مشاهده شد. یعنی فرد متخلف هرچند بیشتر موانع ذهنی را از سر راه خود برداشته و بیشتر به توجیه عمل خود پرداخته مرتکب جرائم بیشتر و مدت زمان طولانی تری شده است. در مبحث انحراف ثانویه یادآور شدیم که شدت عکس العمل دیگران (طرد) و آثار منفی آن در بروز مجدد رفتار انحرافی تأثیر مثبتی دارد. در واقع فرد با پذیرفتن نقش انحرافی به دفاع از خود در برابر عکس العمل دیگران برمی‌آید.

عکس العمل اطلاق برجسب نیز با انحراف ثانویه رابطه همبستگی معناداری را نشان داد. اندیشمندان با تفکیک عوامل موثر بر انحراف اولیه و انحراف ثانویه سعی در توضیح و تبیین این مسئله می‌باشند و معتقداند که علت جرم در مرحله اولیه به تعداد موقعیت‌ها بستگی دارد. ولی اینکه انحراف محدود به مرحله اولیه بماند یا خیر به عکس العمل دیگران بستگی دارد. هرچه شدت عکس العمل بیشتر باشد امکان بروز رفتار انحرافی نیز افزایش خواهد یافت.

پیشنهاداتی که می‌توان برای جلوگیری از جرم ارائه داد به چند بعد تقسیم می‌شود.

وظیفه سنگین و خطیر مسئولین دولتی در مورد نظارت و کنترل‌های شدید مرزی در مورد ورود و قاچاق مواد مخدر که بیشترین تعداد زندانیان مربوط به این جرم می‌باشد. بالا بردن سطح زندگی و رفاه عمومی از طریق ایجاد اشتغال و گسترش آموزش و پرورش. تحکیم و ثبات قوانین حقوقی و کیفری بخصوص در مورد قوانین مربوط به مسائل مالی (در مورد جرم کلاهبرداری بسیاری از مجرمین به دلیل ناآشنا بودن با قانون جدید صدور چک در زندان بسر می‌برند). در سطح خانواده می‌توان به نقش والدین در ابراز محبت و ایجاد امنیت اهمیت بیشتری داد. زیرا کودک در مراحل اولیه زندگی بیش از هرچیز به محبت و محیطی پر از صفا و صمیمیت نیاز دارد. توجه و نظارت خانواده در حد تعادل، نه سختگیری بیش از حد و نه آزادی کامل. بالا بردن اعتقادات و گرایش مذهبی افراد که هم در محیط آموزشی و هم در محیط خانواده قابل اجرا می‌باشد.

در مورد ماهیت واکنش اجتماعی نسبت به جرم باید تغییراتی صورت گیرد. زیرا فردی که با تحمل کیفری از زندان آزاد می‌شود در مواجهه با برچسب‌ها و بی‌اعتمادی‌ها قادر به تطبیق خود با سایر افراد جامعه نمی‌باشد و لذا به سمت گروه‌های منحرف گرایش پیدا می‌کند.

لذا می‌بایست طرز برخورد و تلقی عمومی جامعه را نسبت به فرد نادم و پشیمان از جرم را با مکانیزم‌های مناسبی جایگزین نمود.

مسئله دیگر، بخصوص در ارتباط با مسئولین دادگاه‌ها باید گفت که هر شخصی که به عللی دستگیر و روانه بازداشتگاه می‌شود حتماً جرمی مرتکب نشده و نباید بدلیل کمبود فضا در مراکز انتظامی فرد بازداشت شده به زندان روانه شود تا چه زمانی تکلیف آنها مشخص شود،

زیرا بسیاری از دختران نوجوان به دلیل یک خطای جزئی روانه زندان می‌شوند و تا رسیدن نوبت دادگاه به آنان بسیاری از شگردها و خلافتکاریهایی را که نمی‌دانستند آموزش می‌بینند. در همین راستا می‌توان دادگاه‌های خاص نوجوانان را تشکیل داد تا در حضور والدین از دختران نوجوان تعهد به عدم بازگشت به جرم گرفت و آنان را روانه زندان نکرد، حتی در مواردی می‌توان از خلافت‌های کوچک آنان گذشت کرد و فرد را به زندگی عادی خود بازگرداند.

در محیط زندان نیز می‌بایست مجرمین را بر حسب نوع جرم و سن و سابقه از هم جدا نمود تا خود محیط زندان به یک مرکز آموزشی جهت خلافت‌های بیشتر تبدیل نشود. مسئله اوقات فراغت زیاد زندانیان نیز می‌تواند با کلاسهای آموزشی، انجام کارهای دستی از قبیل خیاطی، گلدوزی، قالی بافی، ورشته‌های هنری از قبیل سرود - تئاتر و ورزشی پر شود. گرچه در محیط زندان مورد مطالعه موارد مذکور کم و بیش وجود داشتند ولی به دلیل عدم استقبال زندانیان، کلاسهای فوق رونقی نداشتند، لذا پیشنهاد می‌شود اوقات روزانه زندانیان طوری تنظیم شود که کمتر فرصت همنشینی با دیگر زندانیان را داشته باشند. همچنین نباید در طول مدت حبس فاصله‌ای بین محکوم و خانواده ایجاد شود یعنی نباید غیبت متهم از خانواده جا بیفتد، بلکه با فراهم کردن امکانات مرخصی در بعضی از ایام سال بخصوص اعیاد، برای افرادی که جرائم سنگین دارد، حضور وی در خانواده احساس شود.

حمایت مادی و اجتماعی از زندانیانی که پس از آزادی، هیچگونه تأمین‌ندارند تارفع کلیه نیازهایشان، این مسئله بخصوص در مورد زنانی صدق می‌کند که در بیرون از زندان کسی راندارند و اگر مکانی جهت اسکان و اشتغال بکار این گونه افراد فراهم شود امکان بازگشت به جرم خیلی کمتر می‌شود.

منابع

منابع

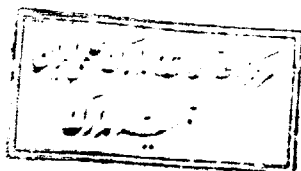
- ۱- آرون، ریمون (۱۳۶۴) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی؛ ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
- ۲- ترنر، جانانان اچ و ال بیگلی (۱۳۷۰) پیدایش نظریه جامعه‌شناختی؛ ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، فرهنگ - شیراز
- ۳- ترنر، جانانان اچ (۱۳۷۳) ساخت نظریه جامعه‌شناختی؛ ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، نوید شیراز.
- ۴- حجتی اشرفی، غلام رضا، (۱۳۷۵) قانون مجازات اسلامی، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۵- دورکیم، امیل، (۱۳۶۸) قواعد روش جامعه‌شناسی؛ ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- ۶- دورکیم، امیل، (۱۳۶۹) درباره تقسیم کار اجتماعی؛ ترجمه باقر پرهام، بابل، کتابساری بابل.
- ۷- رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۰) کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۸- ریتزر، جورج (۱۳۷۳) نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ ترجمه احمد رضا غروی زاد، تهران، ماجد.
- ۹- ستوده، هدایت‌ا... (۱۳۷۲) مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی؛ تهران، موسسه انتشارات آوای نور.
- ۱۰- سخاوت، جعفر (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۱- صفوی، امان‌ا... (۱۳۷۰) تئوریهای انحراف؛ رشد علوم اجتماعی، شماره ۶ و ۷، وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۲- صدیق، رحمت‌ا... (۱۳۶۷) تحلیل نظریه‌های مربوط به کجرویهای اجتماعی، نشریه علوم تربیتی، شماره ۲ و ۱، دانشکده علوم تربیتی.
- ۱۳- کوزر، لیویس (۱۳۷۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی؛ ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۱۴- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳) مبانی جرم‌شناسی؛ چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۵- کرلینجر، پدهازور (۱۳۶۶) رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری؛ ترجمه حسن سرایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۷- گسن، ریموند (۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی؛ ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مترجم.
- ۱۸- ورسلی، پتر (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی مدرن؛ ترجمه حسن پویان، تهران، انتشارات چاپخس.

۱۹ - معادنت تحنیتات، طرح و برنامه (۱۳۷۴) گزارش عملکرد سازمان زندانها و اقدامات
تامینی و تربیتی کشور، تهران.

REFERENCES

1. **Aggleton, Peter** (1993) *Deviance*; Routledge.
2. **Akers, Ronald L.** (1992) *Linking sociology and specialties: the case of criminology*; *social forces*, Vol: 71 No:1.
3. **Bainbridge, william sims** (1989) *The religious ecology of Deviance*; *American sociological Review (ASR)* Vol: 54 PP:282-295.
4. **Farnworth, Margaret & Michael J. Leiber** (1989) *strain theory revisited: economic Goals, educational means, and delinquency*; *American sociological review (ASR)* Vol: 54 PP. 263-274.
5. **Figueira - Mcdonough, Josefina** (1983) *on the usefulness of merton's anomie theory*; *Youth & society*, Vol: 14 No:3.
6. **Hagan, Johnr** (1985) *Modern Criminology*; McGraw - Hill, inc.
7. **Hamilton, Peter** (1987) *Robert K. Merton*; Tavistock Publications and ellis Horwood.
8. **Kaplan Howard B.** (1991) *Negative social sanctions and Juvenile Delinquency : Effects of Labeling in a model of deviant behavior*; *social science Quaterly*; Vol: 72:1.
9. **Kuper, adam & Jessica Kuper** (1989) *The social Science encyclopeida*; Routledge.
10. **Lqub, John H. & Robert J. Sampson** (1991) *The Sutherland Glueck debate on the sociology of Criminological Knowledge*; *American Journal of Sociology (ASR)* Vol: 96 No : 6.
11. **Matsueda, Ross L.** (1992) *Reflected appraisals, Parental Labeling, and delinquency : specifying asymbolic interactionist theory*; *Ajs* Vol : 97 No:60.

12. **Mlethe, Terance D. & David Mc Dowall** (1993) Contextual effect in Models of Criminal victimization; social forces Vol: 71 No:3.
13. **Muncie John & Eugene McLaughlin & Mary Langan** (1996) Ciminological perspectives; Sage publications.
14. **Quay, Herbert C.** (1965) Juvenile Delinquency; D. Van Nostrand company, inc.
15. **Rowe, David C & D. Wayne osgood** (1984) Heredity and sociological Theories of delinquency: A Reconsideration; American Sociological Review (ASR) Vol: 49 PP: 526-540.
16. **Simpson, Miles E. & Conklin George H.** (1989) Socioeconomic Development, Suicide and Religion: Atest of Durkeim's Theory of religion and Suicide; Social froces Vol: 67 PP: 945-964,
17. **Smith, Caralyn & Marvin D. Krohn** (1995) Delinquency and family life Among Male adolescents: The Role or ethnicity; Journal of Youth and Adolescence, Vol: 24 No:1.
18. **Turner, Jonathan H.** (1994) Sociology: Concepts and Uses; Mc Graw - Hill, inc.
19. **Vander Zanden, James W.** (1993) sociology the core, McGraw Hill, inc.
20. **Vold, Georg B & Thomas Berand** (1986) Theoretical Criminology; Oxford University Press.
21. **Warr, Mark** (1993) Parents, peers and delinquency; Social forces. Vol: 72 No: 1.
22. **Warren, Coral A.B.** (1977) Sociology: Chang and continuity; New York: The Dersey Press.
23. **Warner, Barbara D. & Allen E .Liska** (1991) Functions of Crime: A Paradoxical Process; American Journal of Sociology Vol: 96 No: 6.



ضمائم

آمار موجودی زندانیان در سال ۱۳۷۴

میانگین	اسفند	بهرمن	دی	آذر	آبان	مهر	شهریور	مرداد	تیر	خرداد	اردیبهشت	فروردین	نوع جرم
۴۷۷۴	۴۵۹۹۹	۴۷۹۶۹	۴۷۳۵۵	۴۶۲۷۱	۴۵۵۷۵	۴۳۸۷۸	۴۲۴۶۲	۴۲۰۸۱	۳۹۳۸۴	۳۸۲۵۵	۳۶۸۵۲	۳۷۲۱۲	مواد مخدر
۱۱۲۷۵	۱۱۰۸۹	۱۳۳۴۱	۱۲۹۸۷	۱۳۴۱۴	۱۲۷۹۴	۱۲۱۳۴	۱۱۲۸۰	۱۱۱۷۹	۱۰۳۶۹	۹۳۶۵	۸۹۳۴	۸۴۱۱	اعتیاد
۱۵۶۳	۱۶۶۸	۱۶۵۰	۱۶۷۳	۱۶۵۵	۱۶۵۶	۱۵۷۲	۱۵۹۵	۱۵۲۷	۱۵۳۸	۱۴۳۱	۱۴۳۰	۱۳۶۲	سرقهت مسلحانه
۱۳۹۰۴	۱۴۸۸۲	۱۵۰۸۵	۱۴۷۱۸	۱۴۳۹۵	۱۴۴۱۲	۱۴۵۸۱	۱۴۳۱۷	۱۳۱۳۷	۱۳۶۹۴	۱۳۳۳۰	۱۲۶۹۵	۱۱۶۰۷	سرقهت
۴۵۱۲	۴۲۰۲	۴۴۳۶	۴۲۷۳	۴۳۱۵	۴۴۱۱	۴۴۸۵	۴۸۴۵	۵۱۷۵	۴۷۶۳	۴۵۶۴	۴۵۳۸	۴۱۳۴	منکرات
۴۳۲۶	۴۳۷۵	۴۴۳۰	۴۴۱۵	۴۴۶۰	۴۴۶۸	۴۵۲۸	۴۴۳۲	۴۳۹۶	۴۲۶۸	۴۰۹۸	۴۰۲۳	۴۰۲۰	قتل عمد
۱۲۶۴	۱۲۳۵	۱۳۰۰	۱۳۰۹	۱۲۸۹	۱۳۳۹	۱۳۵۰	۱۳۱۰	۱۱۸۷	۱۲۱۵	۱۱۹۴	۱۲۰۸	۱۲۳۲	قتل غیر عمد
۲۵۶۶	۲۶۲۸	۲۷۰۳	۲۷۱۷	۲۷۱۴	۲۶۵۳	۲۶۷۳	۲۶۶۸	۲۴۴۲	۲۵۱۲	۲۴۶۷	۲۳۷۵	۲۲۵۴	جعل
۵۱۷۳	۴۲۵۰	۴۶۹۴	۴۷۶۲	۴۷۴۹	۵۲۰۵	۵۲۸۶	۵۶۱۷	۵۹۶۳	۵۸۲۵	۵۴۶۹	۵۳۸۵	۴۸۶۷	شترارت و اخلاص
۳۵۰	۳۱۱	۳۱۹	۳۷۷	۳۳۲	۳۶۸	۳۷۳	۳۹۲	۳۷۸	۳۳۹	۳۴۳	۳۴۶	۳۱۹	تخریب
۱۷۴۴	۱۵۱۴	۱۷۹۶	۱۸۳۳	۱۷۷۸	۱۶۷۸	۱۶۹۸	۱۶۹۲	۱۷۰۸	۱۷۵۳	۱۸۵۳	۱۸۵۰	۱۷۸۶	قاچاق کالا
۲۸۰۶	۳۴۳۱	۳۸۵۵	۳۹۶۳	۴۰۷۵	۴۰۲۵	۳۹۰۲	۳۸۸۵	۳۸۹۵	۴۰۷۴	۳۶۴۲	۳۵۵۰	۳۳۳۷۲	نظامی و انتظامی
۷۳۳۲	۷۴۴۴	۷۸۱۵	۷۶۶۶	۷۶۳۷	۷۶۲۴	۷۵۹۲	۷۴۷۵	۷۱۷۱	۷۱۷۱	۶۹۹۶	۶۹۸۹	۶۵۰۲	مالی
۲۴۰	۲۰۷	۲۲۶	۲۲۵	۲۳۴	۲۵۳	۲۵۸	۲۷۱	۲۲۳	۲۲۶	۲۶۶	۲۲۶	۲۴۲	تصرف
۳۳۱	۳۲۸	۳۴۰	۳۳۷	۳۱۶	۳۲۴	۳۲۳	۳۳۴	۳۰۵	۳۵۷	۳۵۵	۳۷۴	۲۷۳	راندنگی
۳۱۹	۳۵۷	۳۸۳	۳۵۱	۳۴۶	۳۴۶	۳۵۸	۳۵۵	۲۸۸	۲۸۹	۲۶۰	۲۴۱	۲۴۸	خانه ادگی
۶۳۷	۵۳۱	۷۵۱	۶۸۶	۶۶۹	۷۰۶	۶۷۹	۶۴۱	۶۵۶	۶۷۴	۵۴۹	۵۵۸	۵۴۰	عبور غیر مجاز از مرز
۱۱۹۶	۱۰۹۹	۱۱۶۰	۱۱۹۴	۱۲۴۳	۱۲۵۶	۱۱۹۱	۱۱۷۹	۱۱۹۵	۱۲۰۹	۱۲۱۶	۱۲۱۲	۱۱۹۷	امینتی
۱۰۳۳۱۰	۱۰۵۴۵۰	۱۱۲۲۵۳	۱۱۰۸۴۱	۱۰۹۸۹۲	۱۰۹۰۹۳	۱۰۶۸۵۲	۱۰۴۷۳۰	۱۰۲۹۰۶	۹۹۶۸۰	۹۵۶۵۳	۹۲۷۸۶	۸۹۵۷۸	جمع کل

جدول ۱-۶۵-۳- همبستگی گویه‌های آنومی (اجتماعی) با متغیرهای جرم

سؤالات	امکانات	سطح معناداری	بی‌نظمی	سطح معناداری	انتظارات	سطح معناداری	بی‌اعتقادی	سطح معناداری
تعداد دهات زندان	۰/۰۳۲۶	۰/۶۸۸	۰/۰۱۷۴	۰/۸۳۰	-۰/۱۴۸۳	۰/۰۶۷	-۰/۱۱۷۹	۰/۱۴۵
تعداد جرم‌هایی	۰/۰۲۸۸	۰/۷۲۳	۰/۰۳۱۲	۰/۷۰۱	-۰/۰۷۶۱	۰/۳۴۸	۰/۰۴۱۸	۰/۶۰۶
سن شروع جرم	۰/۰۱۲۴	۰/۸۷۹	۰/۰۸۱۹	۰/۳۱۳	-۰/۰۵۳۶	۰/۵۰۹	۰/۰۷۸۸	۰/۳۳۱
میزان محکومیت	-۰/۱۰۵۸	۰/۱۹۲	-۰/۰۸۴۹	۰/۲۹۵	-۰/۰۲۴۳	۰/۷۶۵	-۰/۰۱۸۵	۰/۸۲۰
مدت ارتکاب جرم	-۰/۰۵۰۱	۰/۵۳۷	-۰/۰۸۷۴	۰/۲۸۱	-۰/۲۳۱۲	۰/۰۰۴	-۰/۲۶۶۷	۰/۰۰۱

جدول ۱-۶۶-۳- همبستگی گویه‌های آنومی (فردی) با متغیرهای جرم

سؤالات	عدم رضایت از خود	سطح معناداری	عدم مهر و محبت	سطح معناداری	انسانیت	سطح معناداری
تعداد دهات زندان	-۰/۱۱۲۳	۰/۱۶۵	۰/۰۱۷۶	۰/۸۲۹	-۰/۱۳۶۱	۰/۰۹۲
تعداد جرم‌هایی	۰/۰۵۷۰	۰/۴۸۳	۰/۱۰۲۵	۰/۲۰۶	-۰/۰۴۶۵	۰/۵۶۷
سن شروع جرم	۰/۰۶۰۰	۰/۴۶۰	۰/۰۷۹۹	۰/۳۲۵	۰/۰۴۰۹	۰/۶۱۴
میزان محکومیت	-۰/۰۵۰۰	۰/۵۳۸	۰/۰۸۳۳	۰/۳۰۲	-۰/۰۵۲۳	۰/۵۱۹
مدت ارتکاب جرم	-۰/۲۲۷۳	۰/۰۰۵	۰/۰۲۳۸	۰/۷۷۰	-۰/۲۰۵۹	۰/۰۱۰

جدول ۱-۷۶-۳- همبستگی گویه‌های تعلق اجتماعی با متغیرهای جرم

سوالات	بی تفاوتی	سطح معناداری مسئولیت پذیری	سطح معناداری فکر کردن	سطح معناداری دوست نداشتن	سطح معناداری
تعداد دفعات زندان	-۰/۱۷۶۸	-۰/۱۰۳۵	-۰/۲۰۲	-۰/۰۰۷۹	-۰/۹۲۲
تعداد جرم فعلی	-۰/۰۷۷۰	-۰/۰۲۹۸	-۰/۷۱۲	-۰/۰۰۹۷	-۰/۲۱۶
سن شروع جرم	-۰/۰۱۶۸	-۰/۰۰۸۶	-۰/۹۱۶	-۰/۱۱۴۲	-۰/۳۶۱
میزان محکومیت	-۰/۱۰۳۵	-۰/۱۴۹۸	-۰/۰۶۲	-۰/۰۲۳۸	-۰/۰۲۱
مدت ارتکاب جرم	-۰/۱۰۸۸	-۰/۰۷۲۷	-۰/۳۷۱	-۰/۲۲۶۶	-۰/۰۱۶

جدول ۱-۳-۸۲- همبستگی بین گویه‌های طرد با متغیرهای جرم

سطح معناداری	احترام	سطح معناداری	اعتماد	سطح معناداری	مفصل دانستن	سطح معناداری	به چشم مجرم	سطح معناداری	عدم معانرت	سطح معناداری	بی اعتنا	سؤالات
...	-۰/۳۱۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۶۹	۰/۰۰	-۰/۲۸۱۸	۰/۰۰۱	-۰/۲۷۶۱	۰/۰۰۲	-۰/۲۲۸۲	۰/۰۱۵	-۰/۱۹۵۱	تعداد دهات زندان
۰/۱۲۳	-۰/۱۲۲۸	۰/۲۸۲	-۰/۰۸۷۳	۰/۰۶۶	-۰/۱۲۴۶	۰/۲۲۱	-۰/۰۹۹۱	۰/۵۵۶	-۰/۰۳۷۹	۰/۸۹۰	-۰/۰۱۱۲	تعداد جرم اصلی
...	۰/۳۳۳	۰/۰۰۱	۰/۲۶۷۲	۰/۰۰۰	۰/۳۱۲۱	...	۰/۲۸۷۲	۰/۰۰۲	۰/۲۴۵۸	۰/۰۰۱	۰/۲۷۱۸	سن شروع جرم
۰/۴۱۷	-۰/۱۰۰۱	۰/۸۱۸	۰/۰۱۸۷	۰/۰۶۹	۰/۱۴۶۸	۰/۲۴۲	۰/۰۹۴۸	۰/۰۴۰	۰/۱۶۶۱	۰/۰۳۹	۰/۱۶۶۸	میزان محکومیت
۰/۱۰۰	-۰/۱۳۳۰	۰/۱۳۳	-۰/۱۲۱۲	۰/۰۵۲	-۰/۱۵۵۸	۰/۰۰۳	-۰/۲۳۲۲	۰/۱۵۷	-۰/۱۱۲۵	۰/۰۰۴	-۰/۲۲۸۷	مدت ارتکاب جرم